

ثابت گردید نسل شهدا زنده است



صادق

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۲۱۱ | دوشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۴ | ۱۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ | ۳ نوامبر ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

۵ نوید کمالی
راهبرد

۱۳ آرش فهیم
فرهنگ

۲ علی ودایع در گفت‌وگو با صبح صادق
نگاه

سیاست خارجی محل مناقزه داخلی نیست

۱۴ سپاه

معاون سیاسی سپاه به مناسبت روز ۱۳ آبان مطرح کرد

اتاق جنگی به نام سفارت خانه!

۱۱ نقد روز

بازخوانی تأثیر استکبارستیزی در روند افول آمریکا

مقاومت و آغاز افول استکبار

صبح صادق آثار و پیامدهای خروش مردم انقلابی ایران در یوم‌الله ۱۳ آبان را بررسی می‌کند

آغاز و تدویم یک داستان



مهدی سعیدی
جانشین سردبیر

قصه‌ها آغاز و پایانی دارند و فرازها و فرودهایی. قصه وقتی کامل درک می‌شود که از اول شنیده شود، وگرنه اگر از میانه ماجرا به آن دل بسیاری، ممکن است قصه را به درستی متوجه نشوی و تصویری معیوب و شاید معکوس از ماجرا در ذهن‌تان بنشیند. ماجرای مواجهه ما و آمریکا نیز قصه طول و درازی است که برخی تلاش دارند قصه آن را نصفه و نیمه روایت کنند و به عمد فصول ابتدایی آن را قیچی کنند! و آغاز آن را تسخیر سفارتخانه آمریکا در خیابان «روزولت» قرار دهند. در این باره توجه به چند نکته حائز اهمیت است:

۱- اولین مواجهه جدی ملت ایران و آمریکا مواجهه بسیار تلخی بود و آنجایی کلید خورد که به یکباره ملت ایران سقوط دولت مصدق را به چشم خود دید! آن هم در روزگاری که سفارت انگلستان در ایران بسته شده بود و

بعدها معلوم شد که کودتای ۲۸ مرداد، این بار در سفارت آمریکا پخت‌وپز شده است. همین کافی بود که اولین توهमत خوش‌بینانه نسبت به آمریکایی‌ها شکسته شود و مشخص شد که راه استعمارگران بریتانیایی، زین پس از سوی ایالات متحده دنبال خواهد شد!

۲- کار به کودتا ختم نشد، بلکه آغاز راهی بود که با سرکوب نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ و مقابله با همه تلاش‌های آزادی‌خواهانه ملت ایران در طول ۲۵ سال تداوم یافت. تا آنجا که کاسه صبر ملت ایران به سر آمد و بساط بیگانه و بیگانه‌پرستان در این کشور جمع شد و تخت و تاج خاندان پهلوی در بهمن ۱۳۵۷ به هوارفت و برای اولین بار در تاریخ این سرزمین، نظامی برخاسته از اراده ملت ایران استقرار یافت، در حالی که آخرین تلاش‌های آمریکایی‌ها برای حفظ سلطنت پهلوی با نقشه طراحی شده ژنرال هایزر نیز ناکام ماند!

۳- پس از آنکه سونامی انقلاب اسلامی، فراتر از ابزارهای کنترلی آمریکایی‌ها کار خاندان پهلوی را تمام کرد، آمریکایی‌ها بیچاره ننشستند؛ چرا که معتقد بودند ملت ایران هر چند توانسد گام اول انقلاب خود را بردارد،

اما بدون شک در مرحله استقرار ناکام خواهد ماند! بالاخص آنکه همچنان سفارتخانه خیابان روزولت پابرجاست و همان برای براندازی انقلاب اسلامی نوبت کافی است.

رهبر حکیم انقلاب اسلامی شرح می‌دهند «اسنادی که از سفارت به دست آمد، نشان داد که سفارت آمریکا مرکز توطئه و جاسوسی علیه ایران بوده؛ حتی در سفارت آمریکا طراحی کودتا می‌شده که علیه انقلاب کودتا کنند؛ طراحی جنگ داخلی می‌شده؛ تلاش می‌کردند که در استان‌های مرزی کشور، جنگ داخلی راه بیندازند؛ طراحی می‌شده که چگونه در حکومت جدید انقلابی نفوذ کنند؛ رسانه‌های ضدانقلاب را که در داخل بودند، مدیریت می‌کردند، هدایت می‌کردند؛ این را بنویسید، این را بگویید، این را جعل کنید، این شایعه‌سازی را بکنید؛ برای تحریم هم برنامه‌ریزی می‌کردند؛ یعنی سفارت، از اولین روزهای شروع انقلاب، مرکز توطئه علیه کشور و علیه انقلاب بوده.» (۱۴۰۲/۸/۱۰) و اینگونه بود که سفارت آمریکا به نقطه هدف حرکت اعتراضی دانشجویان آزادی‌خواه این سرزمین بدل شد.

۴- نکته قابل ملاحظه در این ماجرا آن است که فاتحان لانه جاسوسی جمعی جوان کم‌سواد و قشری نبودند که در فضایی احساساتی به اقدام دست زده باشند؛ بلکه قشر فرهیخته و پیشگامانی بودند که همگی در بهترین دانشگاه‌های تهران درس می‌خواندند. قلب جنبش دانشجویی و دانشجویان پیرو خط امام (ره)، در آن روزها در دانشگاه تهران، شریف، امیرکبیر و تربیت معلم جمع آمده بودند و همان‌ها بودند که پس از مطالعات گسترده در مورد اقدامات آمریکا در کشورهای جهان سوم و آگاهی از نقش‌آفرینی این سفارتخانه به مرکز برای ایجاد آشوب و بلوا در کشورها به این اقدام تاریخ‌ساز دست زدند.

۵- در تاریخ این سرزمین معدود اقداماتی را می‌توان برشمرد که به اندازه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا اجماع عمومی را به همراه داشته باشند. حمایت تمام قد ملت ایران از حرکت دانشجویان پیرو خط امام (ره) نشان داد که این حرکت، اقدامی بدون پشتوانه نبوده است و دانشجویان اکثریت ملت ایران را

نماینده می‌کردند و هیچ قشری و هیچ مرامی نبود که به حمایت از این اقدام سخن نگفته باشد. حتی احزاب و گروه‌های التقاطی متأثر از مارکسیسم و لیبرالیسم هم از این حرکت حمایت کردند.

۶- دانشجویان نیامده بودند که بمانند؛ آمده بودند که در حرکتی اعتراضی، فریاد خشم ملت ایران را به گوش آمریکایی‌ها و جهانیان برسانند! اما وقتی آمدند، دیدند که این مجموعه فراتر از یک سفارتخانه، بلکه در قامت یک جاسوس‌خانه قد کشیده است و ریشه همه چالش‌ها و بحران‌های پیش‌روی انقلاب نوپای ملت در آن روزهای سخت، به «ایستگاه خیابان روزولت» ختم می‌شود! اینگونه بود که محاسبات دگرگون شد و ماندند تا رسوایی آمریکایی‌ها، به آرمان واحد دانشجویان و ملت ایران در آن روزگاران بدل شد و کار تسخیر تا ۴۴۴ روز به طول انجامید! حرکت مقدسی که در حمایت از آن سال‌های متمادی جنبش دانشجویی با گرایش‌های سیاسی مختلف فریاد می‌زدند که: «ما هیبت آمریکا رو شکستیم! ما فاتح جاسوس‌خانه هستیم.»

نیم نگاه

رهبر تجارت آزاد!



کارشناس مسائل

بین‌الملل

ترامپ دیدار خود با «شی جین‌پینگ» را «۱۲ از ۱۰» ارزیابی کرد. این دیدار در حاشیه سفر آسیایی رئیس جمهور آمریکا و در آستانه نشست دو روزه سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا–پاسفیک (APEC) برگزار شد و حاشیه‌های بسیاری به همراه داشت؛ از حضور نیافتن ترامپ در نشست اصلی گرفته تا حضور فعال و قدرتمند شی جین‌پینگ به منزله چهره محوری این رویدادها.

هدف اصلی دیدار دو رهبر، همان‌گونه که اعلام شد، کاهش تنش در جنگ تجاری فزاینده میان واشنگتن و پکن بود. ترامپ دیدار خود با جین‌پینگ را «موفقیتی خیره‌کننده» توصیف کرد و گفت پکن موافقت کرده است صادرات عناصر نادر را از سر گیرد و در ازای کاهش تعرفه‌ها، خرید نایه سویا از آمریکا را آغاز کند.

جین‌پینگ با اعلام اینکه تحت هدایت مشترک دو کشور، روابط چین و ایالات متحده باثبات مانده است، گفت: «چین و آمریکا باید شریک و دوست باشند؛ این آموزه تاریخ و نیاز واقعیت امروز است. با توجه به تفاوت شرایط ملی، طبیعی است که همیشه دیدگاه‌های مشابهی نداشته باشیم و بروز اصطکاک میسان دو اقتصاد برتر جهان امری عادی است. شما و من در رأس روابط چین و آمریکا قرار داریم. در مواجهه با پادها، امواج و چالش‌ها، باید مسیر درست را حفظ کنیم و از تداوم مسیر آرام و پایدار کشتی عظیم روابط چین و آمریکا اطمینان حاصل نماییم.»

در حالی‌که هر دو طرف مدعی بودند مذاکرات به‌خوبی پیش رفته است، ترامپ تصمیم گرفت در نشست اصلی APEC حضور پیدا نکند. تصمیم او برای حضور نیافتن در مجمعی که حدود ۴۰ درصد جمعیت جهان و بیش از نیمی از تجارت جهانی را نمایندگمی می‌کند، با رویکرد شناخته‌شده‌اش در بی‌اعتمادی به نشست‌های چندجانبه هماهنگ بود؛ نشست‌هایی که معمولاً برای حل چالش‌های جهانی طراحی شده‌اند، در حالی که ترامپ ترجیح می‌دهد در دیدارهای دوجانبه و نمایشی شرکت کند که پوشش رسانه‌ای گسترده‌ای دارند. رسانه‌های راست‌گرای آمریکا نیز این غیبت را نشانه «پیروزی کامل» ترامپ در مذاکرات با رهبر چین دانستند و معتقد بودند دیگر نیازی به حضور بیشتر او وجود ندارد.

در غیاب ترامپ، این شی جین‌پینگ بود که خود را رهبر و مدافع اصلی تجارت آزاد معرفی کرد. در شرایطی که ایالات متحده با اعمال تعرفه‌های بالا موجب بی‌نظمی در تجارت بین‌المللی شده است، شی خواستار حفظ ثبات زنجیره‌های تأمین شد و در برابر تلاش‌های آمریکا برای جداسازی زنجیره‌های خود از چین، بر ضرورت همکاری با دیگر کشورها در حوزه صنایع سبز و انرژی پاک تأکید کرد. دیدار ترامپ و شی جین‌پینگ، هرچند از نظر ظاهری موفقیت‌آمیز جلوه کرد، اما در واقع نشان‌دهنده تداوم شکاف عمیق میان دو قدرت اقتصادی بزرگ جهان بود. در حالی که پکن تلاش دارد نقش خود را به منزله حامی تجارت آزاد و همکاری چندجانبه تثبیت کند، واشنگتن با رویکردی فردمحور و مبتنی بر منافع کوتاه‌مدت، همچنان از سازوکارهای جمعی فاصله می‌گیرد. غیبت ترامپ در نشست APEC به‌نوعی خلا رهبری ایالات متحده در نظم اقتصادی جهانی را آشکار کرد و در مقابل، فرصتی فراهم آورد تا چین جایگاه خود را به‌عنوان نیرویی باثبات و پیشرو در عرصه تجارت جهانی تقویت کند.

صبح صادق در گفت‌وگو با علی ودایع پیامدهای ناخوشایند اوکراینیزه شدن سیاست خارجی ایران را بررسی می‌کند

سیاست خارجی محل منازعه داخلی نیست



محمد مهدی اسکندری

خبرنگار

نزاع شرق‌گرایی و غرب‌گرایی بار دیگر بیت‌الغزل برخی از سیاسیون داخل کشور شده و این موضوع تا حدی بسالا گرفته است که تأثیرش در حوزه سیاست‌خارجی می‌تواند در حال حاضر برخی از مهم‌ترین منافع ملی ایران را تهدید کند. کشیده شدن تسویه‌حساب‌های سیاسی و جناحی به حوزه دیپلماسی کلان ایران که مسئله منافع ملی کشور در میان است، خطرناک‌ترین و البته ساده‌لوحانه‌ترین اقدامی است که هرچه زودتر باید به آن خاتمه داد و با در نظر داشتن منافع کلان و راهبردهای اساسی کشور از این ذهنیت شرق‌گرایی و غرب‌گرایی رهایی یافت. درباره پیامدها و اساساً تبارشناسی برخی اظهار نظراتی که در روزهای گذشته در مورد شرق(روسیه) و غرب(آمریکا و اروپا) از سوی بعضی مسئولان حال حاضر و برخی مسئولان اسبق بروز پیدا کرد، با «علی ودایع» کارشناس مسائل بین‌الملل گپ‌وگفتی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.
ودایع در ابتدا با پیش کشیدن نقل قولی از هنری کیسینجر گفت: «پدرخوانده سیاست خارجی آمریکا در یکی از مصاحبه‌هایش گفته بود که اگر روزی انحراف در سیاست خارجی ایالات متحده مشاهده کنم؛ با صدای بلند نقد خود را بیسان می‌کنم. سیاست خارجی باید در راستای منافع ملی کشور باشد.» وی در ادامه افزود: «شاید لازم باشد امروز هم با صدای بلند هشدار بدهیم که بازی‌های سیاست داخلی روی میز سیاست خارجی می‌تواند تبعات ناخوشایندی داشته باشد. آنچه به نظر می‌رسد، این است که در ایران در مورد سیاست خارجی ما با یک نبود انسجام‌نظر درگیر شده است. گفتنی است، اختلاف دیدگاه در مورد سیاست خارجی امری معمول و بدیهی است که در هر دولتی وجود دارد؛ اما در بگو مگوهای اخیر حکایت متفاوت است و برخی بازیگران سیاسی با رادیکالیزه کردن این موضوع و نگاه‌های صفر و صدی به مسائل مربوط به سیاست‌خارجی تهدید اوکراینیزه شدن ایران را به ارمان می‌آورند که در آینده این تهدید می‌تواند امنیت و منافع ایران را برهم زند.»

خطر اوکراینیزاسیون تهران

کارشناس روابط بین‌الملل با پیش کشیدن پرونده اوکراین، تصریح کرد: «تا قبل از تحولات سال ۲۰۱۴ اوکراین، این کشور ساحت نزاع و تقابل افراطیون شرق‌گرا و افراطیون غرب‌گرا بود. اوکراینی که بنا به جایگاه ژئوپلیتیکی مهمی که دارد و به عنوان گسل انتقال انرژی شناسایی می‌شود؛ عملاً به زمین تقابل شرق و غرب تبدیل شد. امثال آقای زلنسکی دقیقاً نقطه عزیمت خودشان را با انگشت نهادن بر تقابل افراطی با شرق به بهانه رابطه با غرب پی گرفتند که نتیجه آن جنگ و از بین رفتن منافع ملی بود. تجربه کی‌یف نشان می‌دهد، اوکراینیزه شدن سیاست خارجی غرب و شرق هرکدام از منافع ملی هدف سهم‌خواهی می‌کنند.»

نه شرقی، نه غربی

ودایع ضمن تأکید بر لزوم حفظ استقلال ایران به منزله نظام بین‌الملل در حال گذار از دوره تک‌قطبی کوتاه‌مدت پس از جنگ سرد به عرصه‌ای است که ویژگی چند قطبی را به خود می‌گیرد. در این فضای پرابهام و آشوب، قدرت‌های بزرگ دریافته‌اند که پیشبرد اهداف استراتژیک خود به تنهایی رو به افول است. از این رو، شاهد بازگشت قدرتمندانه یک پدیده کهن با لباسی نو با نام «بارگیری» هستیم. اما این بارگیری دیگر به شکل بلوک‌های متصلب و ایدئولوژیک دوران جنگ سرد نیست، بلکه شبکه‌ای پیچیده، سیال و اغلب موقعیتی از ائتلاف‌ها، شراکت‌ها و پیمان‌های دو و چندجانبه است که در پشت جمعی فاصله می‌گیرد. غیبت ترامپ در نشست APEC به‌نوعی خلا رهبری ایالات متحده در نظم اقتصادی جهانی را آشکار کرد و در مقابل، فرصتی فراهم آورد تا چین جایگاه خود را به‌عنوان نیرویی باثبات و پیشرو در عرصه تجارت جهانی تقویت کند.

بارگیری در نظام بین‌الملل معاصر، یک بازی چندبعدی و پیچیده است که در میدان‌های اقتصادی، امنیتی، فناوری و اطلاعاتی به طور

قدرت سنتی خاورمیانه، گفت: «بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) ما یک سیاست خارجی مستقل را ذیل اصل «نه‌شرقی و نه‌غربی» دنبال کردیم. در آن فضا جمهوری اسلامی ایران می‌خواست به عنوان یک بازیگر مستقل که مهره شرق و غرب هم نیست، به دنبال اهداف خود برود و خواسته‌هایش را در سطح منطقه و دنیا محقق کند؛ اما موضوع شرق‌گرایی و غرب‌گرایی که در دوران جنگ سرد شاهد آن بودیم، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دچار تغییر و تحولات بنیادین شد. از حوالی سال ۲۰۱۰ بحث‌ها پیرامون بازنویسی جنگ سرد داغ شد تا اینکه ماجرای «انقلاب آبی» کی‌یف و در ادامه جنگ اوکراین جدی‌ترین سطح تخصص پس از جنگ سرد را رقم زد.»

وی ضمن تأکید بر نقش منافع بر رفتار بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل گفت: «اوکراین با وابستگی مفرط به غرب به یک عنصر تهدید برای شرق تبدیل شد؛ وضعیتی که این سرزمین را به زمین نبرد تبدیل کرد رهایی یافت. درباره پیامدها و اساساً تبارشناسی برخی اظهار نظراتی که در روزهای گذشته در مورد شرق(روسیه) و غرب(آمریکا و اروپا) از سوی بعضی مسئولان حال حاضر و برخی مسئولان اسبق بروز پیدا کرد، با «علی ودایع» کارشناس مسائل بین‌الملل گپ‌وگفتی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.
ودایع در ابتدا با پیش کشیدن نقل قولی از هنری کیسینجر گفت: «پدرخوانده سیاست خارجی آمریکا در یکی از مصاحبه‌هایش گفته بود که اگر روزی انحراف در سیاست خارجی ایالات متحده مشاهده کنم؛ با صدای بلند نقد خود را بیسان می‌کنم. سیاست خارجی باید در راستای منافع ملی کشور باشد.» وی در ادامه افزود: «شاید لازم باشد امروز هم با صدای بلند هشدار بدهیم که بازی‌های سیاست داخلی روی میز سیاست خارجی می‌تواند تبعات ناخوشایندی داشته باشد. آنچه به نظر می‌رسد، این است که در ایران در مورد سیاست خارجی ما با یک نبود انسجام‌نظر درگیر شده است. گفتنی است، اختلاف دیدگاه در مورد سیاست خارجی امری معمول و بدیهی است که در هر دولتی وجود دارد؛ اما در بگو مگوهای اخیر حکایت متفاوت است و برخی بازیگران سیاسی با رادیکالیزه کردن این موضوع و نگاه‌های صفر و صدی به مسائل مربوط به سیاست‌خارجی تهدید اوکراینیزه شدن ایران را به ارمان می‌آورند که در آینده این تهدید می‌توانست مانع وقوع جنگ شود.»

تغییر رفتار بازیگران خرد و بازیگران کلان

این کارشناس روابط بین‌الملل تصریح کرد: «نوع رفتار بازیگران در فضای تقابلی شرق-غرب با دوران جنگ سرد به شدت متفاوت شده است. کشورها به شکل مطلق خودشان را ذیل شرق و غرب تعریف نمی‌کنند. ما شاهدیم که در سطح منطقه خودمان برخی دولت‌ها که متحدان استراتژیک و مهم آمریکا و غرب شناسایی می‌شوند، روابط نزدیک تجاری، سیاسی و حتی امنیتی با قدرت‌های شرقی، نظیر چین و روسیه دارند. به تعبیری در حال حاضر کشورها روابط خودشان را با بلوک‌های قدرت و هر بازیگر بین‌المللی دیگر مبتنی بر منافع ملی پی می‌گیرند و آنچه اهمیت دارد، منافع، فرصت‌ها و در نهایت تهدیدهایی است که در ساحت جهانی برای‌شان ایجاد می‌شود. عربستان نمونه بارز کشوری است که

ضمن ارتباط وثیق و عمیق با آمریکا روابط محکم و قابل اعتنایی با روس‌ها دارد، همچنین کشورهای گروه «آسه آن» که شامل مالزی، اندونزی، سنگاپور، تایلند، فیلیپین و برونئی دارالسلام است و متحدان آمریکا به شمار می‌آیند، روابط تجاری و سیاسی قابل اعتنایی با چین و روسیه برقرار کردند.»

بالانس رفتاری ایران

ودایع ضمن تأکید بر توجه تهران به حفظ توازن در سیاست خارجی و تکیه ایران بر دکترین بالانس گفت: «واقعیت این است که جمهوری اسلامی حُسن نیت خودش در قبال غرب را بر از داشته و حتی در مرحله برجام (با وجود همه انتقادها) در پی احقاق تعهدات خویش برآمد؛ اما برخلاف آنچه طرف مقابل مدعی است، این ایران نیست که رابطه متخاصمانه با غرب را بخواهد پی بگیرد، بلکه این تروئیکای اروپایی و آمریکا بود که بر مدار تخاصم و دشمنی رفتار کردند. در چنین وضعیتی، جمهوری اسلامی ایران به این جمع‌بندی رسید که تأمین منافع از سمت کشورهای شرقی ممکن است. چین و روسیه فارغ از هر نقدی عملاً رفقای روزهای سخت ایران بوده‌اند.» وی در ادامه افزود: «تهران نه مهره شرق است و نه اجازه مداخله غرب را می‌دهد. ایران یک قدرت سنتی در غرب آسیاست که تلاش می‌کند منافع ملی خود را در فضای به شدت آتارشیک غرب آسیا تأمین کند؛ البته ما در عرصه کلان روابط بین‌الملل شاهد تلاش برای تغییر وزن‌کشی‌ها هستیم، وضعیتی که دامنه و تبعات آن متأثر از تأثیر متقابل سیستمی گسل‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا هم قابل مشاهده است. در فضایی که ترسیم شد، ما نمی‌توانیم و نباید به تغییر وزن‌کشی‌ها بی‌تفاوت باشیم، بلکه با چندجانبه‌گرایی و حضور در ائتلاف سازمان همکاری‌های شانگهای و بریکس بازی متفاوت از گذشته را دنبال کنیم. البته توجه به دیپلماسی همسایگی و حوزه پیرامونی هم یک لازمه حیاتی برای تهران است که مورد غفلت قرار گرفته بود.»

نگاه فانتزی به سیاست خارجی

ودایع در نقد عملکردی ایران در حوزه سیاست خارجی گفت: «تهران از شراکت با شرق صرفاً نگاه پرستیژ

امروز باید با صدای بلند هشدار دهیم که بازی‌های سیاست داخلی روی میز سیاست خارجی می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی داشته باشد.

در تحولات سال ۲۰۱۴ اوکراین، این کشور ساحت نزاع و تقابل افراطیون شرق‌گرا و افراطیون غرب‌گرا بود. اوکراینی که بنا به جایگاه ژئوپلیتیکی مهمی که دارد و به منزله گسل انتقال انرژی شناسایی می‌شود، عملاً به زمین تقابل شرق و غرب تبدیل شد.

تهران نه مهره شرق است و نه اجازه مداخله غرب را می‌دهد. ایران یک قدرت سنتی در غرب آسیاست که تلاش می‌کند منافع ملی خود را در فضای به شدت آتارشیک غرب آسیا تأمین کند

در ایران شرق‌گرایی و غرب‌گرایی با یک فانتزیسم شدید و رادیکال همراه شده است که می‌تواند در بلندمدت امنیت ملی را برهم زده و بحران اوکراینیزه شده سیاست خارجی ایران را به ارمان بیاورد

سایه سنگین منفعت‌طلبی فردی روی ادبیات برخی افراد سنگینی می‌کند

صف آرای امروز در ایران تنها برجسب‌هایی برای بگو مگوهای سیاسی داخلی است که اتفاقاً چهره سیاست خارجی ایران را تخریب می‌کند. در میان تسویه حساب جناح‌های سیاسی، این پیام به غلط مخابره خواهد شد که هر توافقی با تهران شکننده است و ممکن است با تفاسیر جدید جناح‌های رقیب، زیر سؤال برود.

ضمن ارتباط وثیق و عمیق با آمریکا روابط محکم و قابل اعتنایی با روس‌ها دارد، همچنین کشورهای گروه «آسه آن» که شامل مالزی، اندونزی، سنگاپور، تایلند، فیلیپین و برونئی دارالسلام است و متحدان آمریکا به شمار می‌آیند، روابط تجاری و سیاسی قابل اعتنایی با چین و روسیه برقرار کردند.»

ودایع ضمن تأکید بر توجه تهران به حفظ توازن در سیاست خارجی و تکیه ایران بر دکترین بالانس گفت: «واقعیت این است که جمهوری اسلامی حُسن نیت خودش در قبال غرب را بر از داشته و حتی در مرحله برجام (با وجود همه انتقادها) در پی احقاق تعهدات خویش برآمد؛ اما برخلاف آنچه طرف مقابل مدعی است، این ایران نیست که رابطه متخاصمانه با غرب را بخواهد پی بگیرد، بلکه این تروئیکای اروپایی و آمریکا بود که بر مدار تخاصم و دشمنی رفتار کردند. در چنین وضعیتی، جمهوری اسلامی ایران به این جمع‌بندی رسید که تأمین منافع از سمت کشورهای شرقی ممکن است. چین و روسیه فارغ از هر نقدی عملاً رفقای روزهای سخت ایران بوده‌اند.» وی در ادامه افزود: «تهران نه مهره شرق است و نه اجازه مداخله غرب را می‌دهد. ایران یک قدرت سنتی در غرب آسیا تأمین کند؛ البته ما در عرصه کلان روابط بین‌الملل شاهد تلاش برای تغییر وزن‌کشی‌ها هستیم، وضعیتی که دامنه و تبعات آن متأثر از تأثیر متقابل سیستمی گسل‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا هم قابل مشاهده است. در فضایی که ترسیم شد، ما نمی‌توانیم و نباید به تغییر وزن‌کشی‌ها بی‌تفاوت باشیم، بلکه با چندجانبه‌گرایی و حضور در ائتلاف سازمان همکاری‌های شانگهای و بریکس بازی متفاوت از گذشته را دنبال کنیم. البته توجه به دیپلماسی همسایگی و حوزه پیرامونی هم یک لازمه حیاتی برای تهران است که مورد غفلت قرار گرفته بود.»

ودایع با انتقاد از جریان‌های سیاسی گفت: «در حال حاضر نزاع شرق‌گرایی و غرب‌گرایی در ایران عملاً سیاست خارجی ایران را میانه جنگ دیپلماتیک تحت‌الشعاع خود قرار داده است؛ این وضعیت فشار مضاعف بر ساختار کشور ایجاد خواهد کرد. مسئله اینجاست که سایه سنگین منفعت‌طلبی فردی روی ادبیات برخی افراد سنگینی می‌کند.»

داشته و نتوانسته ظرفیت‌های تأمین‌کننده منافع ملی را در تراکش با سازمان همکاری‌های شانگهای، بریکس یا حتی اوراسیا به نحو مطلوب تأمین کند. شاید وقت آن رسیده که ساختار دیپلماسی اقتصادی ایران به طور اساسی بازنگری شود.» وی در ادامه افزود: «ما شاهد آن هستیم که با وجود امکان افزایش تراکش با شرکای شرقی و مشخصاً با روسیه فاصله زیادی تا رسیدن به شراکت استراتژیک داریم. در حالی که امارات متحده عربی به تنهایی ۱۱/۵ میلیارد دلار و ترکیه ۷۶ میلیون دلار دادوستد با روس‌ها بر قرار کرده‌اند، ایران با تمام تلاش تنها توانسته است رقمی در حدود ۶/۴ میلیارد دلار رابطه مالی و تجاری با روس‌ها برقرار کند. این درحالی است که در فضای پساجنگ اوکراین و وضعیتی که در حوزه اروپای شرقی و قفقاز وجود دارد، ایران فرصت‌های بسیاری داشت که باید از آنها استفاده می‌کرد.»

روزنامه‌نگار مسائل بین‌الملل ادامه داد: «مع‌الاسف در ایران شرق‌گرایی و غرب‌گرایی با یک فانتزیسم شدید و رادیکال همراه شده است که می‌تواند در بلندمدت امنیت ملی را برهم زده و بحران اوکراینیزه شده سیاست خارجی ایران را به ارمان بیاورد. به هر میزان که قدرت گفتمان و ارتباط با کشورهای مختلف داشته باشیم، می‌توانیم اهداف و خواسته‌های مان را دنبال کرده و آنها را محقق کنیم.»

ودایع با انتقاد از جریان‌های سیاسی گفت: «در حال حاضر نزاع شرق‌گرایی و غرب‌گرایی در ایران عملاً سیاست خارجی ایران را میانه جنگ دیپلماتیک تحت‌الشعاع خود قرار داده است؛ این وضعیت فشار مضاعف بر ساختار کشور ایجاد خواهد کرد. مسئله اینجاست که سایه سنگین منفعت‌طلبی فردی روی ادبیات برخی افراد سنگینی می‌کند.»

وی با بیان اینکه چالش‌های تاریخی روی ذهنیت جوامع در سیاست خارجی تأثیر گذار است، گفت: «دکترین شرق و غرب اخیراً بازنویسی شده است، اما ادبیات و نوع مواجهه بازیگران سیاسی ایران در این مورد همچنان متعلق به دهه ۷۰-۸۰ میلادی و دوران جنگ سرد یا حتی قرون گذشته‌ها می‌گردد.»

این کارشناس روابط بین‌الملل در ادامه افزود: «روابط ایران با روسیه به شکل سنتی تحت‌الشعاع تقابل روسوفیل‌ها و آنگلوفین‌ها بوده است؛ اما این صف‌آرای امروز در ایران تنها برجسب‌هایی برای بگو مگوهای سیاسی داخلی است که اتفاقاً چهره سیاست خارجی ایران را تخریب می‌کند. در میان تسویه حساب جناح‌های سیاسی، این پیام به غلط مخابره خواهد شد که هر توافقی با تهران شکننده است و ممکن است با تغییر دولت یا تفاسیر جدید جناح‌های رقیب، زیر سؤال برود. از طرف دیگر ممکن است برای طرف تخاصم نوعی سیگنال ضعف قلمداد شود که این نیز تهدیدی علیه انسجام داخلی است. ایجاد تصور بی‌ثباتی در روایت‌های داخلی، می‌تواند بی‌اعتمادی خارجی را ایجاد کند؛ این در حالی است که دکترین سیاست خارجی باید متأثر از راهبردهای کلان حاکمیتی باشد.»
ودایع در نهایت با انتقاد از نگاه فانتزی برخی جریان‌ها به سیاست خارجی و اوکراینیزاسیون دیپلماسی ایرانی گفت: «مجادلات جناحی در حوزه دیپلماسی می‌تواند منجر به بی‌ثباتی دیپلماتیک ایران شود که اتفاقاً مورد توجه دشمنان کشور مان است. با وجود اینکه مسیرهای اصلی سیاست خارجی مورد توافق کلی است، اما اختلاف بر سر تاکتیک‌ها و نحوه تحقق اهداف، به از دست رفتن فرصت‌های حیاتی منجر می‌شود.»

یارگیری در نظام بین‌الملل!

هوشمند و درک‌پویایی‌های این یارگیری نوین، برای بقا و موفقیت تمام بازیگران، اعم از بزرگ و کوچک حیاتی است.

رقابت فعلی در یارگیری، چند پیامد عمده برای نظام بین‌الملل دارد:

الف-جهان در حال تقسیم به حوزه‌های نفوذ متداخل و گاه متعارض است. یک کشور ممکن است هم‌زمان عضو ائتلافی تحت رهبری آمریکا (مثلاً در حوزه امنیتی) و شریک اقتصادی بزرگ چین باشد (مانند بسیاری از کشورهای آسیایی). حضور بازیگرانی مانند ایران که محورهای مستقل قدرت ایجاد می‌کنند، این چندپارگی را تشدید می‌کند.

ب-تمرکز قدرت‌های بزرگ بر ائتلاف‌های خاص خود، نهادهای جهانی مانند سازمان ملل متحد را تضعیف می‌کند. هنگامی که آمریکا، چین و روسیه و بازیگرانی، مانند ایران هر یک به دنبال ایجاد نهادها و شبکه‌های موازی هستند، امکان

حکمرانی جمعی بر سر مسائل جهانی به شدت کاهش می‌یابد. در این راستا نقش سازمان ملل به شدت آتارشیک گونه است.

ج-رقابت بر سر یارگیری، صحنه را برای درگیری‌های نیابتی در مناطق گوناگون جهان، از جمله اوکراین، تایلوان و تقابلات غرب آسیا فراهم می‌کند. حضور ایران و متحدهانش در خاورمیانه، این منطقه را به یکی از کانون‌های اصلی این رقابت تبدیل کرده است. حمایت قدرت‌های بزرگ از طرف‌های مختلف یک مناقشه، می‌تواند آتش درگیری‌های محلی را به منازعات بین‌المللی گسترده‌تری تبدیل کند.

د-کشورهای کوچک و متوسط تحت فشار فزاینده‌ای برای انتخاب طرف قرار دارند. اگرچه برخی مانند هند با موفقیت از «عدم تعهد نوین» بهره می‌برند و از هر دو طرف امتیاز می‌گیرند، اما برای بسیاری دیگر، این موازنه‌گری روز به روز دشوارتر می‌شود. کشورهای خلیج فارس نمونه جالبی هستند که هم با آمریکا متحد امنیتی هستند و هم سعی در حفظ روابط اقتصادی با چین و حتی تنش‌زدایی با ایران دارند.



نماینده ولی فقیه در سپاه در دیدار خانواده شهدای اقتدار کرمانشاه و همدان

ثابت گردید نسل شهدا زنده است

علیرضا خوب بخت

خبرنگار



کرمانشاه و همدان دهمین و یازدهمین استان‌هایی هستند که نماینده ولی فقیه در سپاه در معیت «سرتیپ دوم پاسدار کیامرت منصور» مسئول ایثارگران سپاه پاسداران، با خانواده شهدای اقتدار مردمی و نیروهای مسلح دیدار می‌کند و ضمن ابلاغ سلام رهبر معظم انقلاب به خانواده معظم شهدا، از آنها تجلیل می‌کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی در جمع خانواده شهدای اقتدار استان کرمانشاه با اشاره به جایگاه ویژه خانواده‌های شهدا در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، گفت: «حضرت آقا همواره بیشترین علاقه را برای دیدار با خانواده‌های شهدا داشته‌اند؛ اما شرایط کشور اجازه برگزاری این دیدارها را نمی‌دهد. با این حال، سلام و احترام ویژه ایشان را به محضر شما خانواده‌های معظم شهدا ابلاغ می‌کنم. شما ولی نعمتان نظام و انقلاب هستید و بقای انقلاب مبرهن خون و استقامت شماست.»

نماینده ولی فقیه در سپاه ضمن قدردانی از ایستادگی مردم کرمانشاه خاطر نشان کرد: «مردم این استان چه در دوران دفاع مقدس، چه در مقابله با فتنه‌های پس از جنگ، و چه در نبرد اخیر جبهه مقاومت، همواره خوش درخشیده‌اند و دشمنان انقلاب را مأیوس کرده‌اند. شما ثابت کردید که نسل شهدا زنده است و شعار «از این عصبانیت بمیر» خطاب به استکبار، از دل همین مردم مؤمن و مقاوم بر می‌خیزد.»

او در ادامه گفت: «رهبر فرزانه انقلاب همواره تأکید دارند که خانواده شهدا بزرگ‌ترین اتفاق را در عالم انجام داده‌اند، زیرا عزیزترین سرمایه خود را در راه خدا تقدیم کردند. هیچ کس در تاریخ به اندازه خانواده شهدا از خودگذشتگی نکرده است.»

دکتر حاجی صادقی با تأکید بر اینکه صبر زینبی ادامه راه عاشوراست، افزود: «اگر صبر حضرت زینب(س) نبود، خون حسین(ع) در تاریخ ماندگار نمی‌شد. امروز نیز اگر صبر و استقامت شما نباشد، پرچم این انقلاب پابر جانمی ماند. خداوند به واسطه پایداری شما، عزت این ملت را حفظ کرده است.»

سپس نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران طی زمان بیش از سه ساعته به صورت جداگانه با ۶۵ خانواده شهید استان کرمانشاه دیدار و با اهدای لوح و هدایا از این عزیزان تجلیل کرد.

نماینده ولی فقیه در سپاه سپس به استان همدان سفر کرد و در جمع خانواده معظم شهدای اقتدار این استان طی سخنانی با بیان اینکه روز ولادت حضرت زینب کبری(س) تنها روز پرستار نیست، بلکه روز «اسوه مقاومت و الگوی صبر» است، گفت: «به نظر من ویژگی بزرگ حضرت زینب(س) پرستاری اش نبود، بلکه مقاومت و ایستادگی او بود. او کسی بود که در برابر تمام مصیبت‌ها و تلخی‌ها خم به ابرو

نیارود و پیام عاشورا را از بیابان کربلا به قلب شام و کوفه رساند.»

حجت‌الاسلام حاجی صادقی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به جایگاه والای خانواده‌های شهدا، گفت: «شهید از لحظه شهادت به اوج شادی می‌رسد، اما سختی و رنج واقعی از همان لحظه برای خانواده او آغاز می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَرِحْنَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، یعنی شهیدان در عالم برزخ شادمان هستند، ولی صبر و تحمل خانواده‌ها، همان جهاد ماندگاری است که راه شهید را ادامه می‌دهد.»

او خاطر نشان کرد: «صبر و مقاومت خانواده

شهدای استان کرمانشاه در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

سید آیین شکری فر، محمدرضا قارلقی، امیر رئیسی، احمد امانی، علی عسگری، محمد احمدی، سیدعلی موسوی، فرهاد قبادی، نعمت اله رضائی مرفه، احسان محمدی طه، رامین مهدی آبادی، میلاد کهرایان، احسان سلطانی، سعید عزیزی، حسین جلیلیان، شهاب کورکوهی، علیرضا قاسمی شاد، احسان پرویزی، محمدرضا مریمی، کاظم اسفندیاری، پوریا حاتمی، محسن پروین زاده، مهدی شریفی، سعید رنجبر نامیوند، مهدی نوذری، میلاد اعظمی، حمید امیریان، نیما ایزدی، ایوب کریمی، فرامرز حضرتی، پری احمدوش، یاسین مولایی

شهدای استان همدان در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

رونق، زکریا محمودی، علی سلطانی مرام، حبیب‌الله اکبریان، امیرحسین سیفی، علی مومینوند، عباس حیدری، داود محمدظاهری، عباس مرادی پور، علی ترکاشوند، امین کریمی، محمد برومندزاده، منصور سلطانی فر، حسن تکللو، هومن غیاثوند، امیر ترکاشوند و علی شادمانی.

فرشید کریمی، امیرمحمد زمانی، حسین ظفری، بهاره لطفی، رشیددینوری، محمد سهرابی، علی کاکاوندبومی، مرتضی طیب مسعود، آرمان درویشی، علی ترکاشوند مرادآبادی، محمد جلیلووند، محمد فقیری، حسین احمدی، علی هانفی فرد، عباس زارعی، محسن میرزائی رشید، محمد نوری نسب، یاسر زیوری

روزنه

جامعه نمونه از نظر نهج البلاغه - ۴

خدمت به خلق خدا

علی معبودی



مسئول نمایندگی ولی فقیه در سپاه سیدالشهدا استان تهران

یکی از نشانه‌های جامعه‌الگو در نگاه امیرالمؤمنین(ع) خدمت بی‌منت کارگزاران به بندگان خداوند است. حضرت علی(ع) در کلمات و به‌ویژه در نامه‌های نهج‌البلاغه تأکیدهای فراوان دارند، یک نمونه خطاب به «الشعث بن قیس» عامل آذربایجان در نامه‌ها می‌فرماید: «تو حق نداری نسبت به رعیت(مردم) استبداد ورزی.»

ایشان خطاب به عبدالله ابن عباس در نامه ۱۸ می‌فرمایند، بدان که بصره امروز جایگاه شیطان و کشتار فتنه‌هاست (چون اصحاب جمل در بصره آتش فتنه را شعله‌ور کرده بودند) با مردم آن به نیکی رفتار کن و گره وحشت را از دل‌های آنان بگشای.

و در نامه ۱۹ به استاندار فارس می‌نویسند: «همانا دهقانان مرکز حکومت تو از خشونت و قساوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کرده‌اند.» و در سفارش به فرماندار اصفهان «مخنف ابن سلیم» می‌فرماید: «سفارش می‌کنم با مردم تندخو نباشید و به آنها دروغ نگویید و با مردم به جهت اینکه بر آنها حکومت دارید بی‌اعتنایی نکنید. جز اینکه مردم برادران دینی و یاری‌دهندگان در استخراج حقوق الهی هستند.»

و خطاب به «محمد بن ابی‌بکر» والی مصر در نامه ۲۷ می‌گویید: «در نیم نگاه و خیره شدن به مردم به مساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند.» ایشان در برخورد قاطع با مسئول خیانتکار در نامه ۴۲ می‌نویسند: «از خدا بترس و اموال آنان را بازگردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم تو را کیفر خواهم کرد که نزد خدا عذر خواه من باشد و شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید و بالاخره وقتی خبر حضور در سفره رنگی عثمان بن حنیف در کنار سفره رنگی می‌رسد او را مورد عتاب و خطاب قرار می‌دهند.»

از مجموع چند فراز استفاده می‌شود که در جامعه علی(ع) کارگزاری که مستبد و خشن و تندخو و دروغگو و خائن و تحقیرکننده نسبت به مردم باشد، جایگاهی ندارد و در مقابل دولتمردانی که برخورد نیکو دارند و در پی گره‌گشایی از زندگی مردم هستند و مردم را بستر ساز اجرای احکام و دستورات الهی می‌دانند و دل‌شان با فقرا و مستمندان بوده و امانتدار خوبی در بیت‌المال هستند، همچنین با مردم صادق و فروتن هستند و به جای پرکردن کیسه خویش همه تلاش‌شان پر کردن ارزشمندند. بحمدالله این سیره امیرمؤمنان(ع) را در رفتار امام بزرگوار و رهبر عزیزمان شاهد هستیم. در واقع، تمام تلاش امامین انقلاب فرهنگ‌سازی جامعه مورد نظر علی(ع) و کارگزاران این کشور بوده و به حمدالله خیلی پیش رفتیم؛ اما در برخی از مدیران ولو اندک سیره امامین انقلاب جایی باز نکرده است، امیدوارم با همت همگانی مدیران نظام در تمام سطوح خود را در ابعاد گوناگون بر جامعه نمونه امیرمؤمنان(ع) نزدیک کنند. ان‌شاءالله...

عکس و مکث



چین در صدر ذخایر ارزی/ براساس برآوردها، ده بانک مرکزی برتر جهان در مجموع بیش از ۹/۴ تریلیون دلار ارز و طلا در اختیار دارند؛ رقمی که معادل ۶۰ درصد از کل ذخایر بانک‌های مرکزی جهان است. در این میان، چین با ۳/۴ تریلیون دلار همچنان در صدر قرار دارد.



توجیه‌تراشی به جای عذرخواهی/ ادعای عجیب روزنامه هم‌میهن برای عکس صفحه یک توهین‌آمیز: «چون نمی‌توانیم عکس بی‌حجاب بزنیم از این پوشش استفاده کردیم!» مدیران هم‌میهن کم‌حافظه‌اند، حداقل به آرشيو روزنامه نگاه می‌نمایند.



برای آزادی؟!/ روزی آمریکا «آلا صلاح» را بالای ماشین فرستاد تا با نمادسازی از او پروژه «آزادی زنان سودان» را پیش ببرد! اما امروز همان آلا صلاح در لابی‌های آمریکا زندگی می‌کند، در حالی که زنان سودان حالا کنار فرزندان‌شان بر بالای دار آویزان می‌شوند.



دیدار جولانی با رئیس فیفا! / معلوم است که در این دیدار جولانی به این فکر می‌کند کله «جیبانی اینفانتینو» باب فوتبال است. جولانی زمانی که عضو القاعده بود با سرهای بریده فوتبال بازی می‌کرد. فیلم‌هایش در اینترنت موجود است.



فرار جوانان اوکراینی/ پس از لغو ممنوعیت خروج مردان ۱۸ تا ۲۲ ساله از اوکراین از سوی دولت زلنسکی در ماه اوت، داده‌های مرزبانی لهستان نشان می‌دهد تنها در طول یک ماه بیش از ۵۶/۰۰۰ مرد در این گروه سنی از کشور خارج شده‌اند.



خیزش سراسری آمریکا علیه ترامپ/ بیش از ۲۵۰۰ نقطه برای اعتراض سراسری «نه به پادشاه» در ۵۰ ایالت آمریکا برنامه‌ریزی شده است که قرار است علیه سیاست‌های مهاجرتی، آموزشی و امنیتی ترامپ تظاهرات کنند. چندین فرماندار نیروهای گارد ملی را در حالت آماده‌باش قرار داده‌اند.

پیشخوان

ارباب و مقاومت در شیکاگو



هفته‌نامه «اکنومیست» در گزارشی از تشدید حملات نیروهای فدرال آمریکا علیه شهروندان نوشت: «مأموران فدرال دست‌کم شش بار طی یک هفته در شیکاگو به سمت جمعیت‌هایی گاز اشک‌آور پرتاب کرده‌اند که به آرامی در حال اعتراض بودند. فیلم‌های ضبط شده نشان می‌دهد، مأموران گشت مرزی نارنجک‌های گاز اشک‌آور را از داخل ماشین به سمت افراد پرتاب می‌کنند، زنی را به زمین می‌زنند و مردی ۶۷ ساله را از ماشین بیرون می‌کشند و به زمین می‌زنند و دنده‌هایش را می‌شکنند. بر اساس اسناد دادگاهی ارائه‌شده، یکی از مأموران تفنگش را به سمت یک معترض نشانه رفت و به او گفت «بنگ، بنگ» و «تو مُردی، لیبرال.»

این نشریه افزود: «اگر دلیلی فراتر از ارباب برای این نمایش قدرت وجود داشته باشد، این است که مأموران فدرال کارشان سخت‌تر شده است. مردم در چت‌های گروهی و ویدئوهای زنده فیس‌بوک، اطلاعاتی درباره زمان مشاهده مأموران فدرال به اشتراک می‌گذارند. وقتی این گزارش‌ها تأیید شود، ده‌ها نفر به محل مذکور می‌شتابند، سوت می‌زنند، هشدار فریاد می‌زنند و ترافیک ایجاد می‌کنند تا ماشین‌ها را کُند کنند. اهداف بالقوه (مهاجرانی که احتمال دستگیری‌شان می‌رود) را به داخل ساختمان‌ها هدایت می‌کنند، جایی که بدون حکم قضایی نمی‌توان آنها را دستگیر کرد.»

تبعیدگاهی برای بی‌خانمان‌ها



«نیویورک تایمز» نوشت: «برای نگاهی اجمالی به آینده سیاست‌های بی‌خانمانی در عصر ریاست‌جمهوری ترامپ، ۱۶ هکتار از مرع‌های خشک و کم‌درخت را در نظر بگیرید که ایالت یوتا قصد دارد تا ۱۳۰۰ بی‌خانمان را در آنچه «پر دس خدمات» می‌نامد و منتقدان «اردوگاه بازداشت» می‌دانند، اسکان دهد. مقامات قول اقدامات سختگیرانه‌ای برای انتقال بی‌خانمان‌ها به این مکان دورافتاده و اجبار بسیاری از آنها به درمان می‌دهند؛ این رویکرد بازتاب‌دهنده فشار سراسری برخی محافظه‌کاران برای رویکرد جدیدی به بی‌خانمانی است.» به نوشته این روزنامه، با ممنوعیت خوابیدن در فضاسای باز، انتقال به حاشیه شهر ممکن است تنها راه برخی بی‌خانمان‌های یوتایی برای اجتناب از زندان باشد. اگر چه تلاش یوتا پیش از بازگشت آقای ترامپ به دفتر ریاست‌جمهوری آغاز شده بود، با تعهد او برای انتقال بی‌خانمان‌ها از مراکز شهری به «شهرهای چادری» با خدمات همخوانی دارد. نیویورک تایمز نوشت: «منتقدان طرح جدید می‌گویند که محدود کردن افراد به سائیتی در حومه شهر، حقوق مدنی را تهدید می‌کند و هشدار می‌دهند که خدمات وعده داده شده ممکن است هرگز محقق نشود. فشار ملی برای اقدامات سختگیرانه، پس از ده سالی که در آن بی‌خانمانی بدون سرپناه طبق داده‌های فدرال نزدیک به ۶۰ درصد افزایش یافت، به وجود آمده است، نتیجه عواملی از جمله افزایش اجاره‌بها و بیماری‌های روانی و سوء‌مصرف مواد در مان نشده است.»

دکتر ثمانه اکوان، در گفت‌وگو با صبح صادق

فشار حداکثری نتیجه معکوس داد

زهر اتوکیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

رقابت بر سر قلب تپنده اقتصاد جهان بار دیگر واشنگتن را به سوی شرق و جنوب شرق آسیا کشانده است. سفر پنج روزه دونالد ترامپ به این منطقه، فراتر از یک تور دیپلماتیک مرسوم، به صحنه‌ای برای نمایش یک استراتژی نوین و جسورانه تبدیل شده است. «دکتر ثمانه اکوان» کارشناس مسائل بین‌الملل، در تحلیل این سفر می‌گوید: «پس از نزدیک به یک سال از آغاز دور جدید ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، به نظر می‌رسد محور اصلی راهبرد دولت او در عرصه جهانی، از «جنگ تعرفه‌ای» به «دستیابی به منابع پایدار توسعه مواد اولیه استراتژیک» تغییر یافته است. سفر اخیر به شرق آسیا در همین چارچوب جدید قابل تحلیل است.»

وی افزود: «اگرچه در ماه‌های نخست، سیاست خارجی آمریکا بر اعمال تعرفه‌های گسترده بر کالاهای جهانی متمرکز بود، اما به نظر می‌رسد واشنگتن در رقابت با چین بر سر «منابع کمیاب» مورد نیاز برای فناوری‌های پیشرفته به بن‌بست رسیده است. انحصار دسترسی برتر پکن به این منابع، مزیت رقابتی تعیین‌کننده‌ای به این کشور بخشیده که تا دوام آن،

تهدیدی جدی برای منافع اقتصادی و امنیت فناورانه آمریکا به‌شمار می‌آید.»

به گفته این کارشناس مسائل بین‌الملل، هدف اصلی این سفر چند ملیتی، مقابله با نفوذ فزاینده چین بود که در قالب یک راهبرد چندمحوری دنبال شد. محور اول، «جداسازی متحدان منطقه‌ای از مدار نفوذ پکن» است. ترامپ با سفر به کشورهای، مانند ژاپن و مالزی و شرکت در اجلاس آسه‌آن، کوشید تا از طریق انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری و اقتصادی دوجانبه، یک جبهه متحد منطقه تحت رهبری آمریکا در مقابل چین تشکیل دهد. این اقدام نشان می‌دهد اگرچه واشنگتن به رویه یک‌جانبه‌گرایی در اقتصاد پایبند است، اما برای پیشبرد منافع خود، از مکانیسم‌های چندجانبه و نهادهای بین‌المللی، مانند APEC نیز بهره می‌برد.

وی افزود: «محور نهایی و احتمالاً دستاورد عینی این سفر، توافق با رهبر چین بود که نشان از «تغییر تاکتیک» واشنگتن دارد. به نظر می‌رسد ترامپ دریافت که فشار حداکثری بر پکن نتیجه معکوس داشته و با محدودیت صادرات «مواد کمیاب» از سوی چین، خود آمریکا در معرض آسیب در حوزه فناوری‌های نوین قرار گرفته است. بنابراین، توافق بر سر تعرفه‌ها، میزان سرمایه‌گذاری‌های چین در آمریکا و افزایش

افراسو

شکست مطلق

اعتراف یک نشریه آمریکایی به ناکامی تل آویو

حاشیه خلیج فارس همسوی بود تا با ترجیحات اسرائیل.»

رسانه آمریکایی با اشاره به تحقق نیافتن اهداف راهبردی رژیم صهیونیستی در منطقه نوشت: «پس از حمله به دوحه و تهدیدهای اسرائیل برای اخراج میلیون‌ها فلسطینی، اکنون اسرائیل یک تهدید برای رژیم‌های عربی به نظر می‌رسد. اسرائیل حتی با وجود تمام حملات غافلگیرانه جسورانه و برتری هوایی آتشکار آن نشان نداده است که می‌تواند به هیچ یک از اهداف راهبردی خود دست یابد.»

فارن افروز خاطر نشان کرد: «حماس همچنان در غزه نیروی قدرتمندی باقی مانده است، حزب‌الله از خلع سلاح خودداری می‌کند و کارزار حملات ۱۲ روزه علیه ایران توانست به برنامه هسته‌ای آن پایان دهد یا موجب بروز شورش در این کشور شود. اسرائیل تنها با تأمین مجدد تسلیحات از سوی آمریکا توانست جنگ خود در غزه را ادامه دهد. بدون یک چک سفید از ایالات متحده، برتری اسرائیل می‌تواند بسیار سریع‌تر از آنچه هر کسی انتظار دارد، ناپدید شود. اسرائیل ممکن است خود را هژمون جدید منطقه بداند اما باعث کاهش ضرورت و سودمندی نقش خود شده است.»

خرید محصولات کشاورزی از سوی پکن، در واقع بهایی بوده که واشنگتن برای گشایش نسبی در دسترسی به این منابع استراتژیک پرداخت. این توافق نشان می‌دهد امنیت زنجیره تأمین منابع، برای واشنگتن در اولویت بالاتری از جنگ تجاری قرار گرفته است.»

اکوان با بیان اینکه در کانون تحلیل‌ها پیرامون سفر دونالد ترامپ به مالزی، یک تناقض راهبردی چشمگیر قرار داشت و آن هم اینکه «مواجهه حامی اصلی رژیم صهیونیستی با کشوری که از مواضع ضدصهیونیستی مستحکمی برخوردار است»، اذعان کرد: «ترامپ در این سفر کوشید تا موضع خود در قبال جنگ غزه را توجیه کرده و مدعی شود که هرگونه آتش‌بسی که ممکن است حاصل شود، مرهون تلاش‌های شخص اوست. به نظر می‌رسد هدف او از این اقدام، تأثیرگذاری بر افکار عمومی مالزی و کوشش برای سفیدشویی اقدامات رژیم صهیونیستی بود؛ اقدامی که با توجه به بروز اعتراضات مردمی در کوالالامپور، به نتایج مطلوب مدنظر ترامپ و متحدانش منجر نشد.»

وی درباره اتحاد راهبردی در شرق آسیا علیه چین افزود: «سفرهای ترامپ به ژاپن و کره جنوبی را باید در چارچوب یک محور راهبردی واحد تفسیر کرد: تجدید و تقویت اتحادهایی با هدف مهار نفوذ فزاینده اقتصادی و سیاسی چین. در این میان، ژاپن به عنوان

روزنامه «الشرق‌الاسبط» در گزارشی نوشت، سفر «مورگان اورنگاس» فرستاده آمریکایی، به بیروت حامل پیامی فراتر از گفت‌وگوهای سیاسی و امنیتی معمول بود. منابع لبنانی آگاه از دیدارهای اورنگاس در پایتخت لبنان اظهار داشتند که آمریکا در حال بررسی توانایی دولت لبنان برای جایگزینی نهادهای اجتماعی و خدماتی وابسته به حزب‌الله در جنوب کشور است. این منابع گفتند: «واشنگتن هم‌زمان چندین مسیر را دنبال می‌کند؛ از جمله اجرای اصل «انحصار سلاح در دست دولت»، تقویت ثبات در مناطق مرزی، حمایت از ارتش لبنان، میانجی‌گری میان لبنان و رژیم صهیونیستی و در عین حال اعمال فشار برای جلوگیری از تأمین مالی حزب‌الله از طریق تحریم مؤسسه مالی «القرض الحسن». هدف از این اقدامات، تقویت نهادهای رسمی لبنان به‌عنوان جایگزینی مؤثر برای ساختارهای خدماتی حزب‌الله عنوان شده است.» منابع مذکور تأکید کردند: «فرستاده آمریکا در دیدارهای خود پیام‌های روشنی درباره وضعیت جنوب لبنان و نقش فزاینده حزب‌الله در پر کردن خلأهای اجتماعی و اداری این منطقه ارائه کرده است. این پیام‌ها ناظر بر ضعف ساختارهای دولتی در جنوب است؛ وضعی که به گفته این منابع، حزب‌الله از آن



کلیدی‌ترین متحد آمریکا در منطقه عمل می‌کند. گزارش‌ها حاکی از آن است که توکیو، مشابه کانبرا، در پی دستیابی به فناوری‌های پیشرفته نظامی، انعقاد قرارداد برای خرید زیردریایی‌های هسته‌ای به منظور مقابله با گسترش نفوذ چین و آمادگی در برابر تحولات احتمالی پیرامون تایوان است. اگرچه جزئیات دقیقی از توافقات نظامی جدید در این سفر افشا نشد، جهت‌گیری کلی مذاکرات بر تقویت تنوان دفاعی متحدان منطقه‌ای آمریکا متمرکز بود.»

اکوان در خصوص شکست راهبرد تعرفه‌ای و بازگشت به مذاکره خاطر نشان کرد: «این سفر هم‌زمان نشان داد که راهبرد تهاجمی تعرفه‌ای ترامپ در قبال چین با بازنگری مواجه شده است. به نظر می‌رسد واشنگتن از موضع اجبار محض فاصله گرفته و به سمت گفت‌وگو و احتمالاً اعطای امتیازات تجاری حرکت کرده است. این تغییر تاکتیک، هم‌زمان با تشدید مخالفت‌های داخلی در خود آمریکا علیه همان سیاست‌ها بود، به طوری که سنای این کشور برای سومین بار در جهت تصویب لویایحی نمادین برای لغو تعرفه‌های یک‌جانبه ترامپ علیه نزدیک به ۱۰۰ کشور جهان اقدام کرد. اگرچه این لویایح به دلیل حق وتوی رئیس‌جمهور به نتیجه نمی‌رسد، نشان‌دهنده انتقادات گسترده از این سیاست‌هاست.»

پنجره

جایگزین حزب‌الله!

اقدام مداخله‌جویانه واشنگتن در جنوب لبنان

برای گسترش نفوذ مدنی خود بهره برده است.» به باور این منابع، «علاقه‌مندی مجدد آمریکا به جنوب لبنان پدیده تازه‌ای نیست، اما در ماه‌های اخیر با افزایش تنش‌های مرزی و ناتوانی نهادهای لبنانی در پاسخ به پیامدهای معیشتی و اجتماعی آن، اهمیت بیشتری یافته است. واشنگتن اکنون جنوب لبنان را «آزمونی واقعی برای سنجش توان دولت در بازسازی حضور خود» توصیف می‌کند؛ حضوری که تا حد زیادی جایگزین آن از سوی نهادهای وابسته به حزب‌الله شده است.» منابع محلی در جنوب لبنان می‌گویند فریادها و اعتراضات مردمی در حالی که مؤسسه‌های حزب‌الله از جمله شبکه‌های درمانی، آموزشی، اسنادی و تأمین مواد غذایی به‌فعلیت خود ادامه دادند. این مؤسسات اکنون بخش بزرگی از نیازهای روزمره هزاران خانواده را تأمین می‌کنند و در عمل به‌عنوان جایگزین نهادهای رسمی دولت عمل کرده‌اند. منابع آگاه به مذاکرات بیروت تأکید کردند: «اورنگاس به صراحت اعلام کرده است، هیچ گفت‌وگویی درباره بازسازی یا کمک بین‌المللی بدون تحقق حاکمیت کامل دولت لبنان بر جنوب و ایجاد نهادهای رسمی فعال و شفاف صورت نخواهد گرفت.»

به دنبال توافق

«رابرت مالی» نماینده ویژه پیشین آمریکا در امور ایران در خصوص احتمال مشارکت مجدد آمریکا در حمله به ایران، گفت: «بستگی به چیزی دارد که در سر ترامپ می‌گذرد. به نظر می‌آید که او مصمم است به توافقی با ایران دست یابد. او هر روز می‌گوید که این توافق در دسترس است و اصرار دارد که تهران از طرح او برای غزه حمایت کرده است.» وی با ادعای آمادگی دولت ترامپ برای فشار آوردن به نتانیاهو گفت: «بمباران‌های اسرائیل علیه حماس در قطر، کشورهای خلیج (فارس) را به وحشت انداخت که به رئیس‌جمهور ترامپ فشار آوردند و خود ترامپ هم نگران زیاده‌روی اسرائیل بود.»



چرخه بی‌فایده

«تولسی گابارد» مدیر اطلاعات ملی ایالات متحده آمریکا، گفت: «سیاست خارجی ما برای دهه‌ها در یک چرخه بی‌پایان و بی‌فایده تغییر رژیم یا ملت‌سازی گرفتار شده است. این یک رویکرد یکسان برای همه بود، سرنگونی رژیم‌ها، تلاش برای تحمیل سیستم حکومتی ما به دیگران، مداخله درگیری‌هایی که به سختی درک می‌شدند و در نهایت، ترک میدان با دشمنان بیشتری نسبت به متحدان.» وی با بیان اینکه این طرز فکر مدت زیادی است که ما را عقب نگه داشته، اذعان کرد: «نتایج آن، صرف تریلیون‌ها دلار، از دست رفتن بی‌شمار جان انسان‌ها، و در بسیاری از موارد، ایجاد تهدیدهای امنیتی بزرگ‌تر است.»



امنیت در عصر اضطراب



نویید کمالی

دبیر گروه راهبرد

در سپیده دم دورانی که پیشرفت‌های شگرف فناوریانه اعم از اینترنت ماهواره‌ای، محاسبات کوانتومی، رباتیک و هوش مصنوعی، وعده تحقق دهکده‌ای جهانی با رفاهی فراگیر را به ملت‌های جهان می‌داد، انتظار می‌رفت که بشریت در مسیر آرامش و تعالی روانی گام بردارد و به تبع آن جهان در مسیر صلح و ثبات قرار گیرد. با این حال، گزارش تکان‌دهنده مؤسسه «گالوپ» با عنوان «وضعیت سلامت عاطفی جهان ۲۰۲۵»، که عصاره بیش از ۱۴۵ هزار مصاحبه در ۱۴۴ کشور است، از واقعیتی تلخ و متناقض برده برمی‌دارد. جهان امروز ما نه تنها به ساحل آرامش نرسیده، بلکه در گرداب دهه‌ای از پریشانی و اضطراب گرفتار آمده است و نمود این پریشانی را می‌توان در تشدید تنش‌های اجتماعی، سیاسی و حتی فرهنگی در گوشه و کنار جهان مشاهده کرد. آمارهای ارائه شده در این گزارش، زنگ خطری جهانی را به صدا درآورده است، چرا که بر اساس این پژوهش ۳۹ درصد بزرگسالان جهان از نگرانی مداوم، ۳۷ درصد از استرس و ۲۲ درصد از خشم، رنج می‌برند؛ ارقامی که همگی در مقایسه با یک دهه قبل، جهشی معنادار داشته‌اند و صدها میلیون انسان را به این دایره پریشانی افزوده‌اند. این فرسایش فزاینده سلامت عاطفی، یک مسئله حاشیه‌ای در حوزه بهداشت عمومی یا دغدغه‌ای صرفاً فردی نیست، بلکه پدیده‌ای راهبردی با ابعاد عمیق امنیتی، اجتماعی و توسعه‌ای است. جامعه‌ای که سرمایه عاطفی آن (که شالوده اصلی اما نامرئی پیشرفت آن جامعه است) در حال زوال باشد، هرگز به توسعه پایدار و اقتدار ملی دست نخواهد یافت؛ زیرا فرسودگی روانی، خلاقیت را خشکانده، بهره‌وری را کاهش داده، اعتماد را بین اعضای جامعه نابود کرده و انسجام و اتحاد را مضمحل می‌کند و در نهایت، موجب مسدود شدن فرایند رشد و تعالی جامعه می‌شود. از این رو، این پرسش محوری و حیاتی پیش روی ما قرار می‌گیرد که چگونه می‌توان این بحران جهانی را از منظر منافع ملی کشورمان تحلیل کرد و چه راهبردهای یکپارچه و هوشمندانه‌ای برای صیانت و تقویت این سرمایه استراتژیک باید در دستور کار قرار گیرد تا آسیبی از جانب آن متوجه ملت و کشورمان نشود؟

پیوند صلح، سلامت و احساسات

بررسی گزارش گالوپ، فراتر از نمایش آمار و ارقام، یک حقیقت ساختاری و بنیادین را آشکار می‌کند و آن، اینکه سلامت عاطفی، صلح پایدار و ثبات اجتماعی، اضلاع یک مثلث جدایی‌ناپذیرند. این گزارش برای نخستین بار، با جسارت تحلیلی، داده‌های هیجانی را در کنار شاخص‌های معتبر امنیتی و حکمرانی، چون «شاخص صلح جهانی» (GPI) و «شاخص صلح مثبت» (PPI) قرار داده و یافته‌هایش نشان می‌دهد، جوامعی که درگیر منازعات داخلی یا خارجی، بی‌ثباتی سیاسی، فساد سیستمی و نهادهای ضعیف و ناکارآمد هستند، به مراتب سطوح بالاتری از خشم، اندوه، نگرانی و دردهای جسمانی را تجربه می‌کنند. نکته کلیدی و هشداردهنده آن است که این همبستگی قدرتمند، حتی پس از کنترل متغیرهایی، مانند درآمد سرانه (GDP) نیز معنادار باقی می‌ماند. این یافته، چارچوب مسلط و ساده‌انگارانه‌ای را که رفاه اقتصادی را به تنهایی ضامن آرامش روانی می‌داند، به طور جدی به چالش می‌کشد؛ این کوربینی چارچوبی تنها بر شاخص‌های کمی و مادی تمرکز دارد و از درک کیفیت زندگی و تجربه زیسته شهروندان عاجز است؛ اما در حقیقت عناصری چون «احساس عدالت»، «امنیت روانی»، «حکمرانی پاسخگو»، «کرامت انسانی» و «انسجام اجتماعی»، زیربنای سلامت عاطفی یک ملت را تشکیل می‌دهند. بنابراین، پریشانی عاطفی گسترده در یک جامعه، نه یک پدیده تصادفی یا مجموعه‌ای از مشکلات فردی، بلکه بازتابی دقیق از ترک‌ها، شکاف‌ها و کژکارکردهای ساختاری در بنیان‌های آن جامعه است که نیازمند اصلاح روندها و سیاست‌ها در سطح خرد و کلان جامعه است.

شاخص‌های پیش‌نگر بحران

از منظر مطالعات راهبردی و امنیت ملی، شاید مهم‌ترین دستاورد این گزارش، معرفی نبض عاطفی یک جامعه به‌مثابه یک «سیستم هشدار سریع» و «شاخص پیش‌نگر» برای ارزیابی ثبات و پیش‌بینی بحران‌های آتی باشد. افزایش میزان خودکشی، رشد فرقه‌ها و عرفان‌های کاذب که با وعده‌های پوچ، به

دنبال التیام زخم‌های روانی جامعه هستند، تشدید درگیری‌های قومی، سیاسی و اجتماعی و تضعیف اراده ملی برای مقابله با تهدیدهای خارجی، همگی از عوارض انباشت هیجانات منفی مدیریت‌نشده در سطح کلان هستند. به بیان دیگر، امنیت پایدار تنها در سایه ثبات سخت‌افزاری نظامی و اقتصادی محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند ارتقای تاب‌آوری

دیگران

نبض ناآرام جهان!



«صبح صادق» این یادداشت را صرفاً به‌منظور

اطلاع مخاطبان منتشر می‌کند؛ بر اساس

پژوهشی که در سال جاری و در ۱۴۴ کشور

جهان صورت گرفته است، برای نخستین بار

ارتباط عمیق و انکارناپذیر میان عواطف انسانی،

صلح و سلامت بررسی شده است. این تحلیل که

با همکاری اجلاس جهانی بهداشت منتشر شده،

نشان می‌دهد جهان بر لبه یک پرنگاه عاطفی قرار

دارد. داده‌ها حاکی از آن است که در سال ۲۰۲۴،

۳۹ درصد از بزرگسالان در سراسر جهان بخش

قابل توجهی از روز گذشته خود را با نگرانی

سپری کرده‌اند و بیش از یک سوم آنها احساس

استرس شدید داشته‌اند. این آمارها در مقایسه با

یک دهه قبل، به معنای آن است که اکنون صدها

میلیون نفر بیشتر با این احساسات منفی دست و

پنجه نرم می‌کنند. این افزایش در عواطف منفی،

مانند نگرانی، استرس، غم و خشم، تنها یک

مسئله فردی نیست، بلکه بازتابی از بی‌ثباتی‌های

اجتماعی و سیاسی در سطح کلان است.

از سوی دیگر، تجربیات عاطفی مثبت،

پایداری و تاب‌آوری بیشتری از خود نشان

داده‌اند. برای نمونه، احساس «مسرد احترام

قرار گرفتن» با ۸۸ درصد به یکی از بالاترین

سطوح ثبت‌شده رسیده و شاخص‌هایی مانند

خندیدن و لذت بردن در میانگین بلندمدت

خود ثابت مانده‌اند. این پایداری نشان می‌دهد

عواطف مثبت ریشه‌های عمیق‌تری دارند و به

افراد در ساختن منابعی پایدار، مانند راهبردهای

مقابله‌ای و روابط اجتماعی کمک می‌کنند که

حتی در بحران‌ها نیز به سادگی از بین نمی‌روند.

با این حال، این تجربیات مثبت در میان همگان

یکسان نیست. زنان در سطح جهانی غم، نگرانی

و درد فیزیکی بیشتری را گزارش می‌دهند، در

حالی که خشم در میان جوانان و استرس در میان

بزرگسالان میانسال شایع‌تر است.

محور اصلی این پژوهش، آشکار کردن

پیوند تنگاتنگ میان سلامت عاطفی و صلح

است. با مقایسه داده‌های عاطفی با «شاخص

جهانی صلح» که نبود خشونت را می‌سنجد و

«شاخص صلح مثبت» که نهادهای و ساختارهای

حافظ ثبات را ارزیابی می‌کند، مشخص شد

که احساسات منفی نشانگرهای روشنی از

صلح شکننده هستند. غم، نگرانی و خشم به

طور قابل توجهی در کشورهایی با سطح صلح

پایین‌تر شایع‌ترند و این ارتباط حتی پس از در نظر

گرفتن ثروت ملی (تولید ناخالص داخلی) نیز به

قوت خود باقی می‌ماند. این به معنای آن است

که پریشانی عاطفی فراتر از وضعیت اقتصادی،

مستقیماً با فقدان امنیت و ثبات گره خورده است.

در مقابل، ارتباط میان صلح و عواطف مثبت

ضعیف‌تر است و اغلب تحت تأثیر وضعیت

اقتصادی قرار می‌گیرد. در نهایت، این یافته‌ها

سه نیاز اساسی را برای سیاست‌گذاران و رهبران

برجسته می‌کند.

نخست، باید به عواطف به‌منزله شاخص‌های

پیشرو نگریست؛ خشم و غم گسترده می‌تواند

هشدار اولیه برای صلح شکننده و افزایش

خطرات سلامتی باشد.

دوم، راهبردهای صلح و سلامت باید به

صورت یکپارچه تدوین شوند، زیرا تقویت

حکمرانی خوب، کاهش درگیری‌ها و

سرمایه‌گذاری در نظام‌های بهداشتی لازم و

ملزوم یکدیگرند.

سوم، باید پذیرفت که عواطف

زیرساخت‌های نامرئی جامعه هستند؛ آنها

احساساتی انتزاعی نیستند، بلکه شاخص‌هایی

زنده از سلامت اجتماعی‌اند و نادیده گرفتن

عواطف، به منزله نادیده گرفتن بنیان‌های صلح

و سلامت جامعه است.

*مؤسسه افکارسنجی گالوپ (Gallup)

بر اساس پژوهش «مؤسسه گالوپ» ۳۹ درصد بزرگسالان جهان از نگرانی مداوم، ۳۷ درصد

از استرس و ۲۲ درصد از خشم رنج می‌برند؛ ارقامی که همگی نسبت به یک دهه قبل، جهشی

معنادار داشته‌اند و صدها میلیون انسان جدید را به این دایره پریشانی افزوده‌اند.

پریشانی عاطفی گسترده در یک جامعه، نه یک پدیده تصادفی یا مجموعه‌ای از مشکلات

فردی، بلکه بازتابی دقیق از ترک‌ها، شکاف‌ها و کژکارکردهای ساختاری در بنیان‌های آن جامعه

است که نیازمند اصلاح روندها و سیاست‌ها در سطح خرد و کلان جامعه است.

معرفی نبض عاطفی یک جامعه به‌مثابه یک «سیستم هشدار سریع» و «شاخص پیش‌نگر»

برای ارزیابی ثبات و پیش‌بینی بحران‌های عمل می‌کند

دفاع از سلامت روانی و عاطفی جامعه، دیگر یک سیاست داخلی صرف نیست، بلکه یک

راهبرد پدافندی حیاتی و یک مسئله حاکمیتی برای حفاظت از «حاکمیت عاطفی» کشورمان در برابر

تهدیدهای نوین بین‌المللی است.

همان‌طور که شاخص‌های اقتصادی، مانند میزان تورم و بیکاری به‌دقت و به صورت ماهانه

رصد می‌شوند، ضروری است که با طراحی و استقرار یک نظام ملی پایش سلامت روانی و سرمایه

اجتماعی، وضعیت عاطفی جامعه به‌طور منظم و علمی سنجیده شود.

روانی-اجتماعی است؛ چرا که این مهم مانند یک سپر دفاعی شکل گرفته از سرمایه عاطفی و معنوی مردم، در بزنگاه‌های تاریخی، سرنوشت ملت‌ها را رقم می‌زند.

ژئوپلیتیک عواطف انسانی

با توجه به گزارش گالوپ، بحران جهانی سلامت

عاطفی، تأثیری یکسان و متقارن بر همه کشورهای

ندارد. این گزارش به وضوح نشان می‌دهد کشورهای

شکننده، در حال توسعه و آنهایی که تحت فشارهای

خارجی قرار دارند، بیشترین بار این پریشانی را

به دوش می‌کشند. این مسئله، بعد جدیدی از

رقابت‌های راهبردی را به تصویر می‌کشد که می‌توان

آن را «ژئوپلیتیک عواطف» نامید. در دنیای امروز،

ابزارهای جنگ شناختی و ترکیبی، بیش از هر زمان

دیگری، «روحیه ملی»، «سرمایه روانی» و «امید

جمعی» ملت‌ها را هدف قرار می‌دهند. در چنین

عملیات‌های پیچیده‌ای، انتشار هدفمند اخبار جعلی،

ایجاد تردید در دستاوردها، القای حس بن‌بست و

ناامیدی، همگی با هدف فرسایش سلامت عاطفی

جامعه و تضعیف اراده آن برای مقاومت، سازندگی

و پیشرفت طراحی می‌شوند. از این منظر، جامعه‌ای

که از بنیان‌های عاطفی و روانی مستحکمی برخوردار

نباشد، در برابر این تهدیدهای نامتقارن به شدت

آسیب‌پذیر خواهد بود. بنابراین، دفاع از سلامت روانی

و عاطفی جامعه، دیگر یک سیاست داخلی صرف

نیست، بلکه یک راهبرد پدافندی حیاتی و مسئله‌ای

حاکمیتی برای حفاظت از «حاکمیت عاطفی»

کشورمان در برابر تهدیدهای نوین بین‌المللی است.

غفلت از این حوزه، به معنای باز گذاشتن دروازه‌های

روانی کشور به روی دشمنان است.

راهبرد صیانت از سرمایه عاطفی ملت

نادیده گرفتن سرمایه گرانبهای سلامت عاطفی

کشورمان، به معنای نادیده گرفتن شالوده ثبات و

پیشرفت است. در این راستا، یک راهبرد ملی جامع

باید بر سه محور اساسی استوار شود.

نخست، «خانواده‌محوری در سیاست‌گذاری

سلامت عاطفی» است. خانواده نه یک نهاد

سنتی، بلکه اصلی‌ترین و کارآمدترین کانون تولید،

بازتولید و ترمیم سرمایه عاطفی یک جامعه است.

سیاست‌هایی که به تقویت کارکردهای اصیل

خانواده، تسهیل امر ازدواج، حمایت همه‌جانبه

از فرزندآوری، آموزش مهارت‌های ارتباطی و

والدگری، و تحکیم روابط بین‌نسلی منجر شوند، در

حقیقت سرمایه‌گذاری مستقیم و پربازده در امنیت

روانی و اجتماعی نسل‌های آینده کشور هستند. هر

سیاست یا رویکرد فرهنگی که خواسته یا ناخواسته

به تضعیف نهاد خانواده بینجامد، به منزله تخریب

مهم‌ترین سنگر دفاعی جامعه در برابر امواج

سهمگین بحران‌های روانی است.

محور دوم، «یکپارچه‌سازی سیاست‌ها با پیوست

سلامت روانی» است. سیاست‌گذاری در کشور

نباید به صورت جزیره‌ای و در سیلوهای مجزای

بخشی‌نگر انجام شود. ضروری است که هر تصمیم

کلان اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای یا اجتماعی، یک

پیوست ارزیابی تأثیر بر سلامت روان داشته باشد.

سیاست‌های اقتصادی باید ضمن مهار تورم و رشد

تولید، به کاهش نگرانی‌های معیشتی و افزایش

امید اقتصادی مردم بینجامد. سیاست‌های فرهنگی

و رسانه‌ای باید از پمپاژ اضطراب و ناامیدی پرهیز

کرده و با ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی، امید،

همبستگی، معنویت و معنادرادار جامعه تقویت کنند.

سومین محور، «توسعه شاخص‌های بومی برای

پایش مستمر سرمایه عاطفی» است. همان‌طور که

شاخص‌های اقتصادی، مانند میزان تورم و بیکاری

به‌دقت و به صورت ماهانه رصد می‌شوند، ضروری

است که با طراحی و استقرار یک نظام ملی پایش

سلامت روانی و سرمایه اجتماعی، وضعیت عاطفی

جامعه به‌طور منظم و علمی سنجیده شود. این

نظام باید مبتنی بر شاخص‌های بومی و متناسب با

فرهنگ غنی کشورمان باشد و عناصری، چون «امید

به آینده»، «رضایت از زندگی»، «سرمایه اجتماعی»

و «سطح معنویت» را در کنار شاخص‌های جهانی

ارزیابی کند تا سیاست‌گذاری‌ها مبتنی بر شواهد

دقیق و ناظر به واقعیت‌های عینی جامعه باشد.

با عنایت به آنچه بیان شد، در جهانی که با امواج

فزاینده پریشانی و بی‌ثباتی روبه‌روست، تاب‌آورترین

ملت‌ها، آنهایی نخواهند بود که صرفاً از قدرت

نظامی یا اقتصادی برتر برخوردارند، بلکه جوامعی

هستند که پویا و پایدارترین ذخایر سرمایه عاطفی،

روانی و معنوی را در اختیار دارند.

اندیشکده

تغییر مرزهای نبرد!



فریدون حیدری حویق

کارشناس سیاسی

در دکترین‌های نوین امنیتی، خطوط مقدم

نبرد از مرزهای جغرافیایی به اعماق ذهن و

قلب ملت‌ها منتقل شده است. در این زمانه،

قدرتمندترین سلاح‌ها، روایت‌هایی هستند

که امید را به یأس، همبستگی را به تفرقه و

آرامش را به اضطراب بدل می‌کنند و اینگونه

کشورها و جوامع را از درون در معرض

فروپاشی قرار می‌دهند. در این آوردگاه

نامتقارن که از آن به «جنگ ترکیبی» یاد

می‌شود، از چنان اهمیتی برخوردار است که

رهبری معظم انقلاب بارها درباره آن سخن

گفته‌اند؛ چرا که دشمن در قالب این نوع

تهاجم بیش از هر شیوه دیگری، «سلامت

عاطفی» جامعه را به‌منزله آسیب‌پذیرترین و

در عین حال راهبردی‌ترین نقطه ثقل، هدف

قرار می‌دهد. فرسایش این سرمایه نامشهود

اما بنیادین، نه یک آسیب اجتماعی جانبی،

بلکه هدف اصلی عملیات روانی دشمن

برای فروپاشی یک ملت از درون است. برای

مقابله با این رویکرد دشمن باید بدانیم که

جنگ ترکیبی دشمن علیه سلامت عاطفی

جامعه ما در سه لایه هم‌زمان عمل می‌کند:

لایه نخست، «بیماران شناختی با

محتوای اضطراب‌آفرین» است. شبکه‌های

اجتماعی و رسانه‌های معاند، با پمپاژ بی‌وقفه

اخبار منفی، سیاه‌نمایی مطلق، بزرگنمایی

مشکلات و القای حس بن‌بست، به دنبال

ایجاد یک اضطراب مزمن ملی هستند.

هدف از این راهبرد، فرسودسازی روانی

جامعه و تضعیف اراده آن برای مقاومت و

سازندگی است.

لایه دوم، «تخریب اعتماد و سرمایه

یادداشت

مشکلات تأمین اجتماعی
در سوء مدیریت ریشه دارد

حمید حاج اسماعیلی

کارشناس بازار کار

بخش قابل توجهی از مشکلاتی که بر سر کارگران، دستمزددبگیران، بازنشستگان و مستمری‌بگیران آوار شده، ناشی از کمبود منابع اعتباری در سازمان تأمین اجتماعی است. مسئله حائز اهمیت این است که سازمان تأمین اجتماعی تاکنون بسیار گران اداره شده است؛ ضمن اینکه به تدریج و به مرور زمان خدمات ارائه شده به بیمه‌شدگان که بخشی از حقوق حقه آنها به شمار می‌رود، کاهش یافته است.

برخی از فشارهای وارد شده به مستمری‌بگیران و بازنشستگان با کسر حقوق آنها و کاهش خدمات درمانی، ناشی از اقدامات سازمان تأمین اجتماعی برای جبران کسری منابع اعتباری خود است، موضوعی که کمترین ربطی به بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی ندارد؛ زیرا سوءمدیریت طی سال‌های اخیر عامل اصلی این روند بوده است.

تردید در این موضوع وجود ندارد که اقدامات سازمان تأمین اجتماعی عمدتاً خلاف قانون است، اقداماتی که موجبی از اعتراضات و انتقادات را متوجه این سازمان کرده است. آنچه سازمان تأمین اجتماعی طی این مدت به عنوان راهکار جبران کسری بودجه خود در پرداخت مستمری‌ها و تأمین هزینه‌ها انجام داده، نه تنها مشکلی را حل نکرده، بلکه مشکلات بسیاری را برای حقوق‌بگیران ایجاد کرده است. از جمله مشکلات و معضلاتی که سازمان تأمین اجتماعی برای حقوق‌بگیران خود ایجاد کرده، می‌توان به تأخیر انداختن زمان پرداخت تعهدات مالی اشاره کرد. متأسفانه طی ماه‌های اخیر شاهد این

رویه بودیم که سازمان تأمین اجتماعی به عمد تأخیرهای چند روزه‌ای را در روند پرداخت مستمری‌ها در دستور کار قرار داده است؛ به این معنا که مثلاً حقوق‌بگیرانی که از بیستم ماه حقوق و مستمری خود را دریافت می‌کردند، دریافتی آنها به سی‌ام ماه موکول شده است؛ در حالی که عموماً این دسته از مستمری‌بگیران و بازنشستگان جزء افراد مسن هستند که کمترین میزان دریافتی را دارند و عموماً بخشی از دریافتی آنها صرف هزینه‌های درمانی می‌شود و برخی مجبور به پرداخت اجاره مسکن هستند؛ ضمن اینکه حقوقی که می‌گیرند پاسخگوی تأمین معاش ماهیانه آنها هم نیست، بنابراین وقتی پرداختی تأمین اجتماعی از بیستم ماه به سی‌ام، یعنی ده روز بعد افتاده است، آسیب‌های جدی بر روند زندگی معمول افراد سالمند جامعه وارد کرده است؛ زیرا آنها با تاریخ‌های قبلی پرداختی‌ها زندگی خود را تنظیم کرده بودند.

طی ماه‌های اخیر شاهد این موضوع بودیم که بعد از افزایش مستمری‌ها در سال جدید به اینکه نزدیک به هشت ماه از سال جدید می‌گذرد، سازمان تأمین اجتماعی همچنان معوقات فروردین‌ماه بخش زیادی از مستمری‌بگیران را نپرداخته است؛ در حالی که سازمان بارها قول داده و قرار بوده است در مدت کوتاهی برای همه واریزی داشته باشد، اما کسندی در پرداخت‌ها و پرداخت نکردن معوقات اولین ماه سال مردم را بسیار نگران و عصبانی کرده است.

چرا منابع خرد
با تولید یگانه‌اند؟

«حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم» عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام چندی پیش در گفت‌وگویی مدعی شده بود این تخمین وجود دارد که چیزی حدود ۷۰ میلیارد دلار ارز و طلای خانگی در اختیار مردم است. تخمینی که با توجه به وضعیت اقتصادی کشور و روند بازارها منطقی به نظر می‌رسد.

از طرفی حضور میلیونی مردم در پیش‌نویس ثبت‌نام خودرو که از سوی یکی از خودروسازها انجام شده بود و برآورد ارقام چند میلیارد دلاری از آن وجود دارد نشان می‌دهد؛ حجم بالایی از منابع ریالی در اختیار مردم قرار دارد که مردم به دنبال سرمایه‌گذاری این منابع در فعالیت‌های سودده هستند، اما گویا فعالیت مشخصی از سوی دولت‌ها برای این منابع تعریف نشده و در نهایت مردم به واسطه سود بیشتر و البته تجربه تاریخی خودشان به تسابوب وارد بازارهایی، چون دلار، طلا و... می‌شوند، بازارهایی که قاعدتاً هیچ منفعتی برای تولید ملی و حرکت اقتصاد در مسیر صحیح خود ندارد. علاوه بر این موضوع، برخی از شهروندان به طمع سود بیشتر علاوه بر حضور در بازارهایی، مانند طلا یا دلار به سمت بازارهایی با ریسک‌های بیشتر، اما احتمال سوددهی بالاتر رفته و حتی گاهاً نه تنها سودی کسب نمی‌کنند؛ بلکه اصل پول خود را نیز از دست می‌دهند. بازارهایی مانند رمز ارزها یا خرید ملک در خارج از کشور که مشاهده شده به واسطه نوسان بالا یا تغییر قوانین در کشورهای دیگر، در بسیاری از موارد سرمایه‌های مردم ایران از بین رفته است.

«معاون اجرایی کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران»، سال گذشته در گفت‌وگویی از برآورد ۱۰ میلیارد دلاری ورود سرمایه ایرانیان به بازار رمز

ارزها خبر داده بود. علاوه بر این گفته، آماری نیز طی سال گذشته منتشر شد که بر اساس آن ایران جزء پنج کشوری است که بیشترین حضور را در بازار رمز ارزها دارد. بازاری که افزون بر امکان کلاهبرداری یا مسدود شدن پول آنها، هر آن ممکن است با نوساناتی عجیب عملاً سرمایه مردم را دود کند. فضای موجود در اقتصاد ایران نشان‌دهنده حجم انبوهی از منابع سرگردان و بلا تکلیف ریالی است که نیازمند یک برنامه‌ریزی دقیق برای هدایت این منابع به سمت فعالیت‌های مولد است.

شاید بهترین ابزار برای افزایش مشارکت مردم در اقتصاد و تحقق شعار سال این باشد که این مسئله از متولیان اقتصاد، مانند وزرای اقتصاد، صمت، نفت و بانک مرکزی انجام و بهترین محل برای جذب سرمایه‌های خرد مردم، بازار سرمایه یا ابزارهای مشابهی برای تعریف پروژه‌های مشخص با بازدهی و سود مناسب است.

۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی نیز پیش رفته‌اند، ولی عملاً به دلیل تأمین نشدن بودجه برای اتمام کار و آغاز پروژه‌های جدید بلا تکلیف مانده و هزاران میلیارد تومان از منابع کشور به دلیل بهره‌برداری نشدن از این پروژه‌ها بی‌مصرف و بلا تکلیف مانده‌اند؛ به نحوی که بر اساس آخرین آمارها بیش از ۷۰ هزار پروژه نیمه‌تمام در کشور وجود دارد که برای تکمیل آنها به چیزی حدود ۴ هزار همت اعتبار نیاز است. نهایی کردن این پروژه‌ها از طریق ایجاد صندوق پروژه‌ها و تعهد دولت به پرداخت سود حاصل از فعالیت این پروژه‌ها، حتی اگر در ابتدا به افزایش تعهدات دولت و پرداختی آن منجر شود، نتایج مثبتی را برای اقتصاد به همراه خواهد داشت.

موضوع اول آغاز بهره‌برداری از این پروژه‌ها و بازگشت منافع آن به اقتصاد کشور است؛ یعنی عملاً سرمایه‌ای که راکد بوده و با وجود میلیاردها تومان هزینه برای آن به دلیل به اتمام نرسیدن بازدهی نداشته است، با حضور منابع مردمی و تکمیل و راه‌اندازی آن در چرخه فعالیت‌های تولیدی قرار می‌گیرد. موضوع مهم برای تحقق این امر، ایجاد اطمینان و افزایش اعتماد مردم به دولت برای حضور در این پروژه‌هاست. در بازاری که به صورت میانگین سود خرید و فروش در بازارهایی، مانند ارز و طلا بسیار بیشتر از نرخ تورم یا سود بانکی و امثال آن است، بدون طرح‌های تشویقی از یک طرف و ایجاد مانع برای حضور در فعالیت‌های سفته‌بازانه از سوی دیگر، نمی‌توان به اتفاقات خوشایند امیدوار بود. بنابراین باید مسیر و رویه‌های فعلی سرمایه‌گذاری در کشور تغییر کند.

مهم‌ترین دلیل افراد از سرمایه‌گذاری در طلا و دلار نیز تجربه تاریخی مردم در بیش از یک دهه گذشته است. در واقع مردم با خود می‌گویند بر اساس تجربه تاریخی یک دهه گذشته قیمت دلار و طلا سود بیشتری در مقایسه با سایر بازارهای موازی، مانند بورس یا سپرده‌های بانکی داشته و تورم موجود در کشور را جبران کرده است.

هیچ منع قانونی برای خرید طلا و سکه وجود نداشته و حتی ممنوعی که برای خرید و نگهداری دلار نیز وجود دارد چندان قابلیت عملیاتی شدن نداشته و می‌توان گفت اجرایی نمی‌شود؛ از این رو با ادامه این روند نمی‌توان چندان به تحقق شعار سال و حضور منابع خرد و حرکت آنها به سمت تولید امیدوار بود.

بر اساس آخرین آمارها بیش از ۷۰ هزار پروژه نیمه‌تمام در کشور وجود دارد که برای تکمیل آنها به چیزی حدود ۴ هزار همت اعتبار نیاز است. نهایی کردن این پروژه‌ها از طریق ایجاد صندوق پروژه‌ها و تعهد دولت به پرداخت سود حاصل از فعالیت این پروژه‌ها، حتی اگر در ابتدا به افزایش تعهدات دولت و پرداختی آن منجر شود، نتایج مثبتی را برای اقتصاد به همراه خواهد داشت.

ایران جزء ۵ پنج کشوری است که بیشترین حضور را در بازار رمز ارزها دارد. بازاری که افزون بر امکان کلاهبرداری یا مسدود شدن پول آنها، هر آن ممکن است با نوساناتی عجیب عملاً سرمایه مردم را دود کند.

افزایش نرخ ارز در ایران نیز مزید بر علت شده و قیمت طلای داخلی طی ماه‌های اخیر رکورد‌های جدیدی را ثبت کرد. موضوعی که موجب شد بسیاری از منابع ریالی در اختیار مردم به سمت این بازار و خرید و فروش این فلز گرانبها حرکت کند.

قیمت طلای داخلی تحت تأثیر سه عامل اصلی قیمت جهانی طلا، نرخ برابری دلار به ریال یا همان نرخ ارز و شرایط عمومی اقتصاد کشور قرار دارد. مهم‌ترین دلیل افراد از سرمایه‌گذاری در طلا و دلار نیز تجربه تاریخی مردم در بیش از یک دهه گذشته است. در واقع مردم با خود می‌گویند بر اساس تجربه تاریخی یک دهه گذشته قیمت دلار و طلا سود بیشتری در مقایسه با سایر بازارهای موازی، مانند بورس یا سپرده‌های بانکی داشته و تورم موجود در کشور را جبران کرده است. موضوعی که متأسفانه مبتنی بر واقعیت بوده و نمی‌توان از این حیث مردم را سرزنش کرد یا خرده‌ای بر آنها گرفت.

از طرفی هیچ منع قانونی برای خرید طلا و سکه وجود نداشته و حتی ممنوعی که برای خرید و نگهداری دلار نیز وجود دارد، چندان قابلیت عملیاتی شدن نداشته و می‌توان گفت اجرایی نمی‌شود. با ادامه این روند نمی‌توان چندان به تحقق شعار سال و حضور منابع خرد و حرکت آنها به سمت تولید امیدوار بود. دولت باید با انجام اقداماتی در این مسیر، روند تصمیم‌گیری صاحبان منابع خرد و کلان را تغییر دهد؛ یکی از این اقدامات، می‌تواند انجام پروژه‌های مشخص اقتصادی و مورد نیاز کشور با استفاده از نظام بانکی یا بازار سرمایه و تضمین پرداخت سود از سوی دولت باشد. در حال حاضر، بسیاری از پروژه‌های عمرانی و اقتصادی کشور گاهی تا مرز

میثم مهرپور

کارشناس اقتصادی



افزایش سرمایه‌گذاری در تولید و هدایت منابع ریالی، به خصوص منابع ریالی خرد در اختیار مردم به سمت فعالیت‌های مولد نیازمند وجود پیش‌نیاز اصلی است. پیش‌نیاز اول فراهم کردن شرایط سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد از سوی دولت و مجموعه‌های بالادستی و هدایت مردم به سمت سرمایه‌گذاری در این فعالیت‌هاست. پیش‌نیاز دوم برای تحقق این امر نیز کاهش جذابیت یا ایجاد موانعی برای حضور این منابع در فعالیت‌های غیر مولد و سفته‌بازانه است.

رهبر معظم انقلاب در آغاز سال جدید به مناسبت سال سرمایه‌گذاری برای تولید در بیاناتی ضمن اشاره به وظایف دولت در این حوزه اظهار داشتند: «بایستی حتماً هم دولت و هم مردم با عزم و انگیزه فراوان، سرمایه‌گذاری برای تولید را جدی بگیرند و دنبال کنند. کار دولت، فراهم کردن زمینه‌هاست، برداشتن موانع تولید است؛ کار مردم هم این است که سرمایه‌های خرد و سرمایه‌های بزرگ خود را بتوانند در راه تولید به کار ببرند. اگر سرمایه در راه تولید به کار رفت، دیگر به سمت کارهای مضر مثل خرید طلا، خرید ارز و امثال اینها نخواهد رفت و کارهای مضر، دیگر انجام نخواهد گرفت.»

از سخنان رهبر حکیم انقلاب این موضوع کاملاً مشخص است که برای تشویق و ترغیب مردم به منظور حضور آنها در تولید و هدایت منابع خرد به سمت فعالیت‌های مولد باید حضور این منابع در بازارهایی، مانند ارز و طلا و... که نه تنها هیچ فایده‌ای برای اقتصاد ایران ندارند؛ بلکه منجر به نآرامی اقتصادی و ایجاد چالش نیز می‌شود، متوقف شود. در سال‌های اخیر، نوسانات قیمت ارز منجر شده بسیاری از منابع خرد مردم به سمت بازارهایی، چون ارز و به تبع آن سکه و طلا حرکت کند، در کنار این بازارها، بازار رمز ارزها و حتی نقره و خودرو و... را نیز می‌توان از جمله بازارهای مالی دانست که بسیاری به قصد فعالیت‌های سفته‌بازانه طی سال‌های اخیر وارد آن شده‌اند.

در حال حاضر، طلا در صدر فهرست دارایی‌ها از نظر ارزش بازار قرار دارد و با توجه به آتش‌افروزی‌های آمریکادار بسیاری از کشورهای دنیا و جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی و تعرفه‌ای در دنیا، هر روز قیمت‌های جهانی این فلز گرانبهار کوردهای جدیدی ثبت می‌کند. هم‌زمان با افزایش قیمت جهانی طلا که حتی در مقطعی به بیش از ۴۳۰۰ دلار در اونس نیز رسید، افزون بر این موضوع

شاخص

بازار ناخوش

بر اساس داده‌های انجمن خودروسازان اروپا، فروش شرکت تسلا که متعلق به ایلان ماسک، میلیارد معروف آمریکایی است، در بازار اتحادیه اروپا طی ماه سپتامبر ۱۸/۶ درصد کاهش یافته است. این سازنده خودروهای برقی طی این ماه ۲۵ هزار و ۶۵۶ دستگاه در کشورهای عضو اتحادیه به فروش رسانده است؛ در حالی که رقم مشابه در سپتامبر سال گذشته ۳۱ هزار و ۵۳۵ دستگاه بود. تحلیلگران معتقدند افت فروش تسلا در اروپا نتیجه ترکیبی از افزایش رقابت شدید برندهای چینی و بازتاب منفی مواضع سیاسی جنجالی ایلان ماسک در افکار عمومی اروپایی است.



منهای نفت

یک میلیون دلار

میزان تولید انار در جهان بیش از ۸ میلیون تن است که سهم ایران در این محصول در سال گذشته یک میلیون و ۳۴۹ هزار و ۹۵۷ تن بوده است که از این میزان ۳۹ هزار و ۱۵ تن به ارزش ۱۸ میلیون و ۳۱۸ هزار دلار صادر شده است. در شش ماهه نخست امسال نیز، ۲۲۸۶ تن انار به ارزش یک میلیون و ۱۰ هزار دلار از کشور صادر شده است؛ اشتغال‌زایی در مناطق محروم، امکان صادرات بالا و ارزآوری، تحمل بالای این گیاه در برابر شرایط نامساعد محیطی از فرصت‌ها در حوزه انار کشور است که می‌تواند ارزآوری این محصول را رشد دهد.



افزوده

سبد سهام

«پرتفو» به معنای سبد سهام یک واژه فرانسوی و به مجموعه‌ای سسبندی از دارایی‌های مالی گفته می‌شود. به بیان دیگر، پرتفوی ترکیبی مناسب از سهام یا سایر دارایی‌هاست که یک سرمایه‌گذار آنها را خریداری کرده است. هدف از تشکیل پرتفوی سهام یا سبد سهام، کاهش ریسک غیرسیستماتیک سرمایه‌گذاری است. به این ترتیب، سود یک سهم می‌تواند ضرر سهام دیگر را جبران کند. پرتفوی به‌صورت مستقیم از طریق سرمایه‌گذاران نگهداری شده یا به‌وسیله سبدگردان‌های حرفه‌ای مدیریت می‌شود. بازده سرمایه‌گذاری در پرتفوی معادل بازده متوسط آن پرتفوی خواهد بود؛ اما ریسک پرتفوی به‌دلیل کاهش ریسک غیرسیستماتیک در غالب موارد کمتر از متوسط ریسک سهام داخل سبد است.



نهاد مقدس

گفتاری از حجت الاسلام مسعود عالی

اینها در آن ۷۵ روز یا ۹۵ روز بعد از پیغمبر (ص) دیگر حضرت زهر (س) باکیه العین پیوسته گریه می کرد در فراق پدر بزرگوارشان و مصیبت هایی که بر آنها وارد شد.



در خانه می توان انجام داد و ثواب هایی در خانه گیر انسان می آید با کارهای خیلی ساده که به هیچ وجه در مسجد گیر نمی آید؛ البته در مسجد هم چیزهایی هست که در خانه نیست. ولی منظور این است که خانه معبد و محل عبادت است؛ عبادات عجیب و غریب. در خانه حضرت زهر (س) و امیرالمؤمنین (ع) آن چیزی که بین این دو و بچه های شان حاکم بود رفاقت و صمیمیت بود... صمیمی بودند، شوخی می کردند، بازی می کردند. این خانواده خوش بودند، صمیمی بودند، رفیق بودند با هم دیگر. آن وقت در این خانه است که حسنین و زینبین تربیت می شود که تاریخ ساز بودند. در این خانه صمیمی و با نشاط. اما افسوس که نشاط این خانه خیلی طول نکشید، تا زمانی بود که پیغمبر اکرم (ص) زنده بود، حامی بزرگشان پیغمبر بود. وقتی پیغمبر (ص) رحلت کرد، دیگر غریب شدند، مظلوم شدند، از آن به بعد بود که آن نشاطی که در آن خانه بسود ما زالت بعد

و امور مقدس، «خانواده» است. خانواده یک معبد است، محل عبادت است، محلی است که محبوب خداست، شما همه در قرآن خوانده اید پروردگار عالم می فرماید: «و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت انگیز] نشانه هایی است برای مردمی که می اندیشند.» (روم/۲۷) اینکه دو نفر با هم ازدواج کنند، بنای خانواده را تشکیل دهند، این از آیات الهی و محبوب خداست. در خانه و خانواده اگر کسی اهل باشد خیلی سهل تر راه خدا را پیش می گیرد و بالا می رود و قرب پیدا می کند، لذا در روایات خوانده اید: «اگر کسی ازدواج کند نصف دینش را احراز کرده است.» آنجا بهتر و سهل تر می توان راه خدا را پیش گرفت... عرض بنده این است این سه کلمه را عنایت بفرمایید: خانواده محل عبادت، محل ریاضت و محل تربیت است. هم محل عبادت است. انبوهی از روایات را ما داریم که عباداتی

یکی از خصوصیات که مؤمن باید داشته باشد و از لوازم ایمان است، احترام به مقدسات است. اینکه نسبت به مقدسات حریم داشته باشد؛ مقدساتی که خود خداوند متعال نسبت به آنها ادبش را به ما در قرآن یاد داده است، احترام گذاشتن به مقدسات را پروردگار به همه یاد داده است. مقدسات چیزهایی هستند که رنگ و بوی الهی دارند و خداوند متعال، جلوه و ظهور خاصی در آنها کرده است. چیزهایی که ارتباط ویژه با خدا دارند. درست است که همه موجودات مخلوقات با خدا ارتباط دارند، همه موجودات مخلوق خدا هستند و خدا در همه موجودات جلوه کرده، آیه و نشانه خدا هستند، اما بعضی از امور هستند که خدا ظهور خاص و جلوه خاص در آنها دارد و ارتباط ویژه با آنها برقرار کرده است. مثل کلام الله، کتاب الهی، انبیاء و اولیای الهی، بعضی از زمان ها و مکان های مقدس، اینها اموری هستند که خدا ارتباط خاصی با آنها برقرار کرده است و پروردگار عالم برای اینها حریمی قرار داده است... یکی از محرمات

آیه

راز سختی های صالحان و رفاه گناهکاران

حسن نوروزی

کارشناس علوم دینی

شاید این پرسش از ذهن مان خطور کرده باشد که چرا افراد نیکوکار و مؤمن اغلب با مشکلات دست و پنجه نرم می کنند، در حالی که گناهکاران و مجرمان در رفاه و آسایش به سر می برند؟

ابتدا باید به نقش سختی ها در رشد انسان فکر کنیم. سختی ها، مانند کوره ای هستند که انسان را آبدیده و مقاوم کرده، نیروهای نهفته اش را بیدار می کنند و او را به سوی پیشرفت و کمال هدایت می کنند. قرآن کریم این حقیقت را به زیبایی بیان می کند: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (سوره انشراح، آیه ۵): یعنی همانا به همراه هر سختی، آسایش و راحتی است. این آیه نوید می دهد که دشواری ها گذرا هستند و میوه شان سعادت پایدار است، انگار که زندگی با هر چالشی، دری به سوی فرصت های تازه می گشاید.

اما چرا برخی مشکلات به سراغ مؤمنان می آید؟ بخشی از این بلاها در رفتار خود انسان ریشه دارد. ما اغلب با انتخاب های اشتباه، سوء مدیریت در برنامه ریزی زندگی یا تصمیمات نادرست، خود را به دردسر می اندازیم. مثلاً تصور کنید در رانندگی بی احتیاطی کنیم و تصادف رخ دهد که منجر به آسیب جسمی شود. این نه تقصیر الهی، بلکه نتیجه مستقیم اعمال ماست. قرآن در این باره می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الشَّيْئًا وَلَئِنَّ الْإِنْسَانَ لَأَفْسَهُمْ يُظَلِمُونَ» (سوره یونس، آیه ۴۴): خداوند هیچ بر مردم ستم نمی کند، ولی این خود مردم هستند که بر خویش ستم می کنند. این آیه ما را به مسئولیت پذیری دعوت کرده و یادآوری می کند که بسیاری از سختی ها، آینه ای از انتخاب های خودمان هستند.

از سوی دیگر، خداوند نسبت به اولیاء و دوستان خود، رفتاری متفاوت دارد. چون آنها را دوست دارد، اگر خطایی کنند، سریعاً با توبه ای ملامت آنها را بیدار می کند تا اصلاح شوند. قرآن در توصیف این رویکرد نسبت به پیامبر (ص) می فرماید: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ» (الحاقه/۴۴ و ۴۵): و اگر [او] پاره ای گفته ها بر ما بسته بود، دست راستش را سخت می گرفتیم. همین طور، مؤمنان اگر خلاف کنند، زود گوشمالی می شوند تا درس بگیرند.

در مقابل، برای ناهالان و گناهکاران، خداوند مهلت می دهد. این مهلت نه از روی غفلت، بلکه فرصتی برای افزایش گناهان شان است تا کیفر نهایی سنگین تر شود: قرآن می فرماید: «وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا» (الکهف/۵۹): و برای هلاکت شان وعده ای قرار دادیم. و همچنین: «إِنَّمَا تُمَلِي لَهُمْ لِيُذْأَبُوا» (آل عمران/۱۷۸): ما به آنها مهلت می دهیم تا بر گناهان شان بیفزایند؛ اگر امیدی به اصلاح شان نباشد، حساب شان را تا قیامت به تأخیر می اندازد تا پیمان شان پر شود.

برای درک بهتر، اگر قطره ای روی شیشه عینک تان بچکد، فوری آن را پاک می کنید چون مهم است؛ اما اگر روی لباس سفیدتان بریزد، صبر می کنید تا خانه برسید و عوضش کنید و اگر روی قالی زیر پای تان باشد، شاید تا عید نوروز رهایش کنید تا بشویید. خداوند هم بر اساس شفافیت روح انسان ها رفتار می کند. روح پاک مؤمنان مانند عینک است که زود پاک می شود، در حالی که روح تیره گناهکاران مانند قالی، کیفرش به تأخیر می افتد.

مکتب

پیشگیری از فساد سیستماتیک!

نماد انحرافی بود که از درون تاریخ سیاسی اسلام برآمد. شراب خواری، آواز خوانی، حیوان بازی، تحقیر بزرگان دین و تجاهر به گناه، تنها نشانه هایی از شخصیتی نبود که از راه راست منحرف شده باشد، بلکه بیان کننده نوعی «ایدئولوژی جدید» بود؛ ایدئولوژی ای که می خواست شریعت را از درون تهی کرده و دین را تابع قدرت کند. در حکومت یزید، دیگر «حاکمیت قرآن» به «قرانت درباری از قرآن» تبدیل شد؛ قضاوت، وسیله ای برای تثبیت ظلم گردید و مهم تر از همه، مفهومی به نام «بیعت» به ابزار تحمیل مشروعیت بر باطل بدل شد. یزید خواستار بیعت امام حسین (ع) بود، نه به نشانه احترام، بلکه به منزله سندی تاریخی برای نظام خود. او می دانست که اگر فرزند پیامبر بسا او بیعت کند، دیگر هیچ معیاری برای تفکیک حق از باطل در ذهن مردم باقی نمی ماند. فساد او تنها در رفتار نبود، در معنا بود؛ در تحریف واژگان، در وارونه کردن ارزش ها. این یعنی «سیستماتیک کردن فساد».

گفتنی است، یکی از نشانه های بارز فساد سیستماتیک در نگاه دینی، از کار افتادن نهاد امر به معروف و نهی از منکر است. در جامعه فاسد، افراد خطاکارند اما هنوز وجدان عمومی با امر به معروف زنده است. در جامعه دارای فساد سیستماتیک، امر به معروف کاملاً تعطیل شده و وجدان عمومی فلج می شود. اینجا بود که امام حسین (ع) نهضتی راه اندازی فرمود تا این فریضه الهی تعطیل نشود.

امام حسین (ع) با او نه صرفاً اعتراض به شخصی گناهکار، بلکه مقابله با روندی تاریخی برای نهادینه سازی فساد بود.

این موضوع در زمان معاویه متفاوت بود. درست است که نظام دینی و سیاسی اسلام از مسیر اصلی خود منحرف شده بود؛ اما هنوز فساد به مرحله نهادینه و رسمی نرسیده بود. معاویه هر چند سیاستمداری حيله گر و اهل فریب بود، اما برای حفظ ظاهر دینی و مشروعیت سیاسی خود ناچار بود بسیاری از ارزش های اسلامی را به زبان محترم بشمارد. او از صحابه، قرآن و سنت سخن می گفت، نماز جمعه را برقرار می کرد، به ظاهر در پی وحدت امت بود و هرگز آشکارا به شراب خواری، فسق یا تمسخر دین اقدام نمی کرد. این ریاکاری البته زینبار بود، اما هنوز فضای اجتماعی اسلام اجازه اعتراض را به طور کامل از بین نبرده بود.

امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در زمان معاویه، با وجود علم به فساد حکومت، به جهت مصالح امت و پیمان صلح امام حسن (ع)، از اقدام مستقیم نظامی پرهیز کردند؛ اما آنان می دیدند که پایه های یک حکومت موروثی در حال شکل گیری است؛ حکومتی که با مرگ معاویه، چهره پنهان خود را آشکار خواهد کرد. معاویه بستر ساز «فساد سیستمی» بود؛ اما یزید آن را به «فساد سیستماتیک» تبدیل می کرد. یزید را نمی توان تنها یک جوان بی بند و بار دانست. او

کے بخش های متعددی از ساختار قدرت درگیر فساد می شسوند و تخلف دیگر امری استثنایی به شمار نمی آید؛ اما هنوز در قانون و نهادها با فساد مخالفت می شود و بر خورد با آن تخلف حتمی است.

«فساد سیستماتیک» خطرناک ترین نوع فساد در یک حکومت است. در این وضعیت، نه تنها افراد فاسدند، بلکه خود سیستم، سازوکار و قانون، فاسد طراحی شده است. فساد در چنین نظامی دیگر انحراف نیست، بلکه «قاعد» است. هر کس بخواهد درست عمل کند، با سیستم در تعارض قرار می گیرد. در این نقطه، اصلاح درون ساختاری تقریباً ناممکن می شود و تنها راه، قیام علیه اصل نظام است. باید توجه داشت در فساد سیستمی همه چیز پنهانی رخ می دهد یا افراد آن را قانونی جلوه می دهند، پنهان است و کسی در آشکار از آن سخن نمی گوید که ما فساد می کنیم، اما در فساد سیستماتیک اینطور نیست. همه چیز آشکار است، مسئولان حکومت آشکارا از فسادشان سخن می گویند و کسی نمی تواند با آنان مخالفت کند. البته این فساد را باید فساد در ذات دید که انسان عاقلی به آن شهادت می دهد.

یزید در آغاز خلافتش، در پی چنین نظامی بود. او نمی خواست تنها پادشاهی خوش گذران باشد، بلکه می خواست برای فاسد بودن، قالب و ساختار بسازد؛ برای ظلم قانون بنویسد و برای تحریف دین، تفسیر رسمی ارائه کند. از این رو، مخالفت

سید حسین خاتمی خوانساری



دبیر گروه معارف

درک چرایی و چگونگی قیام امام حسین (ع) در برابر حکومت یزید تنها با توجه به جنبه های عاشوراء در ظاهر برخوردی نظامی با عقیدتی میان سپاه حق و باطل شناخته می شود؛ اما در عمق خود، نشانه ای از مقابله با خطر بزرگی است که در بطن تاریخ اسلام در حال شکل گیری بود؛ آن خطر بزرگ «سیستماتیک شدن فساد» بود. حال سؤال این است که معاویه از سوی امام حسین (ع) به عنوان کسی که می توانست فساد را سیستماتیک شناسایی کند، شناخته نشد و در برابر او صبر کرد؛ اما در مواجهه با رفتارهای یزید سکوت را جایز ندانست و خطر حکومت یزید را چیزی فراتر از یک پادشاهی فاسد، بلکه نمونه ای از یک «نظام فاسد نهادینه شده» می دانست.

برای فهم دقیق موضوع، باید ابتدا تفاوت میان سه نوع فساد در امر حکومت را روشن کنیم.

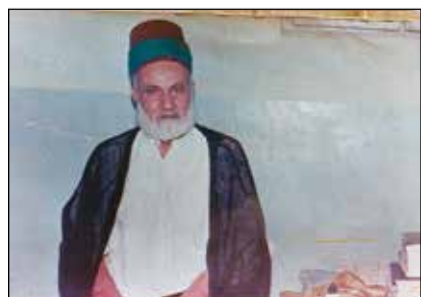
«فساد فردی» به رفتار ناصواب یا غیر قانونی افراد درون حکومت اشاره دارد؛ رفتارهایی مانند رشوه، خیانت یا سوء استفاده شخصی از قدرت که ممکن است در هر نظامی رخ دهد.

«فساد سیستمی» به مرحله ای گفته می شود

سلوک

سوره های بلند!

آیت الحق سید هاشم حداد (ره): اینکه انسان فقط یک «فَلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» یا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را بخواند، این کار مردم عادی است. سالک نباید به این دو یا سه سوره اکتفا کند؛ بلکه باید سوره های بزرگ قرآن را در نمازش بخواند. منظورمان سوره های بزرگی، مانند سوره «بقرة» و «انعام» نیست؛ بلکه در حد سوره «یس»، یا «حدید» یا همان مسبحاتی که قبل از خواب می خوانید. سوره «یس» باید حفظ شود. این سوره قلب قرآن است. سالک باید به این سوره ها توجه کند مخصوصاً این چندتایی که نام برده شد: «یس، حدید، حج، جمعه»؛ این چهار سوره را تأکید داریم حتماً حفظ کنید.



احکام

چای خانه در مسجد!

پرسش: در روستایی مسجد نوسازی وجود دارد که در مکان مسجد قبلی بنا شده است. در گوشه ای از این مسجد که زمین آن جزء مسجد قبلی است، بر اثر جهل به مسئله، اتافی برای تهیه چای و مانند آن و کتابخانه ای در نیم طبقه قسمتی از شبستان مسجد در داخل شبستان مسجد ساخته شده است. خواهشمندم نظر خود را در این باره و مسئله تکمیل و کیفیت استفاده از نصف دور داخلی مسجد، بیان فرمایید.

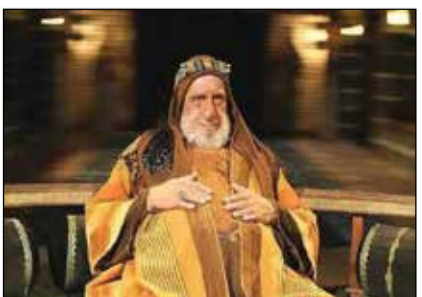
پاسخ: ساختن اتاق مخصوص چای در محل مسجد قبلی صحیح نیست و واجب است آن مکان به حالت مسجد بودن خود برگردد. نیم طبقه داخل شبستان مسجد هم در حکم مسجد است و همه احکام و آثار شرعی آن را دارد، ولی نصب قفسه های کتاب و حضور در آن جا برای مطالعه اگر مزاحمتی برای نمازگزاران ایجاد نکند اشکال ندارد.

آیت الله العظمی خاتمی
اجوبه الاستفتائات، سؤال ۴۱۰

تاریخ نگار

هلاکت عبدالله بن زبیر!

«عبدالله بن زبیر» از مخالفان سرسخت «یزید بن معاویه» بود که به دلیل امتناع از بیعت با او، از مدینه به مکه گریخت. سپاه شام مکه را محاصره و با منجنیق به مکه حمله کرد؛ اما با مرگ یزید عقب نشینی کرد. او پس از مرگ معاویه دوم، مناطق بسیاری را تصرف کرد؛ ولی با قدرت گیری عبدالملک بن مروان و سپاه حجاج بن یوسف، موقعیتش از دست رفت. شش ماه محاصره و سنگباران مکه ادامه داشت. در ۱۷ جمادی الاول سال ۷۳ هجری سنگی به نزدیکی ابن زبیر فرود آمد، ترکش هایش به او اصابت کرد و ابن زبیر به هلاکت رسید.



نکته گرام

علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی: گاه یک نوآوری در نام‌گذاری، می‌تواند نقش بسزایی در دیپلماسی عمومی داشته باشد و افتتاح ایستگاه متروی مریم مقدس (س) و نوع طراحی هنرمندانه آن در زمره همین توجه است. از شهردار محترم تهران و همکارانشان سپاسگزارم.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس: وفای یعنی همراهی قوا برای اتخاذ تصمیمات درست اما پرچالش؛ تصمیماتی همچون ورود بانک آینده به فرایند گزیر فقط با تصویب قانون یا صرفاً با پیگیری رسانه‌ای ممکن نیست بلکه حاصل اراده جمعی نیروهای تصمیم‌گیر است. وفای به معنی لا پویشانی اشتباهات و ضعف‌ها نیست.

عباس گودرزی، سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی: در جلسه هیئت رئیسه مجلس با حضور محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی ضمن تقدیر از مجاهدت و استقامت نیروهای مسلح، بر توجه و اهتمام ویژه برای افزایش حقوق آنها تأکید شد.

مایکل مارتین، نخست‌وزیر جمهوری ایرلند: من حملات در غزه را که بنا به گزارش‌ها بیش از ۱۰۰ کشته، از جمله ۴۶ کودک، بر جای گذاشته است، به شدت محکوم می‌کنم. من از همه طرف‌ها می‌خواهم که به توافق آتش‌بس پایبند باشند و آن را اجرا کنند و خواستار افزایش کمک‌های بشر دوستانه به مردم غزه هستم.

جان مولنار، رئیس کمیته منتخب مجلس نمایندگان در امور چین: فروش بهترین تراشه هوش مصنوعی انویدیا به چین شبیه (به) دادن اورانیوم با درجه غنی‌سازی تسلیحاتی به ایران خواهد بود، زیرا کارشناسان معتقدند که این امر برتری آمریکا در حوزه هوش مصنوعی را کاهش می‌دهد.

توشییتسو مونه‌گی، وزیر امور خارجه ژاپن: گفت‌وگوهای چندلایه و سازنده‌ای بین ژاپن و ایران بر پایه روابط دیرینه و دوستانه دو کشور همواره در جریان است.

بزالل اسمورتیچ، وزیر دارایی رژیم صهیونی: قصد دارم از نخست‌وزیر بخواهم دستور دهد ارتش اسرائیل همه اسرای آزاد شده در جریان معامله تبادل اسیر را با حماس را بازداشت کند.

محسن رضایی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام: جناح‌های سیاسی نباید به دوران پیش از جنگ ۱۲ روزه و دعواهای سیاسی برگردند. قدر همراهی مردم و اتحاد مقدس تاریخی در جنگ اخیر را بدانیم. دشمن همچنان مترصد فرصت برای ماجراجویی است.

کریس ملونی، بازیگر آمریکایی: رئیس‌جمهور ایالات متحده یک خطر روشن و آشکار برای آمریکاست.

حجت‌الاسلام محمد مهدی ایمانی‌پور، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی: رسانه‌های آمریکایی همچنان در صدد مدیریت پیامدها و تبعات تجمعات بی‌سابقه و گسترده ۱۸ اکتبر امسال با عنوان «نه به پادشاه» هستند. صورت مسئله گویاست: جامعه آمریکا از تضادها و تعارضات بنیادین و زیرساختی رنج می‌برد و این مسئله در حال تسری از سطح پنهان به سطح آشکار است. ایمانی‌پور تصریح می‌کند: بهتر است حکمرانان آمریکایی پیش از این ترس و وحشت خود از خیزش‌های عمومی در این کشور را اکتان نکنند!

۱۳ آبان و تحول میدان دیپلماسی ایران

از سفارت فیزیکی به سفارت پلتفرمی



واکنش به تحولات جهانی را بالا برده و می‌تواند در هر لحظه پیام رسمی و موضع خود را به اطلاع مخاطبان برساند. تجربه نشان داده است، حضور فعال و مقتدر در فضای دیجیتال، هم‌تراز با دیپلماسی سنتی، یکی از ستون‌های اصلی حفظ امنیت و منافع ملی ایران است.

در پایان، ۱۳ آبان دیجیتال نمونه‌ای است از توانایی ایران در انطباق با فناوری‌های نوین و تبدیل تهدیدها به فرصت؛ از ساختمان سفارت تا پلتفرم‌های آنلاین، ایران نشان داده که می‌تواند میدان‌های تقابل را به نفع خود مدیریت کرده و حضور مقتدر خود را در عرصه جهانی تثبیت کند.

نفوذ و جنگ روایت‌هاست. حساب‌های رسمی ایران نه تنها اطلاعات دقیق و به‌روز را منتشر می‌کنند، بلکه با استفاده از پلتفرم‌ها و ابزارهای دیجیتال، پیام ایران را به شکل گسترده و مستقیم به مخاطبان داخلی و خارجی می‌رسانند. این ابزارها به کشور امکان می‌دهند بدون وابستگی به واسطه‌ها، امنیت اطلاعات و هویت خود را حفظ کنند.

این تحول نه فقط تغییر تکنولوژیک است، بلکه تغییر ماهیت قدرت و تأثیرگذاری ایران در عرصه بین‌المللی است. همان‌طور که در ۱۳ آبان ایران با تسخیر سفارت، پیام خود را به جهان منتقل کرد، امروز با مدیریت هوشمندانه پلتفرم‌های دیجیتال، قادر است نفوذ و فشارهای خارجی را کنترل کند و خود را به مثابه بازیگری مقتدر نشان دهد.

ایران با بهره‌گیری از این ابزارها، سرعت

سرویس‌های پیام‌رسان پیش می‌برند. حساب‌های رسمی ایران در پلتفرم‌های جهانی، به جای دیوارهای سفارت، نقش «سفارت پلتفرمی» را ایفا می‌کنند. این تغییر امکان پاسخ سریع و مؤثر به فشارها و تحرکات خارجی را فراهم کرده است.

همچنین ایران با بومی‌سازی ابزارهای دیجیتال، توانسته است کنترل روایت‌های داخلی و خارجی را به دست گیرد. تحلیل داده‌ها و مدیریت انتشار محتوا به ایران اجازه می‌دهد، هم‌زمان با تقویت دیپلماسی رسمی، حضور خود در فضای سایبری را تقویت و فشارهای رسانه‌ای را خنثی کند. بر خلاف گذشته که سفارتخانه‌ها مرکز اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بودند، امروز پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی جایگاه مرکزی دیپلماسی ایران پیدا کرده‌اند.

یکی از نکات مهم، مقابله ایران با عملیات

مهدیه چوپانی

دبیر گروه مجازستان



بیش از ۴۰ سال از واقعه ۱۳ آبان می‌گذرد؛ روزی که تسخیر سفارت آمریکا در تهران، نقطه‌ای کلیدی در تاریخ دیپلماسی ایران بود؛ اما امروز میدان مقابله با فشار خارجی تغییر کرده است. ساختمان‌ها و دیوارها دیگر تنها عرصه رقابت نیستند و ایران با حضور فعال در فضای دیجیتال، ابزارهای جدیدی برای پیشبرد سیاست‌های خود در اختیار دارد.

وزارت امور خارجه و نهادهای مرتبط، مدیریت پیام‌ها و روایت‌های سیاسی را به شکل مستقیم از طریق شبکه‌های اجتماعی و

گزارش

ژئوپلیتیک نیمه‌هادی

مروری بر ماجرای جنگ بر سر تراشه‌ها و جایگاه ایران

گروه مجازستان

صبح صادق

جنگ تراشه میان ایالات متحده و چین، از سطح یک رقابت صنعتی فراتر رفته و به هسته سخت سیاست بین‌الملل تبدیل شده است. نیمه‌هادی امروز همان جایگاهی را دارد که در قرن بیستم نفت داشت، هرکه زنجیره آن را کنترل کند، مسیر قدرت نظامی، مالی و فناوریانه را تعیین می‌کند. تصمیم آمریکا برای محاصره تراشه‌ای چین از ممنوعیت صادرات تجهیزات لیتوگرافی تا تحریم شرکت‌های ملی چین و متقابلاً سرمایه‌گذاری چند صد میلیارد دلاری پکن در خودکفایی نیمه‌هادی، در حقیقت نبرد بر سر آینده فرماندهی اقتصاد جهان است.

این جنگ نه فقط رقابت تجاری، بلکه مهار

ژئوپلیتیک است؛ زیرا هر پیشرفت در هوش مصنوعی، سلاح‌های هدایت‌پذیر، مخابرات امن، رمزنگاری کوانتومی و حتی حکمرانی پلتفرم‌ها، محدود به ظرفیت تراشه‌ای یعنی زیرساخت‌هاست. تحریم نیمه‌هادی، یعنی ضربه به مغز تمدن دیجیتال رقیب. از این رو سیلیکون‌ولی و شژن نه دو قطب صنعت، بلکه دو جبهه امنیت ملی‌اند.

در این میان، کشورهایی که نه قدرت مطلقه در این زنجیره دارند و نه می‌خواهند وابسته بمانند، مأموریت تازه‌ای پیدا کرده‌اند، جایگزین‌سازی در حلقه‌های میانی و جانبی زنجیره جهانی. امروز تولید تراشه یک زنجیره ساده نیست؛ از شن کوارتز تا لیتوگرافی EUV، از طراحی معماری تا پکیجینگ، از متریال آلومینا تا نرم‌افزار EDA، ده‌ها حلقه جداگانه دارد که هر حلقه می‌تواند «دیوار تحریم» یا

«پنجره فرصت» باشد. ایران در موقعیت تحریمی، نه می‌تواند وارد دو سر زنجیره (فناوری لیتوگرافی پیشرفته یا مالکیت پلتفرم جهانی) شود و نه باید منفعلانه منتظر بماند. پنجره عقلانی ایران نه در «سبقت»، که در جاگیری هدفمند است، مخابرات امن و کاربردهای صنعتی با وابستگی کم به تجهیزات تحریم‌پذیر؛ پکیجینگ و تست به‌عنوان حلقه‌ای که تحریم‌پذیری سخت‌تر و سرمایه‌گذاری اولیه پایین‌تر دارد؛ مواد و شیمی نیمه‌هادی گازهای ویژه که اتفاقاً مزیت نسبی شیمی - متالورژی ایران اجازه ورود به آن را می‌دهد و در نهایت کاربردهای مأموریت‌محور، یعنی ساخت تراشه نه برای بازار جهانی، بلکه برای حل مسائل اولویت‌دار ملی از جمله رادار، رمزنگاری، حسگرهای

نظامی، انرژی، شبکه‌های صنعتی از جمله اقداماتی است که می‌تواند به توسعه این فناوری در ایران کمک کند.

ژئوپلیتیک نیمه‌هادی یک پیام راهبردی روشن دارد و آن، اینکه کشورهای خارج از دو بلوک، اگر مکان خود را در زنجیره تعریف نکنند، دیگران جای آنها را تعریف خواهند کرد؛ یا به‌عنوان «مصرف‌کننده وابسته» یا «منطقه خلاق». در شرایطی که انرژی، مکانیک دقیق و ریاضیات قوی سه سرمایه‌سازی ایران است، ماندن بیرون از این بازی نه ممکن است و نه بی‌هزینه. دفاع فناوریانه قرن ۲۱، از تراشه شروع می‌شود و هر حلقه‌ای که ایران امروز در این زنجیره تصاحب کند، معادل یک بند ناف حیاتی از وابستگی آینده را می‌برد.

خبر خوب

ضربه‌گیر

کاهش آسیب‌های تصادفات جاده‌ای



در تصادفات جاده‌ای، بسیاری از آسیب‌ها ناشی از برخورد بدن سرنشینان با بخش‌های داخلی خودرو است. یک شرکت دانش‌بنیان ایرانی با استفاده از فناوری نانو موفق شده است نسل جدیدی از فوم‌های ضربه‌گیر پلیمری را تولید کند که می‌تواند میزان جراحات ناشی از تصادف را به‌طور چشمگیری

کاهش دهد. این فناوری تنها به حوزه خودروسازی محدود نیست و در بسته‌بندی داروهای حساس به دما کاربرد دارد، چرا که از تغییرات حرارتی جلوگیری کرده و مانع از فساد دارو در حین حمل‌ونقل می‌شود.

پژواک

فریب کاربران

شکایت استرالیا از مایکروسافت



کمسیون رقابت و مصرف‌کننده استرالیا (ACCC) از مایکروسافت به دادگاه شکایت کرده و این شرکت را به گمراه‌کردن حدود ۲/۷ میلیون کاربر متهم کرده است. مایکروسافت با افزودن ابزار هوش مصنوعی Copilot و افزایش ۴۵ درصدی قیمت، کاربران را به ارتقای اشتراک خود به پلن‌های گران‌تر سوق داده است. در بیانیه

ACCC آمده است، مایکروسافت گزینه ارزان‌تر بدون Copilot را پنهان کرده و بسیاری از کاربران تصور کرده‌اند نسخه جدید تنها گزینه ممکن است. این نهاد خواستار جریمه، بازپرداخت هزینه‌ها و دستور اصلاحی علیه مایکروسافت شده است.

نرم‌افزار

روزگار

رویدادها و مانی‌تورینگ



دستیار هوشمند «روزگار» اپلیکیشن ایرانی و رایگان ویندوز است که تقویم شمسی، مدیریت رویدادها و مانی‌تورینگ سیستم را در ویندوز یکپارچه می‌کند. این تقویم ایرانی با هدف ساده‌سازی زندگی کاربران ایرانی طراحی شده و هدف اصلی آن، تسهیل دسترسی

عموم به ابزارهای مدیریت زمان بر پایه تقویم شمسی است. این برنامه برای عموم منتشر شده و تنها هدفش، کمک به کاربران برای استفاده آسان از امکانات آن است.

علیه زن، زندگی، سینما



آرش فهیم
دبیر گروه فرهنگ

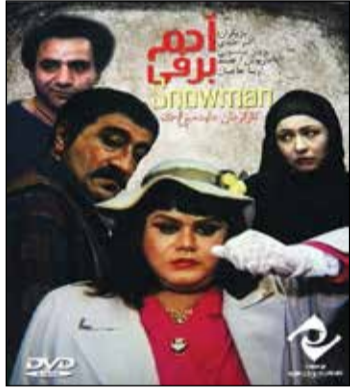
در طول تاریخ سینما، پدیده «مخالف پوشی» برای ایجاد موقعیت کم‌دی، درام و زیر سؤال بردن مفاهیم ثابت جنسیتی به کار رفته است. شاید مهم‌ترین تجربه در این زمینه، «بعضی‌ها دانش رو دوست دارند» اثر «بیلی وایلر»، از کارگردان دوره کلاسیک هالیوود باشد که در آن دو مرد با ظاهر زنانه، ماجراهایی را از سر می‌گذرانند. سینمای ایران نیز هم پیش از انقلاب و هم از دهه ۷۰ شمسی آثاری با حضور مردانی با ظاهر زنانه و این اواخر، زنایی بسا لباس مردانه عرضه کرده است. اولین تجربه جدی در این زمینه بعد از انقلاب، فیلم «آدم برقی» داوود میرباقری بود که طی آن اکبر عبدی در نقش یک زن ظاهر شد. نکته جالب این است که اکبر عبدی تا مدت‌ها پای ثابت زن پوشی در فیلم‌های ایرانی بود، اما بعدها بازیگران دیگری به طور خاص در ژانر کم‌دی، با ظاهر زنانه نمود یافتند. بازی مردها با ظاهر زنانه در آثار طنز و بیشتر با هدف ایجاد موقعیت کمدیک انجام گرفته است، اما مردپوشی زنان اغلب در فیلم‌های تراژیک و با موضوعات اجتماعی صورت گرفته است. مثل سریال «ساعت شنی» که در آن آرزینا حاجیان در نقشی یک مرد بازی کرد یا فیلم «آمین خواهیم گفت» که آناه‌زارعی، ایفاگر نقش یک پسر نوجوان بود و... به تازگی نیز الناز شاکردوست با ظاهری مردانه در فیلم «کج پيله» بازی کرده است.

مسئله اصلی این است که زن پوشی بازیگران مرد (مانند نقشی که به تازگی عطاران با پوشش زن بازی کرده) اغلب با استقبال و خنده عمومی همراه است و به یک سنت کم‌دی تبدیل شده، در حالی که مردپوشی بازیگران زن (مانند شاکردوست) با حساسیت‌های فراوان و واکنش‌های دوقطبی، حتی تا مرز توقیف در برخی مناطق، روبه‌رو می‌شود.

زن پوشی در سینما و هنرهای نمایشی ایران گویی پذیرفته شده است. البته این پدیده در سنت‌های کهن ریشه دارد که عمدتاً به دلیل ممنوعیت یا محدودیت حضور زنان بر صحنه شکل گرفت. برای نمونه، در تعزیه گاهی مردان در نقش زن بازی می‌کردند، چون در گذشته، قرار گرفتن خانم‌ها در این نوع نمایش‌ها و در خیلی از اقلیم‌ها و اقوام با محدودیت همراه بود؛ اما در سینما، نقش آفرینی یک مرد با ظاهر زنانه، علاوه بر یک

تمهید ساده و دم دست برای ایجاد موقعیت کم‌دی، نوعی سوءاستفاده جنسی هم هست، چون یک نوع دور زدن خطوط قرمز هم به شمار می‌آید. برای نمونه، در فیلم «لازانيا» ارژنگ امیرفضلی در نقشی زنانه ظاهر می‌شود که به خودی خود بار طنزآمیز دارد، اما به غیر از آن، تعامل عاشقانه‌ای که بین او و جواد رضویان شکل می‌گیرد، حامل معنا و فضایی اروتیک است که به واسطه اینکه سوژه عشق یک مرد است، گویی از سوی نهاد ناظر، این رابطه هیچ اشکالی ندارد، در صورتی که در همان موقعیت اگر یک زن قرار می‌گرفت، قطعاً با واکنش تند مراجع قانونی و همچنین بخشی از جامعه مواجه می‌شد. در واقع، مخالف پوشی به منزله یک راهکار آسان برای دور زدن ممیزی‌ها در نمایش موقعیت‌ها و دیالوگ‌هایی بسه کار می‌رود که حضور واقعی زن در آنها با محدودیت همراه است.

اما نکته مهم در این طیف از فیلم‌های کم‌دی، ضد زن بودن است؛ چون در بیشتر موارد، شخصیت



زن پوش، با رفتار و شخصیتی اغراق‌آمیز، عشوه‌گر، ساده‌لوح یا هیستریک به تصویر کشیده می‌شود. این شیوه بازنمایی، به جای ایجاد همدلی یا حتی نقد عمیق، به بازتولید کلیشه‌های زن‌ستیزانه کمک می‌کند. در این فرآیند، بدن و چهره زنانه به یک ابزار کاریکاتوری برای تولید خنده فرو کاسته می‌شود و این خود، بزرگ‌ترین آسیب جامعه‌شناختی زن پوشی در آثار کم‌دی است. مخالف پوشی بازیگران زن، یک مسئله متفاوت است. همان طور که گفته شد، ظاهر شدن بازیگران مرد با شماایل مونت، عمدتاً در آثار کم‌دی و به‌عنوان یک شوخی اتفاق افتاده است، اما نمود بازیگران زن با هیبت مردانه، اغلب در آثار جدی و اجتماعی رخ داده است. نکته مهم و تأمل برانگیز در این زمینه این است که یکی از جریان‌های فعال در جامعه شهر و شنفتگری ایران خاصه میان فمینیست‌ها، بر هم زدن طبیعت زنانه بوده است. فارغ از ظلم‌ها و سوءاستفاده‌هایی که در این گرایش فمینیستی و به‌ظاهر



مردپوشی زن در آثار نمایشی به طور نمادین به معنای عبور از زنانگی و یافتن قدرت، اقتدار و آزادی عمل مردانه است؛ امتیازاتی که در یک ساختار - به زعم فمینیست‌ها - پدرسالار، از زن سلب شده است. وقتی یک زن به جای مرد، در قالب فاعل و عامل قدرت ظاهر می‌شود، این جابه‌جایی نمادین نظم جنسیتی در جامعه را تهدید می‌کند.

حضور یک بازیگر زن در قالب یک شخصیت مرد، با سر تراشیده یا چهره‌ای پر از ریش و سیبیل، ناخودآگاه یک نوع دور زدن زنانگی و رفتار مردانه نزد بانوان را ترویج و تسهیل می‌کند.

رویکرد به مخالف پوشی جنسیتی در سینمای ایران را می‌توان با اهداف تبلیغی و تجاری دانست. چنانکه درباره فیلم «کج پيله» صحنه‌های مصافحه بازیگران که هر دو زن هستند اما در فیلم، دو جنس مخالف، فقط در تیزر تبلیغی دیده می‌شود و در خود فیلم وجود ندارد که نوعی بهره تبلیغی از حضور بازیگر زن در جایگاه مرد است.

برداشت

نگاهی به سریال «الگوریتم»

به‌روزرسانی گونه پلیسی در تلویزیون

مهدی امیدو

خبرنگار

سریال «الگوریتم» قصد دارد ژانر پلیسی را در تلویزیون ایران به‌روزرسانی کند و در عین پایبندی به مؤلفه‌های کلاسیک این گونه، آن را با موضوعات و دغدغه‌های روز جامعه پیوند بزند. این سریال، تلفیق تبلیغی، فناوری دیجیتال و دغدغه‌های اجتماعی است؛ ترکیبی که «الگوریتم» را به تجربه‌ای تازه در میان آثار معاصر تلویزیونی تبدیل کرده است.

مهم‌ترین ویژگی «الگوریتم»، انتخاب سوژه‌های تازه و معاصر است. برخلاف بسیاری از سریال‌های پلیسی داخلی که عمدتاً بر قتل، سرقت یا قاچاق تمرکز دارند، این اثر به حوزه جرایم سایبری و اقتصادی وارد می‌شود؛ تمرکز داستان بر جهان نامرئی فضای مجازی و روابط مالی پنهان، مخاطب را بسا نوعی از جرم روبه‌رو می‌کند که در ظاهر بی‌هیجان، اما در باطن عمیقاً تهدیدآمیز است. این تغییر زاویه نگاه، هم نشانه بلوغ فکری تیم تولید است و هم گامی برای نزدیک‌تر کردن تلویزیون به واقعیات جهان امروز است. فیلمنامه مجموعه، به قلم تیمی متشکل از نویسندگان جوان و مشاوران امنیتی، کوشیده است تعادلی میان منطق و هیجان برقرار کند. در این راستا، ساختار چندلایه و غیرخطی روایت، به «الگوریتم» کیفیت معمایی و رازآلود بخشیده است. داستان از یک پرونده پیچیده مرتبط با سایت‌های شرطبندی آغاز می‌شود؛ جایی که سرهنگ حبیب مستعدی مأمور زبده‌ای به نام سیاوش کیان را برای پیگیری پرونده‌ای بین‌المللی انتخاب می‌کند. تقابل



میان این کارآگاهان و شبکه‌ای تبهکارانه به رهبری شخصیتی مرموز به نام «سیمر» (در استانبول) به تدریج به بازی ذهنی بزرگی بدل می‌شود که در آن مرز خیر و شر به شکلی سیال تعریف می‌شود. از منظر شخصیت‌پردازی، «الگوریتم» برخلاف آثار مشابه تلویزیونی که غالباً تئیسازی می‌کنند، شخصیت‌هایی چندبعدی و خاکستری دارد. «سیاوش کیان» نه قهرمانی شکست‌ناپذیر است و نه مأموری صرفاً مأموریت‌محور؛ بلکه انسانی است گرفتار میان وجدان حرفه‌ای و فشارهای سازمانی. در مقابل، «سیمر» نیز تبهکاری تک‌بعدی نیست، بلکه بازیگری است در دنیایی پسر از تناقضات اقتصادی و اخلاقی. این نگرش، تا حد زیادی نتیجه ترجیح واقع‌گرای بر کلیشه است؛ انتخابی

که به باورپذیری اثر یاری رسانده است. میرباقری، کارگردان این سریال کاملاً آگاهانه از زبان سینمایی برای غنی‌سازی روایت تلویزیونی خود استفاده کرده است. دکوپاژهای سیال، تدوین پرشتاب و نورپردازی‌های تند و تضاددار، فضایی پراضطراب و دلهره‌آور پدید آورده‌اند که با مضمون سریال همخوانی دارد. استفاده از رنگ‌های سرد و بافت بصری دیجیتال، جهان اثر را از واقعیت بیرونی جدا می‌کند و آن را در محدوده یک دنیای سایبری شبه‌واقع‌نما قرار می‌دهد. از این منظر می‌توان گفت، «الگوریتم» بیش از آنکه صرفاً مجموعه‌ای داستان‌گو باشد، تلاشی برای بازتعریف زیبایی‌شناسی تلویزیون پلیسی در ایران است. در حوزه بازیگری، حضور چهره‌هایی چون محسن قصابیان، مهدی

مدافع حقوق زنان علیه زنان صورت می‌گیرد - از جمله بهره‌بری ساده جنسی و تبدیل زنان به نیروی کار ارزان و از بین بردن میل به داشتن خانواده و همسر و فرزند و... اما یکی از تمثیلات برخی از فمینیست‌ها، از بین بردن روحیات و ظواهر زنانه و سوق دادن بانوان به حالات و رفتاری شبیه مردان است؛ تا به این ترتیب، به ادعای خودشان، زنان را هم قوی و قدرتمند سازند! مردپوشی زن در آثار نمایشی به طور نمادین به معنای عبور از زنانگی و یافتن قدرت، اقتدار و آزادی عمل مردانه است؛ امتیازاتی که در یک ساختار - به زعم فمینیست‌ها - پدرسالار، از زن سلب شده است. وقتی یک زن به جای مرد، در قالب فاعل و عامل قدرت ظاهر می‌شود، این جابه‌جایی نمادین نظم جنسیتی در جامعه را تهدید می‌کند. به طور مثال، حضور یک بازیگر زن در قالب یک شخصیت مرد، با سر تراشیده یا چهره‌ای پر از ریش و سیبیل، ناخودآگاه یک نوع دور زدن زنانگی و رفتار مردانه نزد بانوان را ترویج و تسهیل می‌کند. در واقع، مردپوشی زن، به مخاطب یادآوری می‌کند که هویت جنسیتی چقدر می‌تواند برساخته، انعطاف‌پذیر و اکتسابی باشد. این مفهوم، چالشی جدی برای طبیعت انسانی ایجاد می‌کند که در آن مردانگی و زنانگی، دو قطب ذاتی است. بنابراین، مخاطب با پذیرش آن مقاومت بیشتری می‌کند، زیرا تلویحاً مرزهای هویت او را نیز به چالش می‌کشد.

با نگاه خوش‌بینانه می‌توان رویکرد به مخالف پوشی جنسیتی در سینمای ایران را با اهداف تبلیغی و تجاری دانست. چنانکه درباره فیلم «کج پيله» صحنه‌های مصافحه بازیگران که هر دو زن هستند اما در فیلم، دو جنس مخالف، فقط در تیزر تبلیغی دیده می‌شود و در خود فیلم وجود ندارد که نوعی بهره تبلیغی از حضور بازیگر زن در جایگاه مرد است؛ اما با نگاه بدبینانه نیز می‌توان این نوع حرکات را بخشی از فرآیند انقلاب جنسیتی در ایران دانست که هدف آن از بین بردن حرمت‌ها، جایگاه‌ها و رسوم در حوزه روابط زن و مرد و ایجاد نوعی آشوب و به هم ریختگی در حوزه هویت جنسی و جنسیتی نسل جدید است.

به طور کلی، پدیده مخالف پوشی در سینمای ایران بیش از هر چیزی یک تهدید علیه خود زنان، زندگی طبیعی انسان و همچنین خطری برای خود سینماست. سینمایی که ظرفیت و قابلیت طرح روایت‌های برتر و غنی از هنر و زیبایی را دارد، اما چنین رویکردهایی، فقط به حواشی و سطحی شدن و پسرفت سینمای ایران دامن می‌زند!

فرهنگ

شماره ۱۲۱۱ | دوشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۴



یادداشت

هنر ضد استکباری در عصر جهانی شدن

سعید رضایی

خبرنگار

جهان امروز بیش از هر زمان دیگری در چنبره شبکه‌های پیچیده سلطه و نابرابری قرار دارد. در این میدان، مقاومت نه یک انتخاب محلی یا جریسان منطقه‌ای، که به یک ضرورت جهانی تبدیل شده است. «هنر ضد استکباری» که در هویت اصیل انقلاب اسلامی و ستیز با ظلم ریشه دارد، امروز دیگر یک ژانر محدود نیست؛ بلکه به دلیل ماهیت جهان‌گستر استکبار، خود به یک جریان جهانی تبدیل شده است. این هنر به منزله سلاحی فرهنگی، وظیفه دارد با زبانی فراتر از مرزها، چهره واقعی امپریالیسم اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، و به‌ویژه رژیم آپارتاید صهیونیستی را در پهنه گیتی آشکار کند.

پدیده جهانی شدن، در حالی که ابزارهای سلطه را تسریع بخشیده، امکانات بی‌سابقه‌ای را نیز برای انتشار پیام مقاومت فراهم کرده است. تصاویر کاریکاتورها، نمادنگ‌های متعدد، فیلم‌های مستند و گرافیک‌های اعتراضی هنرمندان سراسر جهان، به سرعت قاره‌ها را درمی‌نوردند و صفوف مستضعفان را به یکدیگر پیوند می‌زنند. هنر ایران، به منزله پرچمدار و خاستگاه گفتمان ضد استکباری در دوران معاصر، در این آوردگاه جهانی وظیفه‌ای سنگین‌تر دارد.

هنرمند ایرانی نمی‌تواند پیام خود را در حصار روایت‌های صرفاً بومی محدود کند. باید از «زبان مشترک» رنج بشری سخن گفت؛ زبانی که کشتار کودکان در غزه را با ظلم اقتصادی در آمریکای لاتین و استعمار فرهنگی در آسیا هم‌صدا می‌کند. خلق آثاری با رویکرد جهانی به معنای تکرار شعارهای محلی نیست، بلکه به‌کارگیری فرم‌ها و مفاهیمی است که برای مخاطب غیرایرانی قابل فهم و تأثیرگذار باشد.

هنرمندان ما باید درک کنند که جبهه استکبار، با بهره‌گیری از هالیوود، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جریان اصلی، در پی مسخ واقعیت و ترویج «هنر برای هنر» یا هنر مصرفی است. در مقابل، هنر متعدد ایرانی باید

روایت حقیقت را بر سر عهده بگیرد و به جای ارائه تحلیل‌های صرفاً سیاسی، باید از قدرت داستان و احساس برای نمایش مظلومیت فلسطین، جنایات جنگی صهیونیسم و پشت پرده نظام امپریالیسم بهره برد.

استفاده هوشمندانه از ابزارهای نوین؛ زبان بصری (پوستر، کاریکاتور، انیمیشن) و قالب‌های جدید رسانه‌ای (ویدئونکست‌ها، مستندهای کوتاه، اینفلوئنسرهای متعدد) از توانایی ویژه‌ای برای جهانی شدن برخوردارند.

تولید محتوای بین‌المللی؛ برپایی جشنواره‌های بین‌المللی مانند مسابقات کاریکاتور ضد استکباری یا حمایت از تولیدات مشترک با هنرمندان جبهه مقاومت (مانند هنرمندان آمریکای لاتین و خاورمیانه) می‌تواند سهم ایران را در این جریان جهانی افزایش دهد.

بنابراین، هنر ضد استکباری در ایران، میراثی گرانبه‌ها و یک ظرفیت عظیم برای رهبری جریان روشنگری در جهان است. امروز فرصت تاریخی فراهم آمده است تا هنرمندان ایرانی، با شکستن مرزهای جغرافیایی و با تکیه بر آرمان‌های اصیل عدالت‌خواهانه، به زبان بین‌المللی رنج و مقاومت، ندای بیداری مستضعفان را به گوش جهانیان برسانند و بنیان‌های ظلم را به لرزه درآورند. این رسالت امروزین هنرمند متعهد انقلابی است.

تقویم انقلاب

خطر انسان‌هایی که شاخ دارند، اما عقل ندارند!

سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر



در تقویم تاریخی انقلاب اسلامی مورخ ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۶۲، جمعی از مسئولان و دست‌اندرکاران بنیاد شهید به همراه خانواده شهیدای حمله موشکی شهرهای نهبوند، مسجدسلیمان، اندیمشک، بهبهان و اعضای واحدهای گوناگون سپاه با امام خمینی (ره) ملاقات داشتند. حضرت امام راحل جمله‌ای از شهید مدرس نقل می‌کنند: «این سینا گفته است که من از گاو می‌ترسم برای اینکه شاخ دارد و عقل ندارد.» حضرت امام (ره) درباره این جمله چند نکته آموزنده را یادآوری می‌شوند که از جهاتی برای امروز هم درس است.

۱- منظور از کلمه «شاخ» عنصر دخیل در قدرت است. به عبارتی، به هر عنصر متشکله قدرت می‌توان اطلاق کرد؛ یعنی هر چه به منزله ابزار قدرت تلقی شود، از قبیل وسایل نظامی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... به دلیل اینکه اهل تهذیب نفس نیستند و هوای نفس بر آنها غلبه دارد، نمی‌توانند از ابزار قدرت با عقلانیت استفاده کنند.

۲- امام راحل در همین سخنان مصادیق آن را در جهان معاصر و جامعه خودمان ذکر می‌کنند و می‌فرمایند: «نکته‌ای هست که هم برای عزیزان سپاه و هم برای سایر قوای مسلح ما و هم برای همه‌کس مفید است و وضع دنیا را هم با این نکته می‌شود سنجید، این است که قدرت اگر به دست اشخاص غیر مهذب برسد، خطر دارد. قدرت خودش یک کمال است. خدای تبارک و تعالی قادر است، لکن چنانچه قدرت به دست اشخاص فاسد برسد همین کمال را به فساد می‌کشاند. دنیای امروز گرفتار این است که قدرت در دست اشخاصی است که از انسانیت بهره‌نند.»

۳- امروزه بسیاری از گرفتاری‌های بشریت در جهان معاصر از اینجا ناشی می‌شود که از عقل استفاده نمی‌کنند و مصادیق فراوانی را می‌شود برای آن ذکر کرد. از زمانی که استعمارگران جهان را برای خودشان به گونه‌ای تعریف و به کشورهای مرکز و کشورهای خودشان را به جهان الفاکردند.

۴- بر عکس آن، اگر قدرت و ابزارهای آن در دست انسان سالم، مهذب، با تقوا و متعهد باشد، صلح، امنیت، خدمت به مردم و انسانیت تحقق پیدا می‌کند. حضرت امام راحل در همین بیاناتشان تصریح کردند و فرمودند: «قدرت اگر در دست انسان کامل باشد، کمال برای ملت‌ها ایجاد می‌کند و اگر قدرت در دست انبیا باشد باعث می‌شود که سلامت در جهان تحقق پیدا کند، کمال در جهان تحقق پیدا نکند و چنانچه در دست زورمندان باشد که عاقل نیستند و مهذب نیستند، مصیبت به بار می‌آورد.»

۵- نکته دیگری هم امام (ره) در ادامه فرمایشاتشان یادآوری می‌شوند: «انگیزه در عمل است.» ایشان می‌فرمایند: «آن چیزی که میزان عمل است انگیزه عمل است، معنای عمل است» و در ادامه توصیه و تأکید دارند که: «همه انسان‌ها باید توجه به این معنا داشته باشند که قدرت را به جای خودش اعمال کنند. انبیا قدرت‌شان را به محل خودش انجام می‌دادند، حضرت موسی عصایش را می‌برد با فرعون مقابله می‌کرد، با دیگران با محبت بود، پیامبر اکرم (ص) قدرت خودشان را برای سرکشی شخصی که از جهات آدمیت خارج شده‌اند، از مرز انسانیت خارج شده‌اند و مردم را دارند به تباہی می‌کشند اعمال می‌کرد.»

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، رویدادی سرنوشت‌ساز در تهران به وقوع پیوست که روابط ایران و آمریکا را برای دهه‌ها تحت تأثیر قرار داد. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (ره) به نشانه اعتراض به عملکرد امپریالیستی آمریکا سفارت این کشور را که به جاسوس‌خانه تبدیل شده بود، تسخیر کرده و ۵۲ جاسوس حاضر در آن را به گروگان گرفتند. این بحران که ۴۴۴ روز به درازا انجامید، تا ۳۰ دی ۱۳۵۹ ادامه یافت و بخش عمده‌ای از تحولات آن در سال ۱۳۵۹ به وقوع پیوست.

«جان گراهام» سفیر بریتانیا در تهران، در گزارشی محرمانه به تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۵۹ فضای عمومی کشور را تحلیل کرد و نوشت: «در نوامبر گذشته [زمان آغاز اشغال سفارت آمریکا]، تعداد کمی از ایرانیان این اقدام را غلط شمرده و بیشتر آنان آمریکا را مسزوار آن می‌دانستند. «بنی‌صدر» از کسانی بود که علناً مخالف این اقدام بود، ولی او برای پایان بخشیدن به گروگان‌گیری راهی جز اقداماتی برای کاهش احساسات عمومی نداشت.» «دیویس ردوی»، دیپلمات جسون و تأثیرگذار سفارت بریتانیا نیز در گزارشی مفصل به کنفرانس مطبوعاتی ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رئیس‌جمهور ایران در ۷ بهمن ۱۳۵۸ پرداخت. به گفته ردوی، این نشست با تدابیر امنیتی بسیار شدیدی برگزار شد و خود او به دلیل جو سنگین اتهامات جاسوسی، با وجود داشتن مجوز از وزارت ارشاد ملی، ترجیح داد بدون عنوان رسمی در جلسه حاضر شود.

نکته برجسته در این نشست مطبوعاتی، به‌کارگیری عبارت «سفارت آمریکا» از سوی بنی‌صدر بود، در حالی که دیگر مقامات ایرانی از اصطلاح «لانه جاسوسی» استفاده می‌کردند. وی در پاسخ به گسترش تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران با زبانی آشنا اعلام کرد: «تحریم‌ها در کوتاه‌مدت مشکلاتی را برای ایران ایجاد می‌کند، ولی در درازمدت به سود کشور خواهد بود و ایران را مجبور به توسعه و اقتصاد متکی به خود خواهد کرد.»

بنی‌صدر همچنین با تشکر از دولت «پاناما» برای همکاری در مورد درخواست استرداد محمدرضا شاه، بر نقش آمریکا در حل بحران تأکید کرد و گفت: «حل مسئله گروگان‌گیری تنها برعهده ایران نیست و آمریکا نیز نقش مهمی در

نقش پنهان کانادا در تسخیر لانه جاسوسی!



این راه دارد. آمریکا باید تصمیم بگیرد که سیاست توسعه‌طلبانه خود را کنار بگذارد و به ایران اجازه دهد که جنایتکاران را در هر جا که هستند محاکمه کند، مشکل حل خواهد شد.» در طول این بحران، بازیگران بین‌المللی متعددی نقش آفرینی کردند. بریتانیا از طریق گزارش‌های محرمانه سفیر خود در تهران، کانادا با پناه دادن به دیپلمات‌های فراری، و دیگر کشورهای اروپایی با میانجی‌گری، هر یک به شکلی در این ماجرا دخیل بودند. افشاگری‌های بعدی نشان داد که نقش برخی از این بازیگران، فراتر از دیپلماسی رسمی بوده

است. برای نمونه، یکی از جنبه‌های کمتر شناخته شده این ماجرا، فرار مخفیانه شش آمریکایی از ایران بود. بر اساس گزارش سری، جان گراهام در ۹ بهمن ۱۳۵۸، این شش نفر - چهار کارمند کنسولی و دو همسرشان - در جریان حمله به سفارت موفق به فرار شده و ابتدا در مجتمع تاستانی سفارت بریتانیا در باغ قلهک پناه گرفته بودند. سپس با کمک دیپلمات‌های نیوزیلندی به سفارت کانادا انتقال یافتند. خروج مخفیانه آنان در صبح روز نهم بهمن، آخرین اقدام سفارت کانادا پیش از تعطیلی کامل و خروج «کن تیلور» سفیر این کشور از تهران بود.

- افشاگری‌های نشان داد که نقش برخی از این بازیگران، فراتر از دیپلماسی رسمی بوده است. برای نمونه، یکی از جنبه‌های کمتر شناخته شده این ماجرا، فرار مخفیانه شش آمریکایی از ایران بود.
- «رابرت رایست»، مورخ کانادایی، در کتاب «مأمور ما در تهران» پسرده از رازی بزرگ پرده برداشت. بر اساس اسناد منتشر شده، سفیر کانادا در تهران در دوران گروگان‌گیری، رسماً مأمور سازمان سیا بوده و سال‌ها از این بابت حقوق دریافت می‌کرده است.
- بر اساس گزارش‌های سری جان گراهام سفیر بریتانیا در تهران، در ۹ بهمن ۱۳۵۸، شش نفر - چهار کارمند کنسولی و دو همسرشان - در جریان حمله به سفارت موفق به فرار شده و ابتدا در مجتمع تاستانی سفارت بریتانیا در باغ قلهک پناه گرفته بودند. سپس با کمک دیپلمات‌های نیوزیلندی به سفارت کانادا انتقال یافتند. خروج مخفیانه آنان در صبح روز نهم بهمن، آخرین اقدام سفارت کانادا پیش از تعطیلی کامل و خروج «کن تیلور»، سفیر این کشور، از تهران بود.

سی سال پس از این رویدادها، «رابرت رایست» مورخ کانادایی، در کتاب «مأمور ما در تهران» از رازی بزرگ پرده برداشت. بر اساس اسناد منتشر شده، سفیر کانادا در تهران در دوران گروگان‌گیری، رسماً مأمور سازمان سیا بوده و سال‌ها از این بابت حقوق دریافت می‌کرده است.

موقعیت «بروس لینگن» کاردار آمریکا، از دیگر موارد ویژه این بحران بود. او در زمان حمله به سفارت، به همراه دو همکارش در وزارت امور خارجه ایران مشغول مذاکره بود. در طول مدت گروگان‌گیری، لینگن عملاً در حبس خانگی به سر می‌برد و اگرچه از طریق دیپلمات‌های بریتانیایی، سوئیسی، دانمارکی و هلندی با واشنگتن در ارتباط بود، اما حق خروج از ایران را نداشت. این محدودیت تا آنجا پیش رفت که بر اساس سند سری ۱۳ بهمن ۱۳۵۸، لینگن در آستانه سالگرد انقلاب قصد داشت شخصاً برای آیت‌الله خمینی نامه بنویسد و تقاضای آزادی کند، اقدامی که با مخالفت سفیر دانمارک و بریتانیا انجام نشد.

افشای پی در پی اسناد سفارت آمریکا از سوی دانشجویان، همواره به تشدید بحران دامن می‌زد. برای نمونه، یکی از مقامات آمریکایی به نام «پرشت» که اواخر اکتبر ۱۹۷۹ - تنها چند روز قبل از اشغال سفارت - به تهران سفر کرده و با شخصیت‌های مهمی از جمله مهدی بازرگان، ابوالحسن بنی‌صدر، حسن نزیه، رضا صدر، حسینعلی منتظری و محمد بهشتی دیدار کرده بود، نگران انتشار گزارش این ملاقات‌ها بود.

در دیدار روز ۹ اسفند ۱۳۵۸، رئیس میز ایران در وزارت خارجه آمریکا با «نیکلاس هنرسون»، سفیر بریتانیا در واشنگتن، «پرشت» از یک‌سو از منتشر نشدن گزارش این دیدارها ابراز تعجب کرد و از سوی دیگر از کشف و انتشار برخی از ملاقات‌های محرمانه او در تهران، به ویژه دیدارش با اعضای شورای یهودیان و یکی از رهبران بهایی در ایران اظهار نگرانی عمیق کرد.

از نیمه مارس ۱۹۸۰، گزارش‌هایی از واشنگتن درباره احتمال اقدام نظامی غافلگیرکننده برای آزادسازی گروگان‌ها شنیده می‌شد. در این برهه، سیاست آمریکا به سمت عدم مشورت با متحدان اروپایی و پرهیز از مشورت‌های بی‌پایان حرکت می‌کرد. این رویکرد، نشان‌دهنده عزم واشنگتن برای حل بحران از طریق اقدام مستقل بود.

دهلیز

وداع با انقلاب!

آیا بازرگان در اعتراض به تسخیر لانه جاسوسی کناره‌گیری کرد؟

در کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت» می‌گوید: «بعداً گروه‌های چپی و افراطی مخالف اصرار داشتند که استعفای دولت موقت را «سقوط دولت موقت» بنامند و معلول گروگان‌گیری و افشاگری بدانند، در حالی که روز قبل از اشغال سفارت، استعفا به تصویب هیئت دولت رسیده و دو هفته پیش از آن شورای انقلاب گزارش شده بود که اگر اخلاص‌گری‌ها و تعدد مراکز تصمیم‌گیری جای خود را به همکاری صمیمانه و یکپارچه شدن دولت و شورای انقلاب و مقام‌هبری ندهد، وزرا فشار می‌آورند و دولت موقت خود را ناچار می‌بیند که کنسار بسرد. عمل گروگان‌گیری دانشجویان کوچک‌ترین تأثیری در تصمیم دولت موقت و تقدیم استعفای قطعی برای امام را نداشت، ولی از چندی قبل، مخصوصاً بعد از مسافرت الجزایر و به بهانه ملاقات با «برژینسکی»، مشاور امور امنیتی دولت آمریکا، برای بدنام کردن و برکنار نمودن دولت موقت نقشه کشیده و تبلیغات و تحریکات حساب شده وسیع در صدا و سیما و در بعضی محافل روحانی و حزبی مؤثر به راه افتاده بود.»



حافظه

سرایت به آمریکا!

مروری بر امتداد استعمارگری در قرن بیستم

نظیر حکومت موبوتو در آفریقا و مارکوس در فیلیپین و سرانجام با بمباران اتمی هیروشیما و کشتارهای عراق نمایان شده است، کافی است فقط به چند واقعه در سال‌های اخیر اشاره کنیم که عبارتند از: چهار میلیون نفر در ویتنام، دویست هزار نفر در تیمور شرقی با حمایت ایالات متحده، دویست هزار نفر در آمریکای لاتین از طریق «مشتریان» ایالات متحده، بیست هزار نفر در لبنان بدون کمترین مجازات در سایه «وتو» ایالات متحده، صدها هزار نفر در فیلیپین، دویست هزار نفر در آمریکای مرکزی و...؛ اینها چند نمونه کوچک از فجاج بزرگ و بی‌شمار آمریکاست!

تنها در نیمه دوم قرن بیستم، ایالات متحده آمریکا حدود ۱۰۰ کودتای نظامی و براندازی حکومت‌ها را طراحی و رهبری کرده است و ده‌ها بار به طور مستقیم به اشغال نظامی کشورها دست زده یا آنها را به مداخله نظامی تهدید کرده است. از جنگ جهانی دوم، کشورهای زیرسلطه، صحنه اصلی دخالت‌ها و کودتاهای نظامی یا شبه کودتا و ضد کودتا و استقرار دیکتاتوری‌های نظامی بوده‌اند. به سادگی می‌توان برآورد کرد که کاربرد گسترده شیوه‌هایی چون تهدید، کودتا، اشغال نظامی و غیره، تا چه اندازه به استقلال کشورها و به فرایند تصمیم‌گیری دولت‌ها صدمه و زیان می‌زند.

بازخوانی تأثیر استکبارستیزی در روند افول آمریکا به بهانه روز ملی مبارزه با استکبار

مقاومت و آغاز افول استکبار

روز، خط تقابل میان دو گفتمان شکل گرفت؛ استقلال و عزت در برابر سلطه و مداخله.

♦ کلاس درس مقاومت و زمینه‌سازی افول

روز ۱۳ آبان نه فقط یک یادبود تاریخی، بلکه نشانه‌ای دائمی از تقابل دو جهان‌بینی است؛ جهان‌بینی توحیدی و انقلابی که استقلال و کرامت انسان را می‌طلبد، و جهان‌بینی طاغوتی و استکباری که سلطه و وابستگی را تداوم می‌بخشد. مسلماً، گرامی‌داشت این روز، یعنی طرف حق، توحید و رویکرد انقلابی ایستادن است و جانب عقلانیت و آگاهی در برابر فریب قدرت را نگه داشتن است و این، یعنی زمینه‌سازی برای افول قدرتی که بعد از جنگ جهانی دوم ادعای یگانگی در نظم‌دهی به جهان را داشته‌وبه سختی مقابل هر قدرتی که بخواهد مقابل آن قد علم کند، ایستاده است.

♦ از افول گفتمانی تا افول قدرت

گفتمان استکبارستیزی انقلاب اسلامی امروز سبب شده است بسیاری از کشورها و جنبش‌ها در برابر استکبار که مصادق آن آمریکااست، صف‌آرایی کنند. این مسئله به افول گفتمانی آمریکا و به تبع آن افول قدرت این کشور در سطح جهانی منجر شده است. یکی از مصادیق این افول امروزه در درون آمریکا تداعی پیدا کرده که مردم این کشور نسبت به مقامات سیاسی آمریکا و اقدامات آنها اعتراض‌هایی دارند که تا قبل از توقف جنگ غزه، این مسئله خود را در قالب حمایت از رژیم صهیونی نشان داد و امروزه این اعتراض‌ها به حوزه سیاسی و شخص رئیس‌جمهور آمریکا کشیده شده است که نمونه آن اعتراض‌های ۷ میلیونی به ترامپ و جنبش نه‌به‌پادشاهی علیه ترامپ است. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در دیدار اخیرشان با جوانان مدال‌آور ورزشی و المپیادی به این اشاره داشتند که یکی از مصادیق افول آمریکا، وجود چنین شخصیتی در قامت رئیس‌جمهوری آمریکاست که توان پاسخ‌گویی به اعتراضات مردم کشورش را ندارد، اما می‌خواهد برای دنیا نسخه‌پیچد! درباره علل اعتراض‌های اخیر علیه ترامپ که با عنوان «نه‌به‌پادشاهی»! در ۲۷۰۰ شهر آمریکا شکل گرفته، می‌توان به نکات تأمل‌برانگیز زیر اشاره کرد:

♦ **تسخیر سفارت، فقط یک اقدام اعتراضی نبود؛ نماد شکستن هیمنه ابرقدرتی بود که خود را مالک مطلق جهان می‌دانست.** اسناد لانه جاسوسی نشان داد که سفارت آمریکا نه یک نمایندگی سیاسی، بلکه اتاق فرمان توطئه و طراحی برای مهار انقلاب اسلامی بود.

♦ **۱۳ آبان نه فقط یک یادبود تاریخی، بلکه نشانه‌ای دائمی از تقابل دو جهان‌بینی است؛ جهان‌بینی توحیدی و انقلابی که استقلال و کرامت انسان را می‌طلبد و جهان‌بینی طاغوتی و استکباری که سلطه و وابستگی را تداوم می‌بخشد.**

♦ **یکی از مصادیق این افول امروزه در درون آمریکا تداعی پیدا کرده که مردم این کشور نسبت به مقامات سیاسی آمریکا و اقدامات آنها اعتراض‌هایی دارند که تا قبل از توقف جنگ غزه، این مسئله خود را در قالب حمایت از رژیم صهیونی نشان داد**



محمدرضا فرهادی

کارشناس سیاسی

چند سالی است که بحث «افول آمریکا» به یکی از مباحث و مسائل اصلی تبدیل شده که هم در داخل آمریکا به ویژه میان اندیشمندان آمریکایی مطرح می‌شود و هم از دال‌های گفتمان امامین انقلاب بوده است. طبیعی است که ساحت بحث این دو گروه، با هم متفاوت است؛ یعنی فیلسوف، جامعه‌شناس یا اندیشمند مردم‌شناس آمریکایی اگر بحث افول آمریکا را مطرح می‌کند از یک نگرانی و دغدغه‌ای می‌گوید و آسیب‌شناسانه به دنبال کشف علل و دلایل و به تبع آن ترمیم و تقویت نظام سیاسی آمریکا به مثابه قدرت جهانی است، اما دیدگرانی اگر افول را مطرح می‌کنند، دقیقاً آن را محصول اندیشه و کنش حکمرانی سرمایه‌محور و لیبرال‌مسلك فلسفه سیاسی آمریکایی می‌بینند. حال در آستانه ۱۳ آبان و ورود به پارادایم استکبارستیزی که خود محصول تفکر انقلابی امام خمینی (ره) و تداوم آن در اندیشه‌رهبر حکیم انقلاب است، باید ببینیم استکبارگری آمریکا چه نسبتی با افول آن برقرار می‌کند!؟

♦ ۱۳ آبان؛ هویت‌ساز استکبارستیزی و افول

۱۳ آبان در تقویم انقلاب اسلامی فقط یک روز نیست؛ بلکه فصل مشترک سه قیام و سه روایت از ایستادگی ملت ایران در برابر استکبار است. بنابراین، گراف نیست اگر ادعا کنیم روند افول نظام سلطه و استکباری آمریکا دقیقاً با نخستین فریاد ۱۳ آبان در سال ۱۳۴۳ آغاز شد؛ آن‌گاه که امام خمینی (ره) سخنرانی کوبنده‌ای را علیه لایحه کاپیتولاسیون ایراد کرد؛ اگرچه پیرو این اعتراض امام(ره) به ترکیه تبعید شدند، بلزهای انقلابی اسلامی و سترگ را در دل‌ها کاشتند که ۱۵ سال بعد با پیروزی انقلاب اسلامی که خود بزرگ‌ترین ضربه به وجهه ابرقدرتی آمریکا بود، ثمر داد و انقلاب کانون و محور افول آمریکا در ایران و منطقه مهم غرب آسیا به‌عنوان چهارراه تحولات جهانی تبدیل شد. البته این محوریت ابتدا با صدور و نفوذ معنوی پیام انقلاب در دنیا کلید خورد و امروز به محور ائتلاف و جبهه مقاومت منطقه‌ای تبدیل شده است. دومین خروش، در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ از دل دانشگاه تهران برخاست؛ روزی که دانش‌آموزان و دانشجویان معترض به حضور آمریکا در ایران، در برابر گلوله‌های رژیم پهلوی ایستادند و خون‌شان بر سنگفرش دانشگاه نشست. آن روز، جوانان ایرانی فریاد زدند: «مرگ بر شاه»، «مرگ بر آمریکا». این شعار، نه از سر هیجان، بلکه از دل تجربه‌ای تاریخی بیرون آمده بود؛ تجربه‌ای از کودتای ۲۸ مرداد، از سلطه نظامی و فرهنگی آمریکا بر ایران، و از فقر و تحقیر ملتی که نقش را می‌برند و عزتش را لگدمال می‌کردند. اما سومین فریاد، در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، به اوج خود رسید؛ زمانی که دانشجویان پیرو خط امام(ره) با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، به تعبیر امام خمینی (ره)، انقلاب دوم را رقم زدند. تسخیر سفارت، فقط یک اقدام اعتراضی نبود؛ نمادشکستن هیمنه ابرقدرتی بود که خود را مالک مطلق جهان می‌دانست. اسناد لانه جاسوسی نشان داد که سفارت آمریکا نه یک نمایندگی سیاسی، بلکه اتاق فرمان توطئه و طراحی برای مهار انقلاب اسلامی بود. از همان

♦ تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین - ۱۵۱

تبیین عملی

افتخارآفرین امروز برای آینده نظام اسلامی در شرایطی است که کشور از یک سو باید متناسب با دستور کاری که نظام در گام دوم انقلاب برای تمدن‌سازی و تحولات پرشتاب منطقه‌ای در نظر گرفته، حرکت کند و از سوی دیگر، صیانت کند دشمنان غدار این ملک و ملت که در جنگ سخت و فیزیکی ۱۲ روزه علیه ایران عزیز ناکام بوده‌اند نتوانند با فعال‌سازی فاز جنگ شناختی و دروغ‌باغی صحنه را تغییر داده و جای پیروز و بازنده میدان را عوض کنند.

این یعنی جهاد تبیین در برابر جنگ شناختی دشمن برای تغییر دادن واقعیت‌ها و حقایق. گاهی نفس عمل یک دانشجوی یا یک ورزش‌کار و حتی یک کاسب خودش به جهاد تبیین تبدیل می‌شود. امروز که دشمن می‌خواهد تصویری خموده و ناامید از جوان ایرانی به دنیا القا کند، مسلماً ترسیم نشاط و پیشرفت و پیشروندگی و اقدامات محیرالعقول جوانان کشور خط بطلان بر طراحی دشمن می‌کشد. در یکی از تظاهرات‌های مردمی ۲۲ بهمن که دشمنان تهدید و تبلیغ کرده بودند مردم به دلیل نارضایتی مانند گذشته به کف خیابان نخواهند آمد، خبرنگاری از یکی از افراد در خیل عظیم مردمی پرسید در این سرمای بهمن چرا آمدی خیابان؟ پاسخ داد آمدن تا دشمن جای مرا پر نکند! این بصیرت و اقدام بهنگام آن فرد عامی خود جهاد عملی تبیین به شمار می‌آید که دشمن را ناامید می‌کند.



۱- اعتراض‌ها علیه ترامپ با شعار نه‌به‌پادشاه، ضمن نمایش اعتقاد مردم آمریکا به اینکه رئیس‌جمهور کشور مدعی دموکراسی در دنیا همچون پادشاهان مشی می‌کند، نشان از روند رو‌به‌افول آمریکا نیز هست؛ هم از حیث گفتمانی و هم از لحاظ مدیریت و نحوه حکمرانی سیاسی که پرستیژ آمریکا را به ریخته است!

۲- این اعتراض‌ها سومین اعتراض‌های گسترده به دولت ترامپ در طول یک سال اخیر است و تاکنون این گونه‌اعتراض‌هایی در طول تاریخ سیاسی آمریکا که در عرض یک سال، سه اعتراض بزرگ شکل گیرد، وجود نداشته است. مطابق آمار تازه منتشر شده از مرکز statista در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ از زمان ورودش به کاخ سفید تا ۳۰ سپتامبر، حدود ۸۰۰۰ اعتراض سیاسی، مانند تجمعات، نافرمانی‌های مدنی، اعتصابات دانشجویی و... به ثبت رسیده است. این عدد در دوره دوم حدود ۲۹۰۰۰ است؛ یعنی بیش از سه برابر!

۳- با وجود اعلام «تعطیلی دولت فدرال و ارسال نیروهای نظامی به برخی شهرهای دموکرات محور آمریکا» به عنوان علت اصلی اعتراض‌های اخیر، پیام پنهان یا گفتمانی این اعتراض‌ها به افول دموکراسی در مهد آن است و این، به رفتار اقتدارگرایانه ترامپ علیه دموکراسی برمی‌گردد که برخی از مقامات و شخصیت‌های دموکرات بارها درباره آن هشدار داده‌اند.

۴- این اعتراض‌ها و اتفاقات نشان می‌دهد جامعه آمریکا به یک جامعه دوگانه با شکاف‌های عمیق تبدیل شده است. جنبش مگای ترامپ در برابر جنبش‌های ضدترامپ‌نماد و سنبل این شکاف عظیم در جامعه آمریکایی است. طرفداران ترامپ یک بار هم در حمله به کنگره این شکاف و دوقطبی اجتماعی-سیاسی را به وجود آورده بودند!

♦ سخن پایانی

بدهی‌های آمریکا به بیش از ۳۷ هزار میلیارد دلار رسیده و آمریکا را به بزرگ‌ترین بدهکار جهان تبدیل کرده است. روند دلارزدایی در دنیا به سبب زیاده‌روی در کاربست ابزار تحریم (به تعبیر ریچارد نفیو معمار تحریم‌های آمریکا علیه ایران) و کاهش سالانه یک درصد از ارزش دلار نشانه دیگری از افول اقتصادی آمریکا در سطح جهانی است. البته نباید انتظار داشت که سقوط آتی آمریکا رخ دهد، اما مهم این است آمریکا در مقایسه با دوران اوج و فیصله‌بخشی به تحولات در روند تدریجی افول و کاهش قدرت قرار گرفته است.

♦ آفاق

ضوابط تفکر انقلابی - ۱۶

ظرفیت گذشتن از خود

سرخوردگی‌های شخصی و انتظارات برآورده نشده رخ داده است. گاه کسی احساس می‌کند که نظام به او بی‌اعتنایی کرده، یا آنگونه که شایسته بوده، به او میدان نداده است. همین احساسات، اگر با ایمان و عقل مهار نشوند، می‌توانند تمام سرمایه معنوی و سابقه انقلابی فرد را بر باد دهند. مسئله فقط درباره مسئولان یا چهره‌های شناخته شده نیست؛ در سطح عموم مردم نیز همین منطقی عمل می‌کند. هر کس که معیارش از «وظیفه‌گرایی» به «انتظار از نظام» تغییر کند، در معرض لغزش است. انسان انقلابی باید بداند که انقلاب، نه شرکت سهامی برای تقسیم امتیازها، بلکه جبهه‌ای برای دفاع از حق است. کسی که با روحیه مطالبه شخصی در این مسیر می‌ماند، دیر یا زود در مواجهه با تصمیمی که به سود او نیست، از مدار انقلاب خارج می‌شود.

این مانع چهره‌ای پنهان دارد. انسان در لحظه رنج و بی‌مهری، به‌سختی می‌تواند میان «حق طلبی» و «خودمحوری» تمایز بگذارد. از همین‌رو، مهم‌ترین راه درمان آن، تمرین عبور از خود است. تمرینی که بسا دو اقدام ممکن می‌شود: نخست، یادآوری دائمی اینکه معیار قضاوت باید حق باشد، نه نفع شخصی؛ و دوم، مراقبت از نیت‌ها در هر اقدام اجتماعی و سیاسی. اگر نیت خدمت به خدا و مردم باشد، حتی ظلم دیگران نمی‌تواند مسیر انسان را تغییر دهد؛ اما اگر نیت پنهان، «اعتبار من» یا «تأیید من» باشد، کوچک‌ترین بی‌اعتنایی می‌تواند ایمان را بلرزاند.

۱۱

خرد

شماره ۱۲۱۱ | دوشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۴

صداقت

سیاست‌نامه

سیدمحمدباقر صدر- ۶۰

حاکمیت مردم

مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه سیاسی

مروری بر تئوری‌ها و اندیشه‌های سیاسی «شهید صدر» درباره جایگاه مردم در نظام سیاسی-دینی از یک سو مباحث ساختاری تئوری، همانند فرآیند قدرت، مرکز تصمیم‌گیری و قلمرو دخالت دولت، با تکیه بر آرای این فقیه مورد توجه قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، شأن و جایگاه مردم در نظام‌های مردمسالار دینی را نشان خواهد داد که از چه اهمیتی برخوردارند. نظام‌های مردمسالار امروزه در افکار عمومی جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. رژیم‌های استبدادی و دیکتاتوری در سراسر جهان با چالش‌های غیر قابل علاج روبرو هستند. تأمین حقوق اساسی مردم، تسلیم رأی اکثریت شدن، فراهم کردن زمینه مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش، کمترین مؤلفه‌هایی است که این رژیم‌ها باید به مردم خویش اعطا کنند. در نظام‌های دموکراسی که «مردم» محور تصمیم‌گیری‌ها بوده و دولت‌مردان تنها وظیفه اجرای بی‌کم و کاست آرای شهروندان را دارند، نقش مردم بسیار پررنگ و فراگیر شده است که البته این فرآیند نیز در جای خود نقض و ابرام‌های بسیاری دارد. نگاه «انسان‌محورانه» که امروزه در فرآیند شکل‌گیری و تداوم نظام سیاسی مبتنی بر اندیشه دموکراسی لیبرال مطرح است، پیامدهای منفی خودراهمواره‌به‌دنبال داشته است؛ مصالح معنوی انسان، آموزه‌های متعالی دینی، امور وحیانی و نگاه‌به فراسوی جهان مادیت در آن هیچ جایگاهی ندارد؛ در یک کلام، در این نظام انسان سرچشمه و محور تصمیم‌گیری‌هاست، اما در نظام مردم‌سالاری دینی از یک سو، رعایت اصول شریعت و از سوی دیگر، ارج‌گذاری به جایگاه مردم اهمیت دارد.

در نظام‌های سیاسی اسلام مردم از موقعیت شایسته و بی‌بدلی برخوردارند؛ رفتار معصومان(علیهم‌السلام) به‌ویژه شخص پیامبر اکرم(ص) و امیرالمؤمنین(ع) در فرصت‌هایی که قدرت را در اختیار داشته‌اند، گویای این حقیقت است. در این میسان، فقیه نواندیش و آگاه به مسائل سیاسی و اجتماعی‌ای همانند شهید صدر که دغدغه حکومت دینی‌اش زیانزد است، به‌صورت بسیار ممتاز و برجسته، به نقش و جایگاه مردم در حکومت دینی توجه کرده و به زیبایی، زوایای گوناگون بحث را با تکیه بر منابع دینی و سیره معصومان(ع) تبیین و تشریح کرده است. آیت‌الله شهید صدر یک سال پیش از شهادت و در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران در کتاب «الإسلام بقود الحیاة» نظریه «حاکمیت مردم با نظرات فقیه» را عرضه کرده است. در واقع این نظریه ترکیب دو نظریه پیشین و به یک معنا تلاشی است برای تلفیق جمهوریت با اسلامیت و مشروعیت مردم با مشروعیت الهی و هم‌سازکردن حاکمیت مردم و حقانیت هدایت الهی. خلاصه این نظریه این است که خلافت عامه، حق مردم است که خداوند به آنان اعطا کرده است. این خلافت بر اساس دو قاعده قرآن، یکی شورا و دیگری ولایت مؤمنین و مؤمنات بر یکدیگر به طور مساوی اعمال می‌گردد. برای نهادینه کردن دو قاعده یاد شده، دو قوه مقننه و مجریه در چارچوب قانون اساسی از سوی امت اداره می‌شود؛ اما وظایف مرجع از دیدگاه شهید صدر این است که در زمان نهضت، مرجعیت فارغ از وظیفه نظارتی، وظیفه‌اش بیدار کردن، هدایت انقلاب و تربیت مردم برای به عهده گرفتن وظیفه خطیر خلافت الهی است؛ حال آنکه نقش وی در زمان اقامه نظام بیشتر یک نقش نظارتی است تا اجرایی.

استراتژی بازگشت؟

نگاهی به موج تازه فضاسازی اصلاح‌طلبان علیه مجلس

در ماه‌های اخیر، فضای سیاسی ایران با افزایش انتقادهای اصلاح‌طلبان نسبت به مجلس شورای اسلامی پررنگ شده است. در حالی که جریان اصلاح‌طلب سهم کمی در این نهاد تصمیم‌گیر دارد، موج رسانه‌ای این انتقادها به شکلی هماهنگ و گسترده منتشر شده و در سطح افکار عمومی بازتاب یافته است. آنچه این موج را از انتقادهای معمول سیاسی متمایز می‌کند، تمرکز بر اهداف راهبردی و آماده‌سازی ذهنی برای انتخابات آینده است. بررسی دقیق این موج نشان می‌دهد جریان اصلاح‌طلب، با استفاده از رسانه‌ها و تحلیل‌های سیاسی، تلاش می‌کند هم دیده شود و هم جایگاه خود را در افکار عمومی بازسازی کند، بدون آنکه حضور رسمی در ساختار قدرت داشته باشد.

♦ بازتعریف جایگاه سیاسی در غیاب رسمی

پس از کاهش سهم اصلاح‌طلبان در مجلس و محدودیت دسترسی به نهادهای اجرایی، جریان اصلاح‌طلب به یافتن جایگاهی فعال در فضای سیاسی نیاز دارد. انتقادهای اخیر در رسانه‌های همسو، از جمله اعتماد، شرق و سازندگی، عمدتاً به ناکارآمدی مجلس و فاصله‌آن از مطالبات مردم اختصاص داشته است. این نوع نقدهای در ظاهر تحلیلی، در عمل ابزاری برای بازسازی اعتبار سیاسی به شمار می‌آیند. با انتشار مداوم تحلیل‌ها و یادداشت‌های انتقادی، جریان اصلاح‌طلب می‌تواند حتی بدون قدرت رسمی، خود را به منزله منتقد معقول و ناظر بر امور عمومی معرفی کند. از منظر استراتژیک، این تاکتیک دو هدف اصلی «فعال نگه داشتن بدنه اجتماعی و رأی‌دهندگان طرفدار» و «تثبیت تصویر اصلاح‌طلبان به عنوان گزینه‌ای لازم برای بهبود عملکرد نهادهای تصمیم‌گیر» را در بر دارد. این تاکتیک، افزون بر بازنمایی رسانه‌ای، نقش مهمی در حفظ دیده شدن جریان در افکار عمومی دارد و زمینه لازم برای بازگشت انتخاباتی را فراهم می‌کند.

♦ انتخابات پیش‌رو؛ زمینه‌سازی ذهنی و رسانه‌ای

زمان‌بندی این موج انتقادها تصادفی نیست؛ با نزدیک شدن به میان دوره‌ای انتخابات مجلس و شوراها، رسانه‌ها و تحلیلگران اصلاح‌طلب با انتشار یادداشت‌ها و تحلیل‌های متعدد، به دنبال آماده‌سازی افکار عمومی و ایجاد دوگانه ذهنی میان مجلس فعلی و اصلاح‌طلبان غایب هستند. مثلاً گزارش‌های تحلیلی در شرق و اعتماد به‌طور مکرر به «فقدان ارتباط نمایندگان با مردم» و «تمرکز بر منافع جناحی» اشاره کرده‌اند. این روایت‌ها، مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که تنها راه بازگشت به تعادل، حضور فعال اصلاح‌طلبان در نهادهای تصمیم‌گیر است. افزون بر این، رسانه‌ها با برجسته کردن نمونه‌های ناکارآمدی و تصمیمات بحث‌برانگیز مجلس، فضای رسانه‌ای را به سود اصلاح‌طلبان کنترل می‌کنند. این اقدام، نه تنها موقعیت جریان را در افکار عمومی تقویت می‌کند، بلکه امکان چانه‌زنی سیاسی و فشار نرم بر نهادهای انتخاباتی را نیز فراهم می‌آورد.

♦ نقدهای رسانه‌ای؛ ابزار دیده‌شدن و فشار نرم

انتقادهای رسانه‌ای اصلاح‌طلبان بیش از آنکه بر پایه شاخص‌های عملکردی باشد، بر بازنمایی سیاسی و هویت جریان تمرکز دارد. رسانه‌هایی مانند «سازندگی» و «اعتماد» مجلس را نهادی محافظه‌کار، کم‌کار و فاصله‌گرفته از مطالبات عمومی معرفی می‌کنند. این نوع بازنمایی، پیام روشن سیاسی دارد: «اصلاح‌طلبان به عنوان جریان منتقد و گزینه جایگزین، ضروری هستند». همچنین، رسانه‌ها با تحلیل‌های تکرار شونده و مستمر، تلاش می‌کنند حس تعلق بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان به جریان را بازسازی کنند. در واقع، نقدها نه تنها برای افکار عمومی، بلکه برای خود جریان نیز نقش انگیزشی دارند؛ حس فعال بودن و اثرگذاری را به اعضا و هواداران منتقل می‌کنند.

♦ انتقادها به مثابه ابزار چانه‌زنی سیاسی

انتقادهای اخیر جنبه‌ای چانه‌زانه و راهبردی نیز دارند. بسیاری از تحلیل‌ها و یادداشت‌ها، ضمن نقد عملکرد مجلس، پیامی غیر مستقیم به نهادهای تصمیم‌گیر ارسال می‌کنند. این پیام‌ها شامل لزوم بازنگری به‌عبارت دیگر، موج انتقادهای اصلاح‌طلبان یک پروژه چندلا به است که شامل رسانه‌ای برای دیده شدن، اجتماعی برای بازسازی اعتماد پایگاه و سیاسی برای فشار نرم و آماده‌سازی رقابت انتخاباتی را در بر می‌گیرد. این تحلیل نشان می‌دهد هدف اصلاح‌طلبان از انتقاد صرفاً اصلاح عملکرد نیست، بلکه طراحی و اجرای یک استراتژی بازگشت به صحنه سیاست است.

♦ واقعیت عملکرد مجلس و تحلیل اهداف

عملکرد واقعی مجلس نقاط قوت و ضعف مشخصی دارد، اما انتقادهای اخیر اصلاح‌طلبان عمدتاً بر نمایش رسانه‌ای و اهداف سیاسی متمرکز است تا بررسی عملکرد واقعی نمایندگان. این انتقادها بدون ارائه شاخص‌های ملموس و مستند، بیشتر به ابزار تبلیغاتی برای بازسازی جایگاه سیاسی جریان تبدیل شده‌اند. با وجود این، این راهبرد در کوتاه‌مدت موفقیت‌آمیز است؛ موج انتقادها توجه افکار عمومی را جلب کرده و گفت‌وگوهای رسانه‌ای درباره مجلس را به نفع اصلاح‌طلبان تغییر داده است؛ اما در بلندمدت، اگر این موج نقدها فاقد پشتوانه کارشناسی و عملیاتی باشد، ممکن است اعتماد عمومی را به جریان اصلاح‌طلب کاهش دهد و اهداف بازگشتی آنها تحت تأثیر قرار گیرد.

♦ پروژه بازگشت سیاسی در قالب نقد

مجموع شواهد نشان می‌دهد، موج انتقادهای اخیر اصلاح‌طلبان علیه مجلس، بیشتر یک پروژه سیاسی هدفمند برای بازسازی جایگاه و آماده‌سازی انتخابات آینده است تا نقد واقعی عملکرد مجلس. جریان اصلاح‌طلب با استفاده از رسانه‌ها، ایجاد حس تعلق بدنه اجتماعی و ارسال پیام‌های نرم به نهادهای تصمیم‌گیر، تلاش می‌کند خود را به منزله گزینه‌ای ضروری و فعال در عرصه سیاست معرفی کند. در نهایت، می‌توان گفت آنچه امروز از زبان اصلاح‌طلبان درباره مجلس شنیده می‌شود، نه صرفاً تحلیل عملکرد یک نهاد، بلکه بخشی از راهبرد بازگشت به میدان رقابت انتخاباتی است؛ راهبردی که موفقیت آن به توانایی جریان در ارائه نقد واقعی و تعامل مؤثر با جامعه بستگی دارد.

چه کسانی، چه گفتند؟

در هفته‌ها و ماه‌های اخیر، فضای رسانه‌ای اصلاح‌طلبان بار دیگر پر از نقدهایی تند نسبت به عملکرد مجلس شورای اسلامی شده است. از چهره‌های سیاسی باتجربه گرفته تا روزنامه‌نگاران نزدیک به این جریان، هریک به شکلی از ضعف مجلس، نحوه مدیریت آن و بی‌توجهی به مطالبات مردم سخن گفته‌اند. مجموعه‌ای از این مواضع که در رسانه‌های رسمی بازتاب یافته، اکنون به موجی قابل توجه در گفتمان اصلاح‌طلبان بدل شده است؛ موجی که برخی آن را «بازگشت انتقادی» برای آماده‌سازی انتخابات پیش‌رو می‌دانند.



لیاخوف ایرانی

«آذر منصوری» دبیرکل حزب اتحاد ملت ایران اسلامی، از نخستین چهره‌هایی بود که لحن انتقادی نسبت به مجلس یازدهم و ترکیب کنونی آن در پیش گرفت. او در گفت‌وگوهایی که با رسانه‌های اصلاح‌طلب داشت، تأکید کرد مجلس در سال‌های اخیر از وظایف اصلی خود فاصله گرفته و نقش نظارتی آن به‌شدت تضعیف شده است. به گفته منصوری، «نماینده مردم نباید درگیر بازی‌های جناحی شود و مجلس باید بازتاب خواست جامعه باشد، نه ابزار فشار سیاسی». این موضع، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌هایی، مانند «جهان‌نیوز» داشت و از آن به‌عنوان نشانه‌ای از «احیای انتقاد اصلاح‌طلبان از ساختار قدرت» یاد شد. این اظهارات و با فاصله‌ای کوتاه توثیق عجیب «لیاخوف فقط یک نام در تاریخ ایران نیست!» واکنش‌های زیادی داشت. در واکنش به سخنان منصوری، برخی چهره‌های اصولگرا او را به «تحلیل انتخاباتی زودهنگام» متهم کردند، اما منصوری تأکید داشت هدفش هشدار درباره روندی است که مجلس را از جایگاه واقعی‌اش دور می‌کند. او معتقد است، ساختار فعلی مجلس به جای پیگیری سیاست‌گذاری مؤثر، گرفتار شعارهای سیاسی شده است. این دیدگاه منصوری، یکی از محورهای اصلی نقدهای اصلاح‌طلبان در هفته‌های اخیر را شکل داد؛ یعنی «تأکید بر کاهش کارآمدی مجلس و فاصله گرفتن آن از نقش نمایندگی واقعی مردم.»



سایه سیاست

«محمد قوچانی»، روزنامه‌نگار و تحلیلگر باسابقه جریان اصلاح‌طلب، هم‌زمان با اوج‌گیری بحث‌های مربوط به عملکرد رئیس مجلس، با یادداشت‌ها و مصاحبه‌هایی تند وارد میدان شد. او در نوشته‌ای با عنوان «مجلس در سایه سیاست» در خبر آنلاین، رفتار رئیس مجلس و جهت‌گیری برخی نمایندگان را نشانه‌ای از «غلبه منافع جناحی بر منافع ملی» دانست.

قوچانی معتقد است، مجلس در برخی تصمیم‌ها، به‌ویژه در تعامل با دولت، از چارچوب عقلانیت سیاسی فاصله گرفته است و در مسیر رقابت‌های جناحی گام برمی‌دارد. او نوشت: «وقتی مجلس به جای حل مسئله، درگیر تثبیت موقعیت جناحی می‌شود، مردم اولین قربانی این سیاست‌زدگی‌اند.»

این موضع قوچانی، با استقبال بخشی از بدنه اصلاح‌طلب مواجه شد که او را از معدود صداهای صریح در نقد ساختار مجلس می‌دانند. با این حال، منتقدان اصولگرا ادعا کردند که قوچانی از تریبون رسانه‌ای خود برای تضعیف مجلس استفاده می‌کند.

در هر صورت، اظهارات او یکی از مؤثرترین واکنش‌های رسانه‌ای در میان اصلاح‌طلبان بود و مسیر سایر تحلیلگران را در پرداختن به موضوع عملکرد مجلس باز کرد.



وفاق یعنی فرار!

«سیدحسین مرعشی» دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی به تازگی با حضور در برنامه «سپهر سیاست» در پاسخ به سؤال مجری برنامه درباره «وفاق» بیان داشت: «وفاق یعنی فرار از شر مجلس.»

به نظر می‌رسد، این طیف سیاسی برخلاف شعارهای فریبنده خود که بر دموکراسی و مردم‌سالاری تأکید می‌کند، خواهان قدرت بی‌حد و حصر، بدون نظارت و در صورت خطا بدون بازخواست هستند؛ از این‌رو وجود و فعالیت مجلس شورای اسلامی به منزله یک نهاد تقنینی –نظارتی را برتابیده و این قوه را مزاحم تلقی می‌کنند.

از سوی دیگر، واژه «وفاق» که به شعار دولت چهاردهم مبدل شد، در اصطلاح به معنای «همگرایی» و «همدلی» و «همکاری» است؛ اما دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی این واژه را «حذف» معنا می‌کند.



سخنگوی مردم؟

«حسن روحانی» رئیس دولت یازدهم و دوازدهم نیز نسبت به قوانین مجلس شورای اسلامی و اعلام مواضع منتخبان مردم که بخشی از وظیفه نمایندگی است، واکنش نشان داد و اظهار داشت: «این روزها بحث می‌کنند که مجلس چه گفته یا چه تصمیمی گرفته، اما سؤال اینجاست که مجلس چه میزان از مردم را نمایندگی می‌کند و چه درصدی از آرای واقعی مردم را در اختیار دارد؟ حتی اگر فرض کنیم همه‌چیز از نظر قانونی درست است، یک نکته روشن است: ۸۰ درصد مردم با این تصمیم‌ها مخالفند. قانون‌گذاری برخلاف نظر اکثریت قاطع مردم، قانون نیست.»

روحانی در ادامه افزود: «وقتی ۹۰ درصد مردم با موضوعی مخالفند و گفته می‌شود مجلس رأی داده و شورای نگهبان تأیید کرده، این دیگر چه ارزشی دارد؟ اگر اختلاف ۵۰ به ۵۰ یا حتی ۴۰ به ۶۰ باشد، قابل قبول است، اما وقتی ۹۰ درصد مردم در یک‌سو هستند، نمی‌توان آن را قانون دانست.»

وی همچنین بیان داشت: «از نظر شکلی شاید نتوان ایراد حقوقی گرفت؛ مجلس تصویب کرده و شورای نگهبان تأیید نموده، اما روح چنین قانونی درست نیست؛ قانونی است که روح آن فاسد است.»

موج رسانه‌ای و شکل‌گیری گفتمان انتقادی

همزمان با این مواضع، رسانه‌های اصلاح‌طلب مانند شرق، اعتماد و سازندگی در یادداشت‌ها و تحلیل‌های خود این انتقادها را بازنشر کردند. موجی که از اواخر تابستان آغاز شد، حالا در پاییز با انسجام بیشتری دنبال می‌شود.

در این میان، برخی تحلیلگران اصولگرا، این موج را تلاشی هماهنگ برای بازسازی جایگاه سیاسی اصلاح‌طلبان می‌دانند. به باور آنها، پس از چند سال غیبت در مجلس و دولت، این جریان با حمله به نهادهای انتخابی، سعی دارد خود را در نقش «منتقد مردمی» بازتعریف کند. در مقابل، تحلیلگران اصلاح‌طلب این ادعا را رد کرده و می‌گویند هدف اصلی‌شان هشدار نسبت به انحراف مجلس از وظایف اصلی است.

این رویارویی رسانه‌ای، به نوعی تقابل دو روایت از مجلس فعلی تبدیل شده است؛ یکی روایت ناکارآمدی و دیگری روایت تخریب سیاسی.

در مجموع، موج اخیر انتقاد اصلاح‌طلبان از مجلس، طیفی از مواضع متنوع را دربر می‌گیرد؛ از هشدارهای ساختاری درباره صلاحیت‌ها تا نقدهای رفتاری درباره مدیریت مجلس. آذر منصوری، محمد قوچانی، سعید حجاریان و موسوی‌لاری هر یک از اویه‌های خاص به این موضوع نگاه کردند، اما در نهایت همه بر یک نکته مشترک تأکید داشتند و آن، اینکه مجلس از کارکرد واقعی خود فاصله گرفته است. این اشتراک در لحن و مضمون نشان می‌دهد، جریان اصلاح‌طلب در حال بازسازی زبان سیاسی خود است؛ زبانی که می‌خواهد هم منتقد بماند و هم دوباره به صحنه رقابت بازگردد. حالا باید دید این موج انتقادی، به تغییر واقعی در گفت‌وگوی سیاسی کشور منجر می‌شود یا صرفاً به‌عنوان مقدمه‌ای برای بازگشت انتخاباتی در حافظه سیاسی باقی خواهد ماند.

احمد شریف در گفت‌وگو با صبح صادق دلیل هجمه اصلاح‌طلبان علیه مجلس را افشا می‌کند

اصلاح‌طلبان در مجلس نیستند!

سیدپویا هاشمی

روزنامه‌نگار

مجلس دوازدهم شورای اسلامی با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود، از نظر ترکیب نمایندگان و میزان مشارکت مردمی، بازتاب گسترده‌ای در محافل سیاسی و رسانه‌ای داشته است. کاهش چشمگیر حضور اصلاح‌طلبان، عدم تأیید صلاحیت بسیاری از نامزدهای این جریان و تصمیم برخی چهره‌ها برای نام‌نویسی نکردن، باعث شد تا مجلس کنونی با حداقل نمایندگان نزدیک به اصلاحات شکل گیرد. این وضعیت، به‌ویژه در مقایسه با ادوار گذشته، پرسش‌های جدی درباره کارآمدی، مشروعیت و تأثیرگذاری مجلس بر تصمیمات کلان کشور ایجاد کرده است.

در چنین فضایی، موجی از انتقادهای اصلاح‌طلبان علیه مجلس، به‌ویژه اقلیت تدررو و برخی رویکردهای نادرست آن شکل گرفته است. این انتقاده‌ها هم‌منظور بازسازی سرمایه اجتماعی جریان اصلاحات و هم به دلیل ضعف‌های واقعی عملکردی مجلس مطرح می‌شود.

در گفت‌وگویی اختصاصی با «احمد شریف»، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو جبهه اصلاحات، درباره چرایی شکل‌گیری این انتقاده‌ها، نقش مجلس در قانون‌گذاری و نظارت، و برنامه‌های اصلاح‌طلبان برای انتخابات‌های آتی گفت‌وگو کرده‌ایم. وی با تأکید بر ضرورت اصلاح روندهای انتخاباتی، حضور مدیران اصلاح‌طلب در عرصه قانون‌گذاری و جلوگیری از دخالت غیرقانونی نمایندگان در امور اجرایی، دیدگاه‌های خود را درباره عملکرد مجلس دوازدهم و آینده سیاسی کشور تشریح می‌کند.

تحلیل شما از موج اخیر انتقادهای

جریان اصلاحات نسبت به مجلس

دوازدهم چیست؟

واقعیت این است که جریان اصلاحات در انتخابات مجلس دوازدهم عملاً ورودی نداشت. همان‌طور که می‌دانید، بسیاری از چهره‌های اصلاح‌طلب حاضر به نام‌نویسی به‌عنوان کاندیدا نشدند و از سوی دیگر، صلاحیت تعداد زیادی از نامزدهای اصلاح‌طلب نیز تأیید نشد. به همین دلیل، ما امروز شاهد مجلسی هستیم که شاید کمترین تعداد نمایندگان نزدیک به اصلاح‌طلبان را در طول ادوار مجلس شورای اسلامی دارد؛ حتی جریان‌های معتدل هم در این مجلس حضور مؤثری ندارند.

در این فضا، مجلسی یکدست و عمدتاً اصولگرا شکل گرفت که بخش قابل توجهی از آن به جبهه پایداری تعلق دارد. همان‌طور که دیدیم، در انتخابات هیئت‌رئیس‌ه نیز در برابر آقای قالیباف صف‌آرایی کرده و حتی کاندیدای رقیب معرفی کردند. متأسفانه با موضع‌گیری‌های رادیکال و تند خود، بیشترین جهت‌گیری حملات را به سمت دولت چهاردهم و شخص رئیس‌جمهور معطوف کرده‌اند.

البته باید گفت انتقادهایی که اصلاح‌طلبان مطرح می‌کنند، عمدتاً متوجه اقلیتی از نمایندگان است که با مواضع تدرروانه، بر انسجام داخلی کشور پس از وقایع اخیر تأثیر منفی می‌گذارند. ما باید مراقب باشیم این مواضع موجب خلل در همبستگی ملی نشود. البته در همه ادوار مجلس، انتقادهایی وجود داشته، اما انتقادهای فعلی بیشتر ناظر بر همین جریان خاص است.

برخی چهره‌های اصلاح‌طلب

انتقادهایی به مجلس داشتند. به نظر شما این انتقاده‌ها ناشی از ضعف

بود. تأسیس و هدایت روزنامه‌های زنجیره‌ای که به شکل هماهنگ، نهادهای بنیادین نظام همچون شورای نگهبان، قوه قضائیه، بسیج مردمی و... را مورد هجمه قرار می‌دادند، ابزار اصلی این فشار از پایین بود. این رسانه‌ها با تنویرزه کردن شکاف‌های اجتماعی و سیاسی، عملاً تنور تفرقه را در جامعه شعله‌ور نگاه می‌داشتند. در واقع طرح ایده در رسانه‌ها صورت می‌گرفت و از سوی بسیویان این جریان، در دولت پیگیری می‌شد.

نتیجه این رویکرد، ظهور بحران‌های پی‌درپی بود که ثبات سیاسی و اجتماعی کشور را به چالش می‌کشید. از غائله کوی دانشگاه تا پرونده قتل‌های زنجیره‌ای، کشور شاهد تنش‌های مداومی بود که به تعبیر رئیس‌جمهور وقت، دولت «هر ۹ روز یک بحران» را تجربه می‌کرد. این راهبرد، ضمن ایجاد نوعی خفقان سیاسی برای جریان‌های رقیب، انرژی و منابع کشور را به جای تمرکز بر توسعه زیربنایی، صرف مدیریت بحران‌های خودساخته کرد.

تکرار تجربه انحصار

فرصت دوم برای انحصار سیاسی جریان اصلاحات در سال ۱۳۹۲ با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری فراهم شد.

این بار نیز طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰، ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شورای شهر تهران به صورت یکپارچه در اختیار این جریان و همفکران آن قرار گرفت. با این حال، تاریخ بار دیگر تکرار شد و به جای تمرکز بر حل مشکلات اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی مردم، اولویت اصلی بر «توسعه سیاسی» به معنای تلاش برای تصاحب دیگر ارکان قدرت قرار گرفت.

بر اساس این تئوری منسوخ توسعه، مادامی که یکی از قسوا در اختیار این جریان بود، تلاش اصلی معطوف به ایجاد تنش و فشار برای به دست آوردن سایر مناصب بر اساس برنامه «فتح سنگر به سنگر» می‌شد. این رویکرد، که به تشدید

شکاف‌های اجتماعی و رفتارهای ضد وحدت ملی دامن می‌زد، هیچ دستاورد ملموسی برای کشور به همراه نداشت و تنها به افزایش سطح درگیری‌های داخلی و فرسایش سرمایه اجتماعی منجر شد.

انحصارگرایی و برجسب‌زنی

یکی از شاخصه‌های ثابت در رفتارشناسی جریان اصلاحات، میل شدید به «انحصار سیاسی» و ایجاد «خفقان» برای هر فکر و گروه مخالفی است. این رویکرد از طریق برجسب‌زنی و تخریب رسانه‌ای هر جریان منتقد صورت می‌پذیرد. این نگاه انحصاری تا آنجا پیش رفت که یکی از چهره‌های شاخص این جریان در گذشته صراحتاً بیان داشت: «منظور از نظام یعنی ما اصلاح‌طلبان». این جمله به وضوح نشان‌دهنده به رسمیت نشناختن حق کمنشگری سیاسی برای دیگران است.

همزمان این جریان در هنگام مواجهه با نقد عملکرد خود، به‌ویژه در زمان در اختیار داشتن قدرت، با تاکتیک «فرار به جلو» از پاسخگویی شانه خالی می‌کند. طرح مسائل نخ‌نما شده‌ای چون «نگذاشتند، نمی‌گذارند» بهانه‌ای دائمی برای توجیه ناکارآمدی‌ها و تحقق نشدن وعده‌ها بوده است. این رویکرد مانع از شکل‌گیری یک ارزیابی دقیق از عملکرد آنها در پرونده‌های مهمی چون فاجعه کرسنت، برجام و چالش‌های اقتصادی ناشی از ۲۲ سال حکمرانی آنها در مقاطع مختلف شده است.

راهبرد تکرار

پس از برگزاری چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری و تصاحب قوه مجریه، به نظر می‌رسد جریان اصلاحات بار دیگر همان راهبرد قدیمی خود را برای تکمیل انحصار سیاسی در پیش گرفته است.

هدف بعدی، به دست آوردن مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر است. در این راستا، شاهد رویکردی محیرالعقول و حمله‌ای تمام‌عیار به مردمی‌ترین نهاد کشور،



منافع و امنیت ملی است. کشورهای رقیب مترصد تضعیف پشتوانه مردمی نظام هستند و ما نباید با تند کردن مواضع سیاسی به این روند دامن بزینیم. مردم از ناکارآمدی‌های اقتصادی و معیشتی ناراضی‌اند و وقتی می‌بینند دعواها صرفاً سیاسی است و به زندگی‌شان ربطی ندارد، ناامید می‌شوند. باید به مردم نشان دهیم که مسئولان نیز در کنار آنها زندگی می‌کنند و از مشکلات آگاهند؛ این احساس هم‌سرنوشتی حیاتی است.

موضع اصلاح‌طلبان درباره مجلس چیست؟

انتظار اصلاح‌طلبان این است که مجلس در دو محور اصلی وظایف خود را جدی بگیرد؛ نخست در حوزه قانون‌گذاری، و دوم در حوزه نظارت. در بخش قانون‌گذاری، ضروری است مجلس در چارچوب لوایح ارسالی از سوی دولت عمل کند و از دستکاری‌های گسترده پرهیز شود. گاهی لایحه‌ای در ده ماده از دولت ارسال می‌شود، اما پس از بررسی در مجلس حجم آن

چند برابر شده و مواد بسیاری افزوده می‌شود که بعضاً قابلیت اجرا ندارد.

در حوزه نظارت نیز رویکرد مجلس باید از حالت «مع‌گیری» و برخورد‌های سیاسی فاصله بگیرد. متأسفانه در برخی موارد، نظارت به ابزاری برای ترمز کردن مدیران اجرایی تبدیل می‌شود و جسارت تصمیم‌گیری را از آنها می‌گیرد.

همچنین نمایندگان نباید در امور اجرایی شهرستان‌ها دخالت کنند. بارها رهبر معظم انقلاب تأکید کرده‌اند که نمایندگان نباید در انتصابات و تصمیمات اجرایی مداخله داشته باشند، اما در برخی مناطق چنین مداخلاتی رایج است. این دخالت‌ها نه‌تنها مغایر قانون است؛ بلکه روند اداره کشور را مختل می‌کند.

اصلاح‌طلبان چه برنامه‌ای برای انتخابات‌های پیش‌رو، به‌ویژه انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس دارند؟

اصلاح‌طلبان معتقدند باید از تجربه‌های گذشته درس گرفت و اجازه داد همه نیروهای سیاسی در انتخابات حضور داشته باشند. اگر مجلس حداقلی تشکیل می‌شود، سهم همه نهادهای حاکمیتی در این وضعیت مشخص است و باید اصلاح شود.

برای نمونه، نگاهی به ترکیب کمیسیون‌های تخصصی مجلس بیندازید؛ مثلاً در کمیسیون انرژی که باید با تحریم‌ها، نفت و حوزه‌های اقتصادی سر و کار داشته باشد، ترکیب تخصصی مناسبی دیده نمی‌شود. حتی در کمیسیون کشاورزی، اکثریت اعضا از روحانیون هستند، در حالی که بخش کشاورزی امروز با چالش‌های تخصصی متعددی روبه‌روست.

اگر در بررسی صلاحیت‌ها نگاه تخصصی‌تر و منصفانه‌تری اعمال شود، می‌توان امیدوار بود که در دوره‌های آینده شاهد مجلسی کارآمدتر و واقع‌گراتر باشیم.

اصلاح‌طلبان یا انحصارطلبان!

یعنی مجلس شورای اسلامی هستیم.

به بهانه انتقاد رئیس مجلس از اقدامات خلاف رویه‌های وحدت ملی از سوی آقایان روحانی و ظریف، توپخانه رسانه‌ای و سیاسی این جریان، مجلس را آماج حملات خود قرار داده است. برخی چهره‌های اصلاح‌طلب با توهین آشکار به نمایندگان منتخب مردم و با بیان عباراتی چون «مردم از این مجلس متنفر هستند»، عملاً در حال زیر سؤال بردن شأن و جایگاه نهاد قانون‌گذاری کشور هستند.

این در حالی است که دولت در اختیار خودشان است و وظیفه اصلی قوه مجریه، پاسخگویی درباره وضعیت اقتصادی و معیشتی است که طی سالیانتمادی، خودشان و هم‌فکران‌شان مسئول اصلی آن بوده‌اند.

از منظر این جریان سیاسی، هیچ فرد، گروه یا جریانی حق انتقاد و ابراز نظر ندارد، مگر آنکه در راستای منافع سیاسی آن‌ها باشد. «وفاق ملی» از دید آنها، تنها به معنای سکوت دیگران و همراهی بی‌چون‌وچرا با اقدامات‌شان تعریف می‌شود و مطلقاً تاب آن را ندارند که اقدام یا سخنی غیر از آن را ببینند یا بشنوند.

در نهایت باید گفت، تاریخ سیاسی معاصر ایران گواهی می‌دهد که جریان اصلاحات، با وجود در اختیار داشتن قدرت در مقاطع طولانی، نتوانسته است به شعارهای اصلی خود مبنی بر توسعه پایدار و بهبود وضعیت زندگی مردم جامه عمل بپوشاند.

رویکرد انحصارگرایانه، تکیه بر ایجاد بحران برای کسب امتیاز و اولویت دادن منافع جناحی بر منافع ملی، پیامدهایی جز تشدید شکاف‌های اجتماعی، بی‌ثباتی سیاسی و ناکارآمدی اقتصادی به همراه نداشته است.

حمله به نهادهای انتخابی و مردمی، مانند مجلس شورای اسلامی، نه تنها راه‌حلی برای مشکلات کشور نیست، بلکه مسیر را برای تعمیق بحران‌ها هموارتر می‌کند. این جریان باید به جای تکرار اشتباهات گذشته، به چند اصل اساسی پایبند باشد.



همسر شهید «ابوالفضل شهباز»

می گوید: «بیست و سوم خرداد که رژیم

صهیونیستی به ما حمله کرد، ما برای زیارت

امام رضا(ع) و شرکت در جشن عید غدیر به

مشهد رفته بودیم. هنوز یک روز از آمدن مان

به مشهد نمی گذشت که خبر حمله به ایران

را شنیدیم. ابوالفضل بسیار آشفته شد و به

من گفست می خواهم به تهران برگردم. با

همکارانش تماس گرفت. آنها گفتند بعد از

مرخصی ات برگرد. در آن دو سه روز بسیار

آشفته بود و با این حال سعی می کرد آرامش

خود را حفظ کند. وقتی از سفر بازگشتیم،

من و فرزندان را به سمنان، منزل پدرم برد

و خودش به محل کارش در تهران رفت. با

اینکه مسیر طولانی ای را رانندگی کرده بود،

اما از خوشحالی سر از پا نمی شناخت که

می خواهد به محل خدمتش برود. هر چه به

او اصرار کردم که استراحت کن بعد به تهران

برو، قبول نکرد. با من و فرزندم خداحافظی

کرد و رفت، اما لحظاتی بعد برگشت و میعاد

را در آغوش گرفت و گفت: «بابایی! خیلی

دوست دارم، مواظب خودت و مامان باش»

و این آخرین دیدار و خداحافظی ما بود.

ابوالفضل انسان بسیار آرام و مهربانی بود. در

وضعیت بحرانی که همه مضطرب می شدند،

او آرام بود و همه را به آرامش دعوت می کرد.

نمازش همیشه اول وقت بود. در این ده سالی

که با ایشان زندگی کردم، هرگز ندیدم نمازش

قضا شود. بعد از نماز هم همیشه دو صفحه

قرآن می خواند و تلاش می کرد که در مدت

کوتاهی قرآن را ختم کند. ایشان همیشه

دائم الوضو بود و حتی قبل از خواب هم

وضو می گرفت. آن طوری که همکاران ایشان

می گویند بسیار کار راه انداز بود و تا جایی

که می توانست، دست دیگران را می گرفت.

شهید واقعا عصای دست پدر و مادرش بود.

بسیار به آنها علاقه داشت و احترام زیادی

برایشان قائل بود. در کارهای خانه نیز بسیار

به من کمک می کرد. مشغله کاری اش بسیار

زیاد بود، با این حال در کار خانه کمک حال

من بود. گاهی اوقات که خسته از سر کار

بازی می گشت و من هم از کار خسته بودم،

می گفست بچه را برای بازی بیرون می برم تا

شما بتوانید استراحت کنید. به من همیشه

توصیه می کرد کارهای سنگین انجام نده و

همه را به من بسپار.

ما روز تشییع حاج قاسم سلیمانی تهران

بودیم. در نمازی که رهبر معظم انقلاب برای

ایشان خواندند، شرکت کردیم و در آن روز

ابوالفضل حال بسیار عجیبی داشت. در آن

مدتی که جنگ بود و ما در سمنان بودیم،

با ایشان که تماس می گرفتم، می گفتم: «به

فکر ما هم باش. ما یک فرزند کوچک داریم

و یک فرزند تو راهی». ایشان می گفست:

«نگران نباش! من لیاقت شهادت ندارم، اگر

هم لیاقت پیدا کردم و شهید شدم، خداوند

خودش فرموده است که من جایگزین شهید

در خانواده ام می شوم.»

به مناسبت میلاد با سعادت حضرت زینب(س) و روز پرستار جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه، معاون هماهنگ کننده نمایندگی ولی فقیه در سپاه و مدیر ایثارگران نمایندگی ولی فقیه در سپاه با خانواده جانبازان «موسی گل محمدی» و «محمدرضا محمدی» دیدار کردند.

به گزارش خبرنگار صبح صادق، این دیدار به پاس تشکر از همسران جانبازان شکل گرفته بود؛ زیرا همسران جانباز پرستارانی هستند که بدون هیچگونه چشم داشتی سخت ترین شرایط را تحمل می کنند و حضرت زینب(س) وار در این راه قدم نهاده اند و هیچ گاه از این قرار عاشقانه که با خدا بسته اند پاس نکشیده اند.

این همان نکته ای است که جانباز ۹۵ درصد قطع نخاعی آقای گل محمدی در دیدار مان به ما گوشزد کرد و گفت یک بار یکی از مسئولان به دیدار ما آمده

بود، به همسرم گفت: «جانبازی همسران زحمتی به دوش شماست!» همسرم هم در پاسخ گفته بود: «مگر همسر من چه مشکلی دارد که این حرف را می زنی؟» یا وقتی خاطره ای از جانباز دیگر نقل کرد و گفت یادم است یک بار در مسافرتی یک جانباز به دلیل مشقتی که برای همسرش ایجاد کرده بود با گریه از همسرش معذرت خواهی می کرد و می گفت: «من شرمندم!» همسرش هم با طمأنینه و آرامش اشک همسرش را پاک می کرد و می گفت: «تو گل زندگی من هستی هیچوقت این حرف را نزن! من به تو افتخار می کنم؛ تو همه کس من هستی» و یا وقتی جانباز آقای محمدی ۷۲ درصد از زمین خوردن و مشکل کم همسرش گفت و با بغض از او تشکر کرد.

از همین رو بود که حجت الاسلام طیبی فر تاکید کرد: «همسران جانباز ایثارگر هستند و این ایثارگری پاداشی دارد که قابل محاسبه نیست. در این دنیا، هر

جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه در دیدار با خانواده جانبازان مطرح کرد

مسیر زینبی (س) همسران جانباز!



قدر هم از همسران تقدیر شود، لوح سپاس و تشکر به عمل آید، باز هم نتیجه کار شما را ادا نمی کند. آنچه شما به دست می آورید، اجر و مزدی است الهی که خداوند برای تان پیش بینی کرده است؛ مزدی که با هیچ معیار دنیایی قابل سنجش نیست.»

وی با اشاره به این سخن رهبر معظم انقلاب که فرمودند: «پرستار، فرشته روحی بیمار است» افزود: «شما تنها از بعد جسمی مراقبت نمی کنید، بلکه بعد روحی را نیز در نظر دارید. حضرت زینب(س) نیز در کربلا پرستار بود، هم پرستار جسمی و هم پرستار روحی اهل کاروان. ماجرا شوشی بردار نبود؛ ایشان کاروانی را همراه داشت که همشان با چشمان خود دها شهید قطعه قطعه شده را دیده بودند؛ پدر، عمو، برادر... اما خداوند به حضرت زینب(س) صبری عطا کرد که توانست آن مأموریت سنگین را به سلامت به پایان برساند.»

حجت الاسلام طیبی فر با اشاره به نقش همسران جانباز در زنده نگه داشتن شاهدان عینی تاریخ هشت سال دفاع مقدس اذعان داشت: «همسران جانباز همچون حضرت زینب(س) که خون شهیدان کربلا را چون ماهیهای حیات بخش، منزل به منزل در کالبد اسلام جاری کرد تا دین زنده بماند و چهره پلید حکومت اموی رسوا شود، می توانند چهره پلید دشمنان انقلاب و کشور را به مردم نشان دهند.»

وی با تأکید بر اینکه جانبازان ما جایگاهی دارند که بدون تردید از شهدا کمتر نیست، تصریح کرد: «جانباز هر روز در حال شهادت است، از این رو هر روز اجر می برد. شهید یکبار به دیدار حق می رود، اما جانباز هر روز درد می کشد و صبر می کند. به ویژه جانبازان با درصد بالای آسیب، که مشکلات جسمی و روحی فراوانی دارند، اما با لطف الهی استوار مانده اند.»

معاون سیاسی سپاه به مناسبت روز ۱۳ آبان مطرح کرد

اتاق جنگی به نام سفارت خانه

جاسوسی را تسخیر کردند و حضرت امام راحل(ره) از آن به عنوان انقلاب دوم یاد کرد.

سردار جوانی با اشاره به شبهه برخی افراد که چرا دانشجویان لانه جاسوسی را تسخیر کردند گفت: «این افراد یادشان رفته که سفارت آمریکا بیش از هر نکته ای مرکز توطئه علیه انقلاب بود؛ یعنی لانه جاسوسی صرفا برای جمع آوری اطلاعات نبود. آنها در این نقطه اتاق جنگ درست کرده بودند؛ تجهیز ضد انقلاب در کردستان، برقراری ارتباط، پشتیبانی، شناسایی، شبکه سازی برای اقدام، طرح ریزی برای کودتا، ترور، بمب گذاری، ناامنی ها، غائله ها و جنگ هشت ساله علیه ملت ما شکل گرفت که پشت صحنه آن آمریکایی ها بودند. از این رو جوانانی از پنج دانشگاه تهران به عنوان دانشجویان پیرو خط امام(ره) برنامه ریزی می کنند و با یک اقدام هماهنگ سفارت آمریکا را تصرف می کنند.»

وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به جنگ دوازده روزه اظهار داشت: «شهادت فرماندهان اهداف اولیه ای بود برای اینکه ساختار دفاعی، نظامی و امنیتی فرو بریزد؛ اینها با چه نیتی محل نشست سران قوا و اعضای شورای عالی امنیت ملی را بمباران کردند؟ برای ایجاد خلأ قدرت؛ یعنی فرماندهان را می زند، سامانه های دفاعی را می زند، سایت های موشکی را می زند، محل جلسه شورای عالی امنیت ملی را می زند، مقرهای یگان های ویژه و انتظامی را می زند تا خلأ قدرت در ایران به وجود بیاید تا حرکتی از سوی مردم شکل بگیرد؛ اما نه تنها مردم آنها را حمایت نکردند بلکه زیر ضربات موشکی جمهوری اسلامی مجبور شدند آتش بس را مطرح کنند. آن هم با دها سال کار و آمادگی و تمرین. این دیگر اعتراف نتانیا هوست، اعتراف ترامپ است که می گوید این خلبان ها ۲۰ سال تمرین می کردند.»



فقیه و آیت الله هستید چرا شمارا به تبعید می فرستند؟» که امام در جمله کوتاه فرمودند «جرم من دفاع از استقلال و وطنم است.»

معاون سیاسی سپاه ادامه داد: «در همان سال بار دیگر آمریکایی ها تصور کردند با یک حرکت سرکوب می توانند این ملت را سر جای خودش بنشانند؛ لذا حادثه دیگر آفریده شد که نقش آمریکایی ها یک نقش مستقیم بود. در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران جوانان برومند این ملت دانش آموزان و دانشجویانی که فریاد عزت خواهی و استقلال طلبی سر داده بودند به دستور آمریکایی ها و مزدوران آنها به خاک و خون کشیده شدند؛ اما این خون ها سر نوشت را به گونه دیگری رقم زد و در نهایت انقلاب به پیروزی رسید.»

وی افزود: «آمریکایی هایی که از پیروزی انقلاب اسلامی وحشت کرده بودند، لانه جاسوسی درست کردند و سفارتخانه آنان به مرکز توطئه علیه انقلاب تبدیل شد. در نهایت جوانان این مرز و بوم تحت عنوان دانشجویان پیرو خط امام(ره) در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ این لانه

داشته است، ادامه داد: «آمریکا در سال های قبل از انقلاب تلاش کرده ملت ایران را تحت سیطره خود قرار دهد، در سال ۴۳ وقتی که آمریکا از طریق رژیم سرسپرده، مستبد و دیکتاتور لایحه کاپیتولاسیون را بر ملت ایران تحمیل کرد، بزرگ مردی از سلاله رسول الله(ص) قیام کرد و علیه آمریکا فریاد زد و دفاع از عزت و کرامت این ملت را بر خود فرض دانست.»

وی خاطر نشان کرد: «فریادهای بلند حضرت امام(ره) برای دفاع از استقلال، عزت و شرافت این ملت به گونه ای آمریکایی ها را به وحشت انداخت که آمریکا با شاه تحت امر خود دستور دادند که ایران را باید از این وضعیت خارج کنید و افرادی چون خمینی را به تبعید بفرستید تا این حرکت علیه آمریکا پانگردد.»

سردار جوانی افزود: «شاه فرمان برد و دستور آمریکا را اجرا کرد و امام(ره) را به تبعید فرستاد، در اسناد تاریخی ثبت شده که در هواپیمای حامل امام به سمت ترکیه مهماندار از امام سؤال می کند «آیت الله جرم شما که محکوم به تبعید شده اید چیست؟ شما یک مرجع

خبر

۱۳ تن احتکار

«سر هنگ پاسدار احمد محمدی جم» رئیس بسیج اصناف سبزوار گفت: «۱۲ تن برنج ایرانی احتکار شده در سبزوار کشف و ضبط شد. این مقدار برنج در پی گزارش های مردمی و پیگیری های میدانی مأموران بسیج اصناف شهرستان سبزوار با همکاری اداره اماکن عمومی و بازرسی اتاق اصناف از زیر زمین یک منزل مسکونی کشف شد. این اقدام در راستای مقابله با احتکار و جلوگیری از ایجاد التهاب در بازار مواد غذایی انجام شد و فرد متخلف به مراجع قضایی معرفی شد. بسیج اصناف سبزوار در ماه های اخیر با اجرای طرح های مشترک بازرسی و رصد مستمر بازار، نقش مؤثری در برخورد با پدیده هایی، چون گران فروشی، احتکار و عرضه خارج از شبکه ایفا کرده است.»

اشتغال زایی

«سر هنگ مهدی صادق پور» مسئول سازمان بسیج سازندگی استان قزوین گفت: «در سال جاری نزدیک به ۶۰ درصد از اعتبارات تملک دارایی و تسهیلات اشتغال زایی بسیج سازندگی استان به حوزه نیروگاه های خورشیدی اختصاص یافته است. تاکنون ثبت نام ها انجام شده و بازنده های فنی از منازل متقاضیان با کمک کارشناسان بسیج سازندگی و نمایندگان اداره برق صورت گرفته است. خانه هایی که دارای شرایط مناسب برای نصب سامانه خورشیدی هستند، شناسایی و تأیید شده اند. پنل های خورشیدی، امسال یکی از محورهای اصلی تسهیلات اشتغال زایی و اگزار شده به بسیج سازندگی است تا هم اشتغال ایجاد شود و هم درآمد پایداری برای خانواده های بهره مند از این نیروگاه های کوچک فراهم آید.»

۶ هزار و ۴۶۷ بسته

«اقبال جهانبخشی» مسئول بسیج سازندگی سپاه استان زنجان با اشاره به اقدامات انجام شده در قالب قرارگاه خدمت رسانی و رزمایش کمک مؤمنانه، گفت: «در مجموع طی هفت ماه گذشته، ۶۴۶۷ بسته معیشتی بین اقشار گوناگون مردم توزیع و ۵۶۰ رأس قربانی ذبیح و بین نیازمندان توزیع شده است.» مسئول بسیج سازندگی سپاه استان زنجان ادامه داد: «همچنین در قالب رزمایش های مختلف، بیش از ۲۴ هزار و ۲۸۳ وعده غذایی میان خانواده ها توزیع شده است.» جهانبخشی با اشاره به سایر اقدامات جهادی، گفت: «در حوزه خدمات اجتماعی، ۱۲۸۷ دست البسه و کفش، ۹۲۱ بسته بهداشتی و ۴۳۶۸ ویزیت رایگان پزشکی با تلاش گروه های جهادی انجام شده است.»



در نشست کمیسیون پیشگیری از آسیب‌های جسمی کارکنان وظیفه نمایندگی ولی فقیه در سپاه مطرح شد

روان‌شناسی سنجشی ۱۱ هزار سرباز

نشست کمیسیون پیشگیری از آسیب‌های جسمی کارکنان وظیفه نمایندگی ولی فقیه در سپاه در سالن شهید چمران نیروی انسانی با حضور «حجت‌الاسلام والمسلمین طبیبی فر»، «سردار خدادی» و «سردار نقی زاده» و به صورت ارتباط تصویری با تمام رده‌های نمایندگی ولی فقیه در سپاه برگزار شد.

به گزارش صبح صادق سردار حسن نقی زاده در ابتدای این نشست با اشاره به اینکه موضوع پیشگیری برای سپاه مهم است، اذعان داشت: «ان‌شاءالله اقدامات پاسداران در سال ۱۴۰۴ دسته‌بندی خواهد شد و رده‌هایی که در حوزه پیشگیری موفق‌تر عمل کرده‌اند، تشویق خواهند شد.»

وی با اشاره به مصوبات کمیسیون پیشگیری، اظهار داشت: «در جذب و شناسایی سربازان دقت لازم صورت گرفته و معرف هر سرباز در صورت بروز هرگونه مشکل باید پاسخگو باشد. ارتباط با خانواده کارکنان وظیفه‌ای که به آن رده معرفی می‌شوند، باید برابر ابلاغ انجام شود.»

نقی زاده گفت: «در بدو ورود سرباز، ارتباط با خانواده و کارکنان اجرایی باید برقرار شود. همچنین هر طلبه وظیفه بین ۱۰ تا ۲۰ نفر سرباز را در قالب طرح ناصرین تحت پوشش قرار دهد. افرادی که با سربازان زندگی می‌کنند و می‌توانند مشکلات روحی و روانی آنان را شناسایی کنند، باید اقدامات پیشگیرانه را انجام دهند.»

وی تأکید کرد: «لازم است فرماندهان و مسئولان به‌گونه‌ای رفتار کنند که سربازان بتوانند اطلاعات به‌دست آمده از همکاران خود را با آنها در میان بگذارند. برگزاری برنامه‌های متنوع فرهنگی و سیاسی برای افزایش بصیرت سربازان بسیار مؤثر است. اوقات فراغت سربازان اهمیت زیادی دارد. همچنین معاونت آموزش موظف است نسبت به برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارکنان اقدام کند.» در ادامه این مراسم سردار خدادی جانشین معاونت نظارت و بازرسی نمایندگی ولی فقیه در

سپاه در خصوص اقدامات صورت گرفته در حوزه آسیب‌شناسی و پیشگیری از آسیب‌های مبتلا به کارکنان وظیفه گفت: «گزارش‌ها به‌صورت روزانه ارسال می‌شود و در کارگروه‌ها و کمیسیون‌ها نقد و بررسی می‌شود.»

وی با اشاره به قرارگاه فرهنگی-تربیتی سرباز ادامه داد: «در این قرارگاه، کارگروه خاص آسیب‌های مبتلا به با مسئولیت نظارت و بازرسی تشکیل می‌شود که هر دو ماه یک‌بار آخرین وضعیت را رصد، تجزیه و تحلیل کرده و گزارش‌ها و پیشنهادهایی برای شورای عالی فرهنگی-تربیتی سرباز و همچنین کمیسیون عالی آسیب‌های سپاه ارسال می‌شود. تا الان، الحمدلله چندین جلسه و مصوبات بسیار خوبی داشته است.»

سردار خدادی با اشاره به طرح موسوم به «معنویت سربازان» معاونت عقیدتی سپاه اظهار داشت: «در این طرح سنجشی از وضعیت سربازان در سراسر سپاه انجام می‌شود و طبق آماری که سردار حمیدی ارائه دادند، بالغ بر ۱۱ هزار نفر از سربازان سنجش شده‌اند و قرار است خروجی این غربالگری-که مریدان سیاسی انجام می‌دهند-به‌حوزه مشاوره ارسال شود. این کار بسیار خوبی است که صورت گرفته است.»

در بخش دیگر این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین طبیبی فر، جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه با اشاره به چهره درخشان سپاه اظهار داشت: «بین مردم، بین همه نیروهای آزادی‌خواه در دنیا، و حتی در میان دشمنان ما چهره سپاه درخشان است. سپاه، نیرویی مقتدر، توانا و الحمدلله در دفاع از کشور اسلامی است. همه ما می‌دانیم که سربازیم، سرباز ولایتیم و تحت فرمان ولایت هستیم. امیدواریم خداوند به همه ما این توفیق را عنایت فرماید که بتوانیم وظیفه‌مان را به‌درستی انجام دهیم.»

جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه با اشاره به اینکه روایات و آیات فراوانی درباره پیشگیری وجود دارد، گفت: «اگر این نوع از آیات و روایات را به‌گونه‌ای درست به نیروهای مان تفهیم کنیم، می‌تواند بسیار

اثرگذار باشد. به تعبیر حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادق، باید باور کنیم که سخنان خدا و انمه اطهار(ع) و پیامبر اعظم(ص) حق است.»

وی ادامه داد: «روایتی از امام حسین(ع) نقل شده که شخصی خدمت ایشان آمد و گفت: «نمی‌توانم گناه نکنم، چه کنم؟» امام فرمود: «پنج کار را انجام بده، هر چه خواستی گناه کن.» این روایت معروف است. فرمودند: اول: رزق و روزی خدا را نخور، هر چه می‌خواهی گناه کن. دوم: از ولایت و قلمرو حکومت خدا بیرون برو، هر چه می‌خواهی گناه کن. سوم: جایی را پیدا کن که خدا تو را نبیند، هر چه می‌خواهی گناه کن. چهارم: وقتی فرشته مرگ (عزرائیل) برای قبض روح تو می‌آید، او را از خود دور ساز، هر چه می‌خواهی گناه کن. پنجم: وقتی مالک دوزخ تو را وارد جهنم می‌کند، اگر می‌توانی وارد نشو، و هر چه می‌خواهی گناه کن. اگر اینها را بتوانیم با تفکر و تدبیر برای افراد توضیح دهیم، خودشان پاسخ بسیاری از پرسش‌ها را می‌یابند و این عامل بازدارنده و پیشگیرانه می‌شود.»

طیبی فر با اشاره به اینکه بعضی از گناهان ناشی از غلبان قوه جنسی است، به روایت دیگری استناد کرد و خاطر نشان کرد: «برخی حاضر نیستند مسیر درست و حلال اشباع غرایز، یعنی ازدواج را انتخاب کنند. پیامبر(ص) فرمودند: «ما من شاب تزوج فی حدایه سیه الا عیه شیطانة؛ (یا ویله، یا ویله، عَصَمَ مِنِّي ثَلْثِي دِينَهِ»، فَلَيْتِي اللَّهُ الْعَبْدُ فِي الثُّلْبِ الْبَاقِي؛ هیچ جوانی نیست که در دوره جوانی خود ازدواج کند، مگر آنکه شیطان او فریاد برآورد که: «وای بر او، وای بر او! دو سوم دینش را از (گزند) من حفظ کرد.» بنابراین، انسان باید برای حفظ یک سوم دیگر، تقوای خدا در پیش گیرد.» وی با اشاره به اینکه بهانه‌ها معمولاً مسکن و معیشت است، ولی واقع مطلب ضعف ایمان است، اذعان داشت: «خداوند فرموده: «إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِمُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ یعنی اگر فقیر باشند، خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند. ما گاهی به‌زبان می‌گوییم «خدا، ای! حرفت را شنیدیم»، اما در عمل باور نداریم. خدا که مثل انسان حرف

نمی‌زند؛ این باور است که باید در ما تقویت شود و ما باید این باور را در نیروها القا کنیم.»

جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه با اشاره به آیه «أَلَمْ يَعْلَمُوا بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» گفت: «مرحوم علامه طباطبایی (ره) که ده سال شاگرد مرحوم قاضی بود، هنگام بازگشت به ایران از ایشان خواست نصیحتی بفرمایند. آقای قاضی در پایان فرمودند: «أَلَمْ يَعْلَمُوا بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى؛ یعنی آیا نمی‌دانند که خدا می‌بیند؟ و این چکیده ده سال سیر و سلوک ایشان بود.» وی در ادامه در خصوص راهکارهای پیشگیری از ارتکاب جرم گفت: «هر کجا هر نیرویی تخلف کرد، جرم مرتکب شد یا اتفاقی افتاد، مسئول او پاسخگو باشد. مسئول هر کس که پاسخگو می‌شود، باید جواب بدهد: «چرا؟» می‌دانستی یا نمی‌دانستی؟» روحیات این آدم را باید بشناسید. اگر ۶ نیرو زیر مجموعه داری، ۱۰ نیرو زیر مجموعه داری، نمی‌توانی نفهمی چه شکلی هستند. اگر نمی‌دانستند، بی‌فایده است. اگر گفت «می‌دانستم اما جلوگیری نکردم»، خیانت کرده است به یک انسان.»

وی اضافه کرد: «اگر مدیر پاسخگویی نیروی زیرمجموعه‌اش نباشد، نمی‌توانیم به صورت جدی جلوگیری کنیم. مدیری که مرتب با این نیرو سروکار دارد، باید عمل کند. اگر دو سرباز در مجموعه داری و نتوانستی با آنها رفیق شوی، وضعیت و روحیاتشان را بفهمی، نمی‌توانی تشخیص بدهی که چه کار می‌کنند. واقعاً این نکته را باید ورود پیدا کنید.»

جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه با اشاره به اینکه در استفاده از سرباز طلبه‌ها باید مناسب عمل شود گفت: «هر سرباز و هر ۲۰ سرباز یک طلبه داشته باشد. قبلاً ابلاغ شده که با آنها بنشینند، نماز جماعت مغرب و عشا حتما حضور داشته باشند، با سربازها رفیق شوند، حرف‌شان را بشنوند، نصیحت کنند و راه را نشان دهند. این خیلی مهم است و اتفاقاتی که برای سربازان می‌افتد، ۹۴ درصد خارج از محدوده است. اما اگر بتوانیم روی مسائل تربیتی و اخلاقی در محیط خود کار کنیم، آن اتفاقات بیرون هم کمتر می‌افتد.»

اعطای درجه سپهبدی به سردار شهید علی شادمانی



علی شادمانی، طی حکم فرمانده معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درجه سپهبدی این شهید والا مقام را به خانواده ایشان اعطاء کرد.

سپهبد «علی شادمانی» که در پی شهادت «سرلشکر غلامعلی رشید» در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به فرماندهی قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء (ص) منصوب شده بود، در حملات رژیم متجاوز صهیونیستی به جمع هم‌زمان شهیدش پیوست.

فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء (ص) درجه سپهبدی شهید «علی شادمانی» را به خانواده ایشان اعطاء کرد.

به گزارش صبح صادق سردار سرلشکر پاسدار «علی عبداللهی» فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء (ص) با حضور در منزل شهید سرلشکر «علی شادمانی» فرمانده فقید قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء (ص) ضمن ادای احترام به مقام شامخ شهید، به‌ویژه شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و خاصه شهید

روی خط

بهترین تحلیل!

۰۹۱۲۰۰۳۳۴۸ / یک نفر با غیرت پیدا نمی‌شود حق روزنامه «هم‌میهن» را کف دستش بگذارد! چادر همان حجاب کاملی بود که خط قرمز شهدای ما بوده! لااقل به حرمت خون شهدا حق این جماعت را کف دست‌شان بگذارید.

۰۹۱۹۰۰۳۴۶۴ / چسرا امثال روحانی و ظریف انقدر سنگ غرب را به سینه می‌زنند؟ آیا از غرب حقوق دریافت می‌کنند؟ عجیب نیست غربی‌ها به کشورت حمله کنند و زیر میز برجامی بزنند که مایه افتخاراتان بود، ولی همچنان هوادار آنها باشی؟ فاعتبروا یا اولی الابصار.

۰۹۳۶۰۰۰۴۷۸۲ / ترامپ قلندر که ادعا می‌کرد آمریکا اول دنیاست، حالا برای اینکه کار و کاسبی کشورش نخراید دست به دامن شرق شده است! بدبختی اینجاست که این وسط اصلاح‌طلبان کاسه داغ‌تر از آتش، از خود غربی‌ها هم غربی‌تر شده‌اند و از این موضوع ناراحت‌اند.

۰۹۳۶۰۰۰۵۸۲۳ / آدم چقدر باید حقیر و بی‌ارزش باشد که توی کشورش بلند شود برود توی هواپیمایی که ترامپ حتی راضی نشده از آن بیرون بیاید و با او دیدار کند! لااقل بگو مسلمان نیستم بعد برو این کار را انجام بده؛ امیر قطر تو چه طور مسلمانی هستی که ذره‌ای غیرت مسلمانی نداری؟ / روگی از سیستان و بلوچستان.

۰۹۱۴۰۰۰۸۶۶۲ / حضرت آقا بهترین شکل ممکن با حربه‌های رسانه‌ای دشمن مقابله می‌کنند. دیدارهای مکرر حضرت آقا با اқشار جامعه در این ایام نشان داد که یک تنه در مقابل هارت و پورت‌های رسانه‌های دشمن ایستاده است. آقا جان خدا شما را برای ما نگه دارد.

لیبک یا خامنه‌ای لیبک یا حسین(ع) است. ۰۹۳۷۰۰۰۲۴۷۷ / یکباره یارانه‌ها را قطع کنید راحت شوید. این چه قاعده‌ای است که برای پرداخت یارانه چیده‌اید؟ آیا صاحب‌خانه شدن در تهران با صاحب‌خانه شدن در شهرستان یکی است؟ در تهران ماهی ۶۰ میلیون هم بگیری باز هم نمی‌توانی بعد ده سال خونه بخری.

۰۹۱۳۰۰۰۵۲۷۳ / مگر می‌شود جنایتی در دنیا رقم بخورد و آمریکایی‌ها در آن دستی نداشته باشند؟ این نیکت را هر کاری کنی، باز هم در قتل و جنایت چهار دست و پا می‌آید پایین! الان هم اعتراف کرده‌اند که در انفجار پیجرها دست داشته‌اند. خدا لعنت کند این قوم ظالم را.

۰۹۱۷۰۰۰۴۲۱۹ / بهترین تحلیل از سفر ترامپ به تل آویو همان بود که رهبر معظم انقلاب فرمودند آنها مایوس بودند. به نظر من دقیق‌ترین و کوتاه‌ترین تحلیلی بود که شنیده بودم. جادارد دلیل این مایوسی صهیونیست‌ها را در بیابورید و در پرونده هفته‌نامه کار کنید. / ممنون از هفته‌نامه صبح صادق

۰۹۲۱۰۰۰۱۳۶۷ / حمله جریان غربی‌گرا به قالیباف فقط به این خاطر است؛ امیدی که اصلاح‌طلبان از غرب داشتند، نقش بر آب شده و هیچ آورده‌ای برای‌شان نداشته است و حالا که دست‌شان از همه جا کوتاه شده دنبال این هستند که دوباره برای خودشان از این طریق وجهه‌ای بسازند؛ یک بار بگویند اشتباه کردیم چیزی از شما کم نمی‌شود.

۰۹۱۷۰۰۰۶۶۴۲ / بانوان هندبالی ما با رعایت حجاب اسلامی در مسابقات آسیایی برنده شدند، آن وقت هم میهن‌تصویری از دختر با حجاب را برای مقاصد کثیف خودش عکس یک می‌کند! کی قرار است کسی جلوی این جماعت را بگیرد خدا می‌داند!

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: بدالله جوانی

سرمدیر: علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

سیامک باقری، سعدالله زارعی، عزیز غضنفری، مهدی سعیدی، فتح الله پریشان، علی قاسمی، حسین عبداللہی فر، رضاصارمی راد
دبیر تحریریه: سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرا: علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن: ۱۱۰ و ۰۱۱۰۷۷۴۶

basirat.ir

@sobhesadegh_fa

نمبر: ۷۷۴۴۶۰۳۳

سامانه پیامک: ۳۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۲۱۱ | دوشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۴

کتابخانه

شکوه باورها

روز، روز شکوه باورهاست
عاشقی را دوباره تمرین کن
سبز شو در برابر دشمن
سرخ، خود را فدایی دین کن
روز زرین دانش آموز است
دانش آموزی آفتابی با
با تو ایران بهار می ماند
پس بمان سبز و انقلابی باش
باش «فهمیده»، با بصیرت، چون
قمریانی که بی ریا رفتند
مثل آنان که در چنین روزی
پر گشودند و تا خدا رفتند
سروهایی که در برابر حق
سجده کردند و روسپید شدند
غزل سرخ عشق را خواندند
لاله لاله، همه شهید شدند
واژه واژه شدند جاری تا
واژگون شد خطوط استکبار
پای طاغوت را قلم کردند
و سرودی شدند معنادار
روزی از جنس روزهای خداست
قدر آن قدر لایله القدر است
برکاتش برای ما این «روز»
پر بها مثل غزوه بدر است
پس بیا تا توان به تن داری
حرمش را بدار فرزندانم!
تا همیشه شجارت این باشد
«من به این انقلاب پابندم»

حفظه ربانی

پرسشگشته

از خانه چار چوب درت را شکسته اند
باب الحوائج پدرت را شکسته اند
عمداً مقابل پسر ارشدت زدن
یعنی غرور گل پسرت را شکسته اند
بازو و سینه، کتف و سرت درد می کند
هر جا که بوسه زد پدرت، را شکسته اند
ای مرغ عشق خانه حیدر کمی پسر
باور نمی کنم که پرت را شکسته اند
از طرز راه رفتن و قد هلالی ات
احساس می کنم کمرت را شکسته اند
ابری ضخمی سر زد و ماهت خسوف شد
بی شک فروغ چشم ترت را شکسته اند
دندان‌های شانه پر از خون تازه شد
اصلاً بعید نیست، سرت را شکسته اند
با بستری کبود و پر از لاله‌های سرخ
آینه‌های دور و برت را شکسته اند
ز آن آتشی که بر شجر طیبه زدن
تلفی ز شاخ و برگ و برت را شکسته اند

یاسر حوتی

صبحانه

شکرگزاری یا غرور؟

اگر دیدی مردم تو را دوست دارند، بدان آنها نعمتی را که خداوند به تو عطا کرده، دوست دارند و ارج نهاده‌اند و از عیبی که خداوند آنها را پوشانده، خبر ندارند؛ پس خدا را شکر کن و مغرور نباش که شکر نعمت و محبوبیت را بیشتر می کند و غرور تو را به زمین می کوبد.

داستان

مزد

از زمین بلند کنی و به منم به بچه بدی؟ به بچه که سرباز امام زمان بشه؟
چند روز بعد پاکت MRI دستم بود و دکتر با لیخند گفت: «شک داری به حرفای من؟ بفرما اینم جواب متخصص. هیچ تومسوری توی هیپوفیزت نیست. سر دردهات چطوره؟ بهتر شدی؟ به نظرم یه دگزا بزَن.»

از مطب دکتر با خوشحالی بیرون اومدم و نفر اول به بابا زنگ زدم که خیلی این روزا نگران بودن و حسایی نذر کرده بودن که چیزی نباشه، خبر خوب رو که دادم غرغره‌های بابا شروع شد: «این سر دردهاتم همش به خاطر اون گوشه لامصبه که از صبح تا شب دستته و هی می نویسی. چی شد اون نمایشنامه؟ تموم شد؟ اصلاً چقدر دستمزد گرفتی؟» بقیه حرفاشون رو نشنیدم. مسیر دکتر تا خونه رو اشک ریختم. فاطمه سال بعد پسرم توی بگلم بود!

جواب دادم: «باشه بینم چه می کنم.» دستمال سرم رو محکم تر بستم و تو تاریکی اتاق زل زدم به سقف ناپیدا. باید می خوندم و یاد می گرفتم. دردهای وحشتناک سرم رو بوسیدم و روی طاقچه گذاشتم و شروع کردم به خوندن. نمایشنامه که قرار بود تک قسمتی باشد، سریالی شد و از قبل خلقت کوثر شروع شد تا به آینده رسید...! وقتی به قسمت آخر رسیدم از پا افتادم، حالم بدتر شده بود و دیگر جانی برای نوشتن نداشتم. آن شب با سردرد خوابم برده بود که باز گوشیم زنگ خورد. با دلخوری گفتم: «بابا برسون این قسمت شهادت روا!» نفس عمیقی کشیدم و روضه خانم رو گوش دادم و به دل سیر گریه کردم. خوب که دلم آماده شد نوشتم و رسیدم به محسن مادر! زمان و مکانی وجود نداشتم من همون جا بودم تو حیاط خونه زهر(س)، روی زمین نشسته بودم و همراه اسماء اشک می ریختم. یهو دلم حالی به حالی شد. با نفس‌های بریده بریده چشم‌هام رو بستم و گفتم: «میشه منم بخری؟ میشه به حرمت اون لحظه‌ای که دلت شکست منو

مریم علیپور

نویسنده

سرم با شلادت هر چه تمام‌تر درد می کرد و داشتم به درگاه خدا، برای یک ثانیه خواب بدون سر درد التماس می کردم. گوشیم زنگ خورد. سلام و احوالپرسی کردیم و از سر دردم گفتم و اونم خیلی راحت از کنارش گذشت. وارد اصل مطلب شد.
می تونی یه نمایشنامه برای ایام فاطمیه بنویسی؟
دلم خواست بگم ده روزه که سر درد امونم رو بریده و هیچ دارویی افاقه نکرده و دکتر احتمال تومور داده... دلم خواست بگم وقتی دکتر اینا رو می گفت تنهای تنها روی صندلی نشسته بودم و دکتر دلداریم می داد که فوش جراحی می کنی و تا آخر عمرت قرص تیروئید و پرولاکتین و فلان و بهمان می خوری. خواستم اینا رو بگم و زیر برگه استعلاجی خودم رو امضا کنم، تا بی خیالم بشه و بره سراغ یه نویسنده دیگه! اما نتونستم. صحبت حضرت زهر(س) بود. نفس عمیقی کشیدم و

تلخند

استاندارد دوگانه فیفا! / کارتونست: میکائیل چفتچی_ ترکیه



سلامت

بیماری خاموش

زهرآحسینی

کارشناس تغذیه

اگر می‌خواهیم چهار ستون بدن مان سالم‌ان سال‌ها بی‌عیب و نقص زیر بارهای کوچک و بزرگ زندگی دوام بیاوریم، باید به سلامت استخوان‌های مان بیشتر اهمیت بدهیم؛ آنها آرام و بی‌خبر نازک و متخلل می‌شوند و قدرت‌شان کاهش پیدا می‌کند. استخوان بافت زنده‌ای است که به طور مداوم در حال تجزیه شدن و جایگزینی است و در همین راستا بدن تراکم استخوان و ساختار آنها را حفظ می‌کند؛ اما این یکپارچگی همیشگی نیست. افراد پوک شدن استخوان‌های‌شان را دیر یا زود تجربه کنند. پوکی استخوان زمانی رخ می‌دهد که تعادل بین تشکیل استخوان جدید و تجزیه استخوان قدیمی بهم بخورد و استخوان، مانند اسفنج، حفره‌دار و پوک شود. به طور معمول تراکم استخوانی در ۲۵ سالگی به حداکثر مقدار خود می‌رسد و تا حدود ۳۵ سالگی در اوج باقی می‌ماند و پس از آن، استخوان سالیانه سه تا پنج درصد تراکم خود را از دست می‌دهد؛ اینجاست که نشانه‌های پوکی استخوان بروز پیدا می‌کند. همان فشارهایی که در حالت عادی آسیبی به استخوان نمی‌زند، در پوکی استخوان می‌تواند آسیب‌رسان باشند. زمین خوردن و حتی فشارهای خفیف می‌تواند موجب شکستگی شود. شکستگی‌های ناشی از پوکی استخوان شدید ممکن است به شکل ترک خوردگی یا به شکل فروپاشی، مانند شکستگی مهره‌های ستون فقرات باشد. اگرچه شکستگی مربوط به پوکی استخوان در هر استخوانی می‌تواند رخ دهد، ستون فقرات، مفصل لگن، دنده‌ها و میچ دست، قسمت‌های مستعد شکستگی هستند. ناگفته نماند هرچه تراکم استخوان بالاتر باشد، استخوان قوی‌تر است و این تراکم استخوانی تحت تأثیر ژنتیک، عوامل محیطی، داروها و سایر عوامل است. این بیماری با اصلاح شیوه زندگی و مصرف برخی مواد غذایی مناسب قابل پیشگیری است. از جمله مصرف کلسیم و ویتامین D، فعالیت‌های بدنی مانند پیاده‌روی یا تمرینات مقاومتی، تغذیه مناسب و افزایش مصرف کلسیم و ورزش برای تقویت استخوان‌ها می‌تواند برای پیشگیری از ابتلا به این بیماری به کمک ما بیاید.

جناب آقای دکتر حمید حبیبی

درگذشت والد گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض کرده و از درگاه خداوند متعال رحمت و واسع‌ه الهی را برای آن مرحوم و صبر و شکیبایی برای شما و سایر بازماندگان مسئلت می‌کنیم.

هفته نامه صبح صادق - دانش‌آموختگان دانشگاه شهید مصلحتی

صادقانه

شاخه‌های بخل

حضرت فاطمه(س) فرمودند: «پدرم رسول خدا(ص) به من فرمود مبادا بخل بورزی؛ چرا که بخل، درختی است در آتش [دوزخ] که شاخه‌هایش در دنیا هستند و هر کس به شاخه‌های آن در آویزد، او را به آتش وارد کند. چون بخل آفت است و این آفت در بزرگوار نیست!»

(دلایل الامامه، ص ۷۱)

غیر رسمی

بهترین لحظه!



چادر و روسری مشک‌اش او را از بقیه اطرافیان متمایز کرده بود. پرسیدم: «بهترین لحظه زندگی‌ت وقتی بود که قهرمان شدی؟» با دقت به چشم‌هایم نگاه کرد، ابروهایش را بالا انداخت و گفت: «نه. قشنگ‌ترین اتفاق زندگی‌م پارسل رقم خورد. همینجا وابسته‌ام و با آقا صحبت می‌کردم. همه حرف‌های دلم رو بهشون گفتم. هر بار نگاه شون می‌کردم، با دقت گوش می‌دادن. حس غروری که بعدش توی دلم نشست، باعث شد پرشورتر ادامه بدم.» نگاهش دور حسینه چرخید، انگار دنبال رد آن لحظه میان جمعیت می‌گشت: «من کاور ورزشیم رو داده بودم تا برسون خدمت آقا برای امضا. چند روز بعد، همون کاور امضا شده، یه قواره چادر مشک‌ی، انگشتر و سجاده برام فرستادن.» از نگاهش می‌شد فهمید آن دیدار برایش چیزی فراتر از افتخار ورزشی بود. شاید هر قهرمان، یک بار در زندگی‌اش، مدالی از جنس نگاه می‌گیرد.

معصومه زارعی

کاپیتان تیم والیبال نشسته زنان

حسن ختام

وعده بهار

اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ فِی اَنَاءِ نَیْلِکَ وَ اَطْرَافِ نَهَارِکَ

خوشا به آن لحظه‌ای که دهانم را خوشبو می‌کنم با بردن نام‌تان و دقایقم نور باران می‌شود از عطر یادتان.

جانم پیشکش ثانیه ثانیه‌های زندگی که شوق یاد شما کنارشان قدم می‌زند.

این من خسته امیدوار روزهایش را آذین بسته به رؤیای شیرین دیدار تان و به تاریکی و سردی شب‌هایش قول رسیدن داده، همان رسیدنی که غسبار اندوه از جاننش بزداید و روی خوش زندگی را نشانش دهد.

ما و تنهایی مان ساکن همیشگی کوچه انتظاریم، همان که انتهایش به شیرینی دیدار تان می‌رسد و تا همیشه با چشم‌مانی از شوق لبریز، از انتظار آمدن و رسیدن تان نگاه بر نمی‌داریم!

یادداشتان در دل و لمس حضور تان لایه‌لای زندگی، بودنی است که توان می‌دهد تا دوام بیاوریم رنج نامهربان دوری را و هزاران بار به قربان آن نبودنی که لحظه وصال، نور از آن می‌گیرد و شیرین و گوارایش می‌کند. ایها العزیز؛ در پاییز سرد زندگی یاد نگاه‌تان وعده بهار می‌دهد.

این چشم به راهی را می‌بوسیم که ما به همین شوق زنده‌ایم... عطر مهربان‌تان در تمام لحظه‌ها جاری‌ست، ای بقیه خدا در روی زمین!

